

IBN BABUYAH

FADA' IL AL-SHI'AH

[illegible]

صفات الشيعة، وفضائل الشيعة

تأليف

فقيه بزرگ ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی

مشهور به

صدوق

المتوفی سنه ۳۸۱ هجری

Ibn Bābūyah, Abū Ja'far Muḥammad

Property of
Princeton University
Library

فضائل الشيعة

تأليف

فقيه بزرگ ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی

مشهور به

صدوق

المتوفی سنه ۳۸۱ هجری

2271

415

385

1970

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين ، وصلواته على محمد وآله الطاهرين ، قال ابو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي الفقيه رضي الله عنه .

[الحديث الاول] قال حدثنا ابي رضى الله عنه قال حدثنا عبد الله بن الحسين المؤدب ، عن احمد بن علي الاصفهاني ، عن محمد بن اسلم الطوسي قال حدثنا ابو رجاء عن نافع عن ابن عمر قال سألنا النبي ﷺ عن علي بن ابي طالب عليه السلام فغضب عليه السلام ثم قال : ما بال اقوام يذكرون من منزلته من الله كم منزلتي ألا ومن أحب علياً أحبني ومن أحبني فقد رضى الله عنه ومن رضى الله عنه كافاه الجنة ، ألا ومن أحب علياً لا يخرج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين وصلواته على محمد وآله الطاهرين

[حديث 1] چنین گوید ابو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي فقيه رضي الله عنه بنقل از پدرش از عبد الله بن الحسين المؤدب از ابن عمر که گفت از حضرت رسول خدا ﷺ راجع بامير المؤمنين علي بن ابي طالب عليه السلام سؤال کردیم ناراحت شد و سپس فرمود گروهی که در اطراف علي عليه السلام گفتگو و کنجکاو می کنند چه حالی و منظوری دارند . منزلت او نزد خدا مانند منزلت من پیش پروردگار است ، بدانید کسیکه علي عليه السلام را دوست داشته باشد مرا دوست داشته و کسیکه مرا دوست داشته باشد خدا از او راضی است و کسیکه خدا از او راضی باشد بهشت مزد او است . آگاه باشید کسیکه علي عليه السلام را دوست داشته باشد از دنیا خارج نمیشود

من الدنيا حتى يشرب من الكوثر ويأكل من طوبى ويرى مكانه فى الجنة ، ألا ومن أحب علياً قبل صلاته وصيامه وقيامه واستجاب له دعاه ، ألا ومن أحب علياً استغفرت له الملائكة وفتحت له ابواب الجنة الثمانية يدخلها من أى باب شاء بغير حساب ، ألا ومن أحب علياً أعطاه الله كتابه بيمينه وحاسبه حساب الأنبياء ، ألا ومن أحب علياً هون الله عليه سكرات الموت وجعل قبره روضة من رياض الجنة ، ألا ومن أحب علياً أعطاه الله بكل عرق فى بدنه حوراء وشفع فى ثمانين من أهل بيته وله بكل شعرة فى بدنه حوراء ومدينة فى الجنة ، ألا ومن أحب علياً بعث الله اليه ملك الموت ، كما يبعث الى الأنبياء ، ودفع الله عنه هول منكر و نكير ، و بيض وجهه وكان مع حمزة سيد الشهداء ، ألا ومن أحب علياً (لا يخرج من الدنيا حتى يشرب من الكوثر

مگر اینکه از حوض کوثر بنوشد و از درخت طوبی بخورد و جای خود را در بهشت به بیند ، بدانید کسیکه علی علیه السلام را دوست داشته باشد نماز و روزه او قبول می شود و دعای او مستجاب می گردد ، با خبر باشید کسیکه او را دوست داشته باشد ملائکه برای وی طلب آمرزش میکنند و در بهای هشت بهشت برای او گشوده می شود تا از هر دری خواسته باشد وارد شود ، هر کس علی علیه السلام را دوست داشته باشد خداوند بزرگی در فردای قیامت صحیفه اعمال او را بدست راست او خواهد داد و حساب او مثل حساب انبیاء است ، بدانید کسیکه علی علیه السلام را دوست داشته باشد خداوند سكرات مرگ را بر او آسان میکند و گور ویرا باغی از باغستانهای بهشت میگرداند ، کسیکه دوست بدارد علی علیه السلام را خداوند بعدد هر رگی که در بدن او است حوری باو عطا فرماید و شفاعت او در هشتاد نفر از اقوام و نزدیکانش پذیرفته می شود و برای او بعدد هر موئی که در بدن او رسته خوری ای و شهری در بهشت است ، کسیکه او را دوست داشته باشد خداوند ملك الموت را هنگام جان دادن پیش او می فرستد بهیئتیکه نزدیکمبران می فرستد و از او ترس نکیر و منکر را بر میدارد و چهره او را سفید و نورانی میگرداند و با حمزه سيد الشهداء ویرا محشور می فرماید ، کسیکه او را دوست داشته باشد

وياً كل من طوبى - خل) أثبت الله في قلبه الحكمة وأجرى على لسانه الصواب وفتح الله عليه أبواب الرحمة ، ألا ومن أحب علياً سمى في السماوات والأرض أسيراً لله ، ألا ومن أحب علياً ناداه ملك من تحت العرش يا عبد الله استأنف العمل فقد غفر الله لك الذنوب كلها ، ألا ومن أحب علياً جاء يوم القيامة و وجهه كالقمر ليلة البدر ، ألا ومن أحب علياً وضع على رأسه تاج الملك والبس حلة الكرامة ، ألا ومن أحب علياً جاز على الصراط كالبرق الخاطف ، ألا ومن أحب علياً كتب له براءة من النار وجواز على الصراط وأمان من العذاب ولم ينشر له ديوان ولم ينصب له ميزان وقيل له ادخل الجنة بلا حساب ، ألا ومن أحب علياً صافحته الملائكة وزارته الأنبياء وقضى الله له كل حاجة ، ألا ومن أحب آل محمد أمن من الحساب والميزان والصراط ، ألا ومن

خداوند دانش و حکمت را بدل او جای میدهد و زبانش را بدرستی و راستی گویا نموده و از لغزش و خطا حفظ میفرماید ، بر او درهای رحمت خود را میگشاید ، کسیکه محب علی علیه السلام است در آسمان و زمین اسیر (کمند محبت) حق ناهیده میشود ، کسیکه علی علیه السلام را دوست داشته باشد فرشته ای از زیر عرش الهی صدایش میکند و گوید ای بنده خدا عمل خالصی شروع کردی خداوند گناهان ترا بیامرزد ، هر کس علی علیه السلام را دوست داشته باشد مانند ماه تابان شب چهارده بصحرای محشر وارد میگردد ، کسیکه او را دوست داشته باشد تاجی بر سر او گذاشته شده و لباسهای عزت بر او پوشانیده میشود ، کسیکه علی علیه السلام را دوست داشته باشد از پل صراط مانند برق جهنمه میگردد ، هر که او را دوست داشته باشد امان از آتش دوزخ و عذاب الهی و اجازه عبور از صراط بوی عطا میشود و برای او حسابی نیست و دیوان عمل او را باز نمیکند و اعمال او را نمی سنجند و باو میگویند بدون حساب به بهشت داخل شو ، کسیکه دوستدار علی علیه السلام است فرشتگان باو میمصافحه کنند و انبیا زیارتش نمایند و خداوند متعال حاجاتش را بر آورد ، کسیکه آل محمد علیهم السلام را دوست بدارد از پس دادن حساب و سنجش اعمال و لغزش از پل صراط ایمن است ، شخصی که

مات علی حب آل محمد فانا کفيله بالجنة مع الانبياء ، ألا ومن مات علی بغض آل محمد لم یشم رائحة الجنة .

قال ابورجاء کان حماد بن زید یفتخر بهذا ویقول هو الأمل (الأصل خل).

[الحديث الثاني] حدثنا الحسن بن عبدالله بن سعد عن جابر عن علی ابن الحسن عن ابی جعفر عن علی بن الحسین عن ابیه عليه السلام : قال قال رسول الله ﷺ حب أهل بیتی نافع فی سبعة مواطن احوالهن عظيمة ، عند الوفاة ، و فی القبر ، وعند النشور ، وعند الكتاب ، وعند الحساب ، وعند المیزان ، وعند الصراط .

[الحديث الثالث] حدثنا جعفر بن علی بن الحسین بن علی بن عبدالله بن المغيرة عن اسماعیل بن مسلم الشعیری عن الصادق جعفر بن محمد عن ابیه عليه السلام قال قال رسول الله ﷺ أثبتکم قدماً علی الصراط أشدکم حباً لأهل بیتی .

[الحديث الرابع] حدثنا الحسین بن ابراهیم رحمه الله عن هشام بن حمزة الثمالی

بر دوستی آل محمد عليه السلام بمیرد من ضامن بودن او با انبیا در بهشت ، بر حذر باشید کسیکه بر دشمنی آل محمد عليه السلام بمیرد بوی بهشت را نخواهد شنید .
ابورجاء گوید حماد بن زید بداشتن محبت آل محمد افتخار میکرد و میگفت اصل قبولی اعمال این است .

[حدیث ۲] حضرت علی بن الحسین عليه السلام فرمود رسول خدا می فرمود حب اهل بیت من در هفت موضع خوفناک برای شما مفید است هنگام مرگ ، در گور ، موقع برخاستن از قبور ، وقت باز شدن کتاب ، در رسیدگی حساب ، زمان سنجش اعمال و در گذشتن از صراط .

[حدیث ۳] امام باقر عليه السلام فرمود رسول خدا ﷺ فرمود از شما کسیکه محبتش باهل بیت من بیشتر باشد قدمش بر روی پل صراط از لغزش مصون تر است .

[حدیث ۴] امام باقر عليه السلام بمنقل از پدرانش فرمود که رسول اکرم ﷺ

عن ابی جعفر محمد بن علی عن آبائه علیهم السلام قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله لعلی علیه السلام ما ثبت حبك فی قلب امری مؤمن فزلت به قدمه علی الصراط الا ثبت له قدم حتی ادخله الله بحبك الجنة .

[الحديث الخامس] حدثنا علی بن احمد بن الحسین القزوینی ابوالحسن المعروف بابن مقبر عن زید بن ثابت قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله : من أحب علیاً فی حياته وبعد موته كتب الله عز وجل له الأمان والایمان ما طلعت شمس أو غربت ، ومن أبغضه فی حياته وبعد موته مات موة جاهلیة وحوسب بما عمل .

[الحديث السادس] حدثنا محمد بن احمد بن علی الاسدی المعروف بابن جرادة البردعی ، قال حدثنا رقیة بنت اسحاق بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام قالت حدثنی ابی اسحاق بن موسی بن جعفر قال حدثنی ابی موسی بن جعفر عن ابیه جعفر بن محمد عن ابیه محمد بن علی عن ابیه علی بن الحسین عن ابیه الحسین بن علی عن ابیه امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیهم السلام ، قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله لا یزول قدم عبد یوم القيامة حتی یسأل عن

بعلی علیه السلام فرمود محبت تو در دل مؤمنی جای نگرفت مگر اینکه خداوند او را از لغزش برپل صراط نگهداری خواهد کرد و قدمهای او را استوار خواهد نمود و بخاطر محبت تو او را به بهشت خواهد برد .

[حدیث ۵] زید بن ثابت گوید رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود کسیکه علی علیه السلام را درزندگی و پس از مرگش دوست داشته باشد خداوند عزوجل برای او تازمانیکه آفتاب طلوع و غروب میکند امن و ایمان می نویسد و کسیکه او را در زمان زندگیش و پس از مرگش دشمن داشته باشد بمرگ زمان جاهلیت مرده و از کوچکنترین کاری که کرده بازخواست خواهد شد .

[حدیث ۶] امیر المؤمنین علیه السلام فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود بنده در فردای قیامت قدم از قدم برنمیدارد تا اینکه چهار چیز از او سؤال کنند از جوانیش که در چه

أربعة أشياء عن شبابه فيما ابلاه ، وعن عمره فيما أفناه ، وعن ماله من أين اكتسبه
وفيماء انفق ، وعن حبنا أهل البيت .

[الحديث السابع] حدثنا عبد الله بن محمد بن طبيان عن أبي سعيد الخدري
قال كنا جلوساً مع رسول الله ﷺ إذ أقبل إليه رجل فقال يا رسول الله أخبرني عن
قوله عز وجل لا بليس (استكبرت أم كنت من العالين) فمن هو يا رسول الله الذي هو
أعلى من الملائكة فقال رسول الله ﷺ انا وعلي و فاطمة والحسن والحسين كنا
في سرادق العرش نسبح الله و تسبح الملائكة بتسبيحنا قبل أن يخلق الله عز وجل
آدم بالفى عام فلما خلق الله عز وجل آدم أمر الملائكة أن يسجدوا له و لم يأمرنا
بالسجود فسجد الملائكة كلهم إلا إبليس فانه أبى (و) لم يسجد فقال الله تبارك وتعالى
(استكبرت أم كنت من العالين) عنى من هؤلاء الخمسة المكتوبة اسماءهم فى سرادق

چیز تمام کرد و از عمرش که در چه کاری تلف نموده و از مال او که از کجا آورده
و در کجا خرج کرده و از محبت ما اهل بیت .

[حدیث ۷] ابی سعید خدری گوید با رسول خدا ﷺ نشسته بودیم مردی
پیش او آمد و عرض کرد یا رسول الله خبر ده بمن از فرمایش خدا با بلیس
(استکبرت ام كنت من العالین) عالین چه کسانی هستند آیا از فرشتگان و الامقام ترند
رسول خدا ﷺ فرمود من و علی و فاطمه و حسن و حسین ﷺ در برابر عرش
پروردگار جهانیان بودیم و او را تسبیح میکردیم و فرشتگان بتسبیح ما تسبیح
میکفتند پیش از دوهزار سال قبل از خلقت آدم و هنگامیکه خداوند آدم را آفرید
بفرشتگان امر کرد آدم را سجده کنند و ما را باین سجده امر نکرد تمام فرشتگان
سجده کردند مگر ابلیس که سر باز زد و سجده نمود و سپس خداوند بزرگ فرمود
(استکبرت ام كنت من العالین) مقصود از عالین پنج تن بودند که نام آنها بر سرادق عرش

(۱) (آیا تکبر و رزیدی یا از گروه عالین بودی . سوره ص- آیه ۷۵) .

العرش ، فنحن باب الله الذى يؤتى منه ، بنا يهتدى المهتدى ، فمن أحبنا أحب الله واسكنه جنته ، ومن أبغضنا أبغضه الله واسكنه ناره ، ولا يحبنا الا من طاب مولده .

[الحديث الثامن] حدثنا عبدالله بن محمد بن عبدالوهاب ، قال حدثنا محمد بن حمران عن ابيه عن ابي عبدالله جعفر بن محمد الصادق عليه السلام : قال خرجت انا و ابي ذات يوم (الى) المسجد فاذا هو باناس من اصحابه بن القبر والمنبر قال فدنا منهم وسلم عليهم وقال انى والله لا أحب ريحكم وارواحكم فاعينوا على ذلك بورع واجتهاد ، واعلموا ان ولايتنا لاتنال إلا بالورع والاجتهاد ، من ائتم منكم بقوم فليعمل بعملهم ، انتم شيعة الله ، وانتم انصار الله ، وانتم السابقون الأولون ، والسابقون الآخرون ، والسابقون فى الدنيا الى محبتنا ، والسابقون فى الآخرة الى الجنة ، ضمنت لكم الجنة بضمان الله عز وجل وضمان النبى صلى الله عليه وآله وسلم ، وانتم الطيبون ، و نساؤكم الطيبات

الهى نوشته شده بود وما كسانى هستيم كه از راه ما خلايق مى توانند بخداى خود نزديك شوند ، بما هدايت ميشوند ، و كسيكه مارا دوست داشته باشد خداوند او را دوست دارد و در بهشت ساكنش مى گرداند و كسيكه مارا دشمن بدارد خداوند او را دشمن دارد و در آتش جايش دهد ، جز حلال زاده كسى مارا دوست ندارد .

[حديث ۸] محمد بن حمران از پدرش نقل كرد كه امام صادق عليه السلام مى فرمود روزى من و پدرم بمسجد ميرفتيم و بين قبر رسول خدا صلى الله عليه وآله و منبرش بگروهى از يارانش بر خورد كرديم بآنان نزديك شديم و پدرم سلامشان داد و فرمود بخدا سو گند بوى شما را دوست دارم (با پرهيز گارى و مجاهدت بانفس باين رشته محبت و اتصال كمك كنيد و بدانيد كه ولايت و دوستى ما جز باورع و پرهيز گارى و كوشش در راه حق بدست نمى آيد از شما كسيكه بقومى اقتدا كند بايد مانند آنها عمل و رفتار نمايد ، شما شيعة و حزب و ياوران خدا هستيد) پيشى گيرندگان اول و آخريد ، پيش گيرنده ايد در دنيا براى محبت ما و سبقت گيرنده ايد در آخرت براى وارد شدن به بهشت ، بهشت را بضمان خدا و رسولش براى شما ضمانت ميكنم شما پا كيدوزنان شما

كل مومنة حوراء و كل مؤمن صديق بكم من مرة قال أمير المؤمنين عليه السلام لقنبر
أبشروا وبشروا فوالله لقد مات رسول الله ﷺ وهو ساخط على امته إلا الشيعة ،
ألا وان لكل شيء شرفا وشرف الدين الشيعة ، ألا وان لكل شيء سيداً وسيداً مجالس
مجالس الشيعة ، ألا وان لكل شيء اماماً وامام الأرض تسكنها الشيعة ، ألا
وان لكل شيء شهوة وان شهوة الدنيا سكنى شيعتنا فيها ، والله لولا ما فى الأرض
منكم ما استكمل اهل خلافكم طبيبات و ما لهم فى الآخرة من نصيب ، كل ناصب
وان تعبد واجتهد منسوب الى هذه الآية (عاملة ناصبة تصلى ناراً حامية) من دعا
لكم مخالفاً فاجابة دعائه لكم ، ومن طلب منكم الى الله تبارك و تعالى اسمه حاجة
فله مائة ، ومن دعا دعوة فله مائة ، ومن عمل حسنة فلا يحصى تضاعفاً ، و من أساء

از پاكانند ، هر زن مؤمنه ای حوری است و هر مرد مؤمن دوست شما است ،
امیر المؤمنین عليه السلام بقنبر فرمود بشارت باد شما را و خوشحال شوید بخدا قسم
رسول خدا ﷺ در گذشت در حالیکه بر امتش خشمناک بود مگر گروه شیعیان ،
بدانید برای هر چیز شرفی است و شرف دین شیعه است ، برای هر چیزی سروری
است و سرور مجالس جایگاه شیعیان است ، برای هر چیزی پیشوائی است و پیشوای
زمین ها زمینی است که شیعه در آن مأوی گزیند ، بدانید برای هر چیزی دوست
داشتنی ای هست و خواستنی دنیا مسکنی است که شیعه مادر آن جای دارد ، بخدا قسم
اگر کسی از شما در زمین نبود مخالفین شما بدار از خوبی و پاکیزگی بهره ای نمی بردند
و در آخرت نصیبی نداشتند هر ناصبی دشمن ما و شما اگر چه در عبادت کوشا باشد
مشمول این آیه شریفه است (عاملة ناصبة تصلى ناراً حامیه^۱) کسی از مخالفان
که برای شما دعا کند دعای او در باره شما مستجاب خواهد شد و کسی از شما که
طلب حاجتی کند صد برابر برای او بر آورده خواهد شد ، و از شما کسی که کار نیکی
کند زیادی جزای آنرا نمیتوان بشمارش در آورد و شخصی از شما اگر کار بدی

(۱) کارکننده ناصبی آتش گرم چشد - سوره غاشیه آیه ۳۰ .

سَيِّئَةً فَمُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ حُجَّتُهُ عَلَى تَبِعَتِهَا ، وَ اللَّهُ إِنْ صَائِمُكُمْ لِيَرْفَعَ فِي رِيَاضِ الْجَنَّةِ تَدْعُو لَهُ الْمَلَائِكَةُ بِالْفَوْزِ حَتَّى يَفْطُرَ ، وَإِنْ حَاجَكُمْ وَمُعْتَمِرُكُمْ لَخَاصَّةُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ، وَإِنْكُمْ جَمِيعاً لِأَهْلِ دَعْوَةِ اللَّهِ وَاهْلٍ وَلايَتِهِ لَخَوْفٍ عَلَيْكُمْ وَلا حُزْنٍ ، كَلِمَتُكُمْ فِي الْجَنَّةِ فَتَنَافَسُوا الصَّالِحَاتِ ، وَاللَّهُ مَا أَحَدٌ أَقْرَبَ مِنْ عَرْشِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بَعْدَنَا مِنْ شِيعَتِنَا ، مَا أَحْسَنَ صَنِيعَ اللَّهِ إِلَيْهِمْ ، لَوْ لَا أَنْ تَفْشَلُوا وَيَشْمَتَ بِهِ عَدُوُّكُمْ وَيَعْظُمُ النَّاسُ ذَلِكَ لَسَلِمَتْ عَلَيْكُمْ الْمَلَائِكَةُ قَبِيلًا ، قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ يَخْرُجُ أَهْلٌ وَلا يَتَنَامُ قُبُورَهُمْ يَخَافُ النَّاسُ وَ(هَمْ) لَا يَخَافُونَ وَيَحْزَنُ النَّاسُ وَ(هَمْ) لَا يَحْزَنُونَ .

وَقَدْ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ رَحِمَهُ اللَّهُ بِهَذَا الْحَدِيثِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِثْلَهُ إِلَّا أَنَّ حَدِيثَهُ لَمْ يَكُنْ بِهَذَا الطَّوْلِ (و) فِي هَذِهِ زِيَادَةٌ لَيْسَتْ فِي ذَلِكَ وَالْمَعْنَى مُتَقَارِبَةٌ .

[الْحَدِيثُ الثَّامِعُ] عَنْ أَبِي ذَرٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَدْ ضُرِبَ

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ تَبَعَاتُ وَآثَارُ وَجُودِي أَنْ كُنْهَافَ رَاجِلُ كُورِ اسْتِ ، بِخَدَاسِ كُورِ كُورِ رُوزِ دَارِ شَمَا دَرِ بَاغِهَايِ بَهْشْتِ مِي خَرَامِدِ وَ بَالَا مِيرُودِ وَ فَرَشْتِكَا نِ اَوْرَا بَرَسْتِكَا رِي مَرْدِه مِي دِهَنْدِ تَا اِفْطَارِ كَنْدِ حُجْ كَنْنَنْدِه وَ عَمْرِه كُزَارَنْدِه شَمَا اَزْ خَاصْكَانِ حَقَّ اسْتِ وَ يَقِيناً هَمْ كِي شَمَا اَزْ اَهْلِ دَعْوَةِ خُدا وَ وِلَايَتِ وَ مَحَبَّتِ اَوْهَسْتِيدِ وَ خَوْفِ وَ اَنْدَوَهِي بَرِ شَمَا نَمِي بَاشَدِ ، تَمَامِ شَمَا دَرِ بَهْشْتِيدِ بَكَا رَهايِ شَايِسْتِه وَ نِيكَ رَغْبَتِ كَنْنِيدِ وَ بَكُرِيدِ ، بِخَدَا سُو كُورِ پَسِ اَزْ مَا كُورِ كُورِ اَزْ شَمَا پَرُورِدِ كَارِ جَهَانِيَانِ نَزْدِي كُورِ نِيَسْتِ ، چَقْدَرِ خُدا وَ نَدِ بَشَمَا نِي كِي كُورِ اَكْرِ نَبُودِ كِه دَر كَارِ سَسْتِ نَمِي شَدِيدِ وَ دَرْ شَمَانْتَا نِ شَمَا رَا سَرَزَنْشِ نَمِي كُورِ دَنْدِ وَ مَرْدَمِ اَيْنِ اَمْرِ رَا بَزَرْكِ نَمِي كُورِ دَنْدِ فَرَشْتِكَا نِ بَرِ شَمَا دَسْتِه دَسْتِه عَلَناً دُرُودِ مِي فَرَسْتَا دَنْدِ . اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرَمُودِ دُوسْتَا دَارَانِ مَا اَزْ كُورِهايِ خُودِ بَرِ مِي خِيزَنْدِ دَرِ حَالِي كِه هَمْ مَرْدَمِ تَرِ سَا نِ وَ مَحْزُورِ نَدِ وَ آ نَا نِ تَرِ سِي وَ اَنْدَوَهِي نَا دَارَنْدِ .

[حَدِيثُ ٩] أَبِي ذَرٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ كَوَيْدِ دِيدِمِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ بَرِ كُتْفِ عَلِيِّ بْنِ

کتف علی بن ابی طالب علیه السلام بیده و قال یا علی من أحبنا فهو العربی ومن ابغضنا فهو العلعج ، فشيعتنا أهل البيوتات والمعادن والشرف ومن كان مولده صحيحاً ، وماعلى ملة ابراهيم عليه السلام الا نحن وشيعتنا وسائر الناس منها براء ، ان الله وملائكته يهدمون سيئات شيعتنا كما يهدم القدوم البنيان .

[الحديث العاشر] حدثنا عبدالله بن محمد بن عبدالوهاب ، قال حدثنا حماد بن يزيد عن ايوب عن عطاء عن ابن عباس ، قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله حب علي بن ابی طالب یا كل (الذنوب - خل) السيئات كما تأكل النار الحطب .

[الحديث الحادی عشر] و بهذا الاسناد عن مستفاد بن محبی ، قال حدثنا زكريا بن يحيى بن ابان القسباط ، قال حدثنا محمد بن زياد عن عقبة عن عامر الجهنی قال دخل رسول الله صلى الله عليه وآله المسجد ونحن جلوس وفيما ابوبكر وعمر وعثمان وعلى عليهم السلام فى ناحية فجاء النبی صلى الله عليه وآله فجلس الى جانب على عليه السلام فجعل ينظر يميننا وشمالا ثم (قال) ان عن يمين العرش وعن يسار العرش لرجال على منابر من نور

ابیطالب عليه السلام زد و فرمود یا علی کسی که ما را دوست داشته باشد از عرب است (یعنی ازماست) و کسی که ما را دشمن داشته باشد بی دین است ، شیعیان ما اصیل زاده و از خاندان شرف اند و کسی بر ملت ابراهيم عليه السلام نیست مگر ما و پیروان ما و سایر مردم از این راه بدورند خداوند و فرشتگان بدیهای پیروان ما را از بین می برند همانطور که تیشه بنا را خراب می کند .

[حدیث ۱۰] ابن عباس گفت رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود دوستی علی بن ابیطالب علیه السلام گناهان شیعیان را می خورد همانطور که آتش هیزم را از بین می برد .

[حدیث ۱۱] عامر جهنی گوید رسول خدا صلى الله عليه وآله داخل مسجد شد و مانند نشسته بودیم ابابکر و عمر و عثمان و علی عليهم السلام در بین ما بودند رسول خدا صلى الله عليه وآله آمدند و نزد علی عليه السلام نشستند و برآست و چپ نگاه کردند سپس فرمودند در راست و چپ عرش مردانی بر منابر نور هستند که از چهره آنان نور می درخشد ،

تتلاً و جوههم نوراً ، قال فقام ابوبكر وقال بأبي أنت وامى يا رسول الله انا منهم قال اجلس ، ثم قام اليه عمر فقال مثل ذلك فقال له اجلس ، فلما رأى ابن مسعود ما قال لهما النبي ﷺ قام حتى استوى قائماً على قدميه ثم قال بأبي أنت وامى يا رسول الله صفهم لما نعرفهم بصفتهم ، قال فضرب على منكب على ﷺ ثم قال هذا و شيعته هم الفائزون .

[الحديث الثاني عشر] حدثنا محمد بن موسى بن المتوكل رحمه الله عن هشام بن سالم عن حبيب السجستاني عن ابي جعفر ﷺ قال قال رسول الله ﷺ قال الله عز وجل لأعد بن كل رعية فى الاسلام دانت بولاية امام جائر ظالم ليس من الله وان كانت الرعية فى أعمالها بارة تقية ولا أعفون عن كل رعية فى الاسلام دانت بولاية امام عادل من الله وان كانت الرعية فى أعمالها ظالمة سيئة .

[الحديث الثالث عشر] حدثنا محمد بن الحسن بن احمد بن الوليد رحمه الله قال حدثنا المفضل عن ابي حمزة قال سمعت ابا عبد الله ﷺ يقول : انتم اهل تحية الله ابا بكر برخاست وگفت پدر و مادرم فدای تو باد یا رسول الله من از آنانم فرمود بنشین ، سپس عمر برخاست مثل گفته ابا بکر را عرض کرد رسول خدا فرمود بنشین چون ابن مسعود آنچه را رسول خدا با آنان گفته بود دید و شنید برپای خاست و عرض کرد پدر و مادرم فدای تو باد برای ما آنان را توصیف کن تا بصف و نشانی آنها را بشناسیم رسول خدا ﷺ دست خود را بردوش امیر المؤمنین ﷺ زد و فرمود این است و پیروان او که از دستگارانند .

[حدیث ۱۲] امام باقر ﷺ فرمود رسوا خدا ﷺ می فرمود خدا فرموده است هر رعیتی را که به پیشوای ظالم منصوب از طرف غیر خدا نزدیک شود و او را دوست داشته باشد اگر چه بسیار باتقوا و نیکوکار باشد عذاب میکنم ، و هر رعیت مسلمانی را که بدوستی امام عادل منصوب از نزد خدا متصف باشد اگر چه در اعمالش ظالم و بد کردار باشد می بخشد .

[حدیث ۱۳] ابي حمزه گوید شنیدم امام صادق ﷺ می فرمود : شما اهل تحیت

و سلامه ، و انتم اهل اثره الله بر حمته . و اهل توفیق الله و عصمته ، و اهل دعوه الله و طاعته ، لاحساب علیکم و لا خوف و لا حزن .

[الحديث الرابع عشر] قال ابو حمزة وسمعت ابا عبد الله جعفر بن محمد عليه السلام يقول رفع القلم عن الشيعة بعصمة الله و ولايته .

[الحديث الخامس عشر] قال ابو حمزة وسمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول : اني لا أعلم قوماً قد غفر الله لهم ورضى عنهم و عصمهم ورحمهم و حفظهم من كل سوء و أيدهم و هداهم الى كل رشد و بلغ بهم غاية الامكان ، قيل : من هم يا ابا عبد الله ، قال : اولئك شيعتنا الا برار شيعة على .

[الحديث السادس عشر] وقال ابو عبد الله عليه السلام نحن الشهداء على شيعتنا و شيعتنا

خدا و رحمت او هستيد و از اكرام شدگان حقيده و اهل توفيق و در عصمت پروردگاريد و اهل دعوت خدا و بندگي او مي باشيد حساب و ترس و اندوهي بر شما نيست .

[حديث ١٤] ابو حمزه گويد شنيدم امام صادق عليه السلام مي فرمود قلم از نوشتن سيئات شيعة ما برداشته شده چون آنان را خداوند ننگداري مي کند و در قلعه ولايت و حصن حصين اويند .

[حديث ١٥] ابو حمزه گويد شنيدم از حضرت جعفر بن محمد الصادق عليه السلام كه مي فرمود من مي شناسم گروهی را كه خدا گناهانشانرا آمرزيده و از آنان راضي است و آنها را حفظ مي كند و ترحم مي فرمايد و از هر بدی مصون مي دارد و تائيدشان مي كند و براه راست هدايتشان مي فرمايد و بآنها بحد امكان رسيدگي مي كند عرض شد يا ابا عبد الله كيانهند فرمود : اينها شيعة نيكوكار و پيروان علي عليه السلام هستند .

[حديث ١٦] امام صادق عليه السلام فرمود ما گواه بر شيعة خود هستيم و شيعة ما

شهداء علی الناس ، وبشهادة شیعتنا یجزون ویعاقبون .

[الحديث السابع عشر] ابی رحمہ اللہ قال حدثنی سعد بن عبد اللہ عن ابی بصیر عن ابی عبد اللہ علیه السلام قال قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم یا علی ان الله وهبک حب المساکین والمستضعفین فی الارض فرضیت بهم اخوانا ورضوا بک اماماً ، فطوبی لمن أحبک وصدق علیک وویل لمن ابغضک وکذب علیک یا علی انت العالم بهذه الامة من أحبک فاز ومن ابغضک هلك ، یا علی انا المدينة وانت بابها وهل تؤتی المدينة الا من بابها ، یا علی أهل مودتک کل أبواب حفیظ ، وکل ذی طمر لو اقسم علی الله لبر قسمه یا علی اخوانک کل طاهر و زکی (طاووداک) مجتهد یحب فیک ویبغض فیک محتقر عند الخلق عظیم المنزلة عند الله ، یا علی محبوبک حیران الله فی دار الفردوس لا یتأسفون علی ما خلفوا من الدنیا ، یا علی انا ولی لمن والیت وانا عدو لمن عادیت ، یا علی

گواه بر سایر مردمند و بگواهی شیعیان مردم به جزا و عقاب میرسند .

[حدیث ۱۷] امام صادق علیه السلام فرمود که رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم فرمود یا علی خداوند تبارک و تعالی دوستی بیچارگان و ضعفا را بتو بخشید برادرى آنها راضی شدم و آنان نیز باینکه تو پیشوای آنها باشی راضی گشتند ، خوشا بحال کسی که ترا دوست داشته باشد و تصدیق نماید و وای بر کسی که ترا دشمن داشته باشد و تکذیب نماید یا علی تو عالم امتی کسیکه ترا دوست داشته باشد رستگار است و کسیکه ترا دشمن داشت هلاک گردید ، یا علی من شهرم و تو در ب آنی و آيا شهر را جز از در بش وارد می شوند (یا علی محبین تو بسیار تسبیح پروردگار کنند و بر آن مواظبت می نمایند و هر صاحب جامه کهنه ایست که اگر خدا را سو گند دهد قبول می شود یا علی برادران تو پاکان از گناهند (گرسنه کوشا) دوستیشان برای تو است و دشمنی آنها هم در راه تو و با دشمنان تو است) نزد مردم کوچ کند و نزد خدا جلیل القدرند یا علی دوستان تو در بهشت همسایگان رب العالمینند ، از آنچه در دنیا پس پشت گذاشته اند متأسف نمی شوند ، یا علی من دوست کسی هستم که با تو دوست است و دشمن کسی هستم که ترا دشمن دارد ، یا علی کسیکه ترا دوست داشته باشد مرادوست داشته

من أحبك فقد احبني ومن ابغضك فقد ابغضني يا علي اخوانك الذبل الشفاء تعرف
 الرهبانية في وجوههم ، يا علي اخوانك يفرحون في ثلاثة مواطن عند خروج انفسهم
 وانا اشاهدهم و انت ، وعند المسائلة في قبورهم ، وعند العرض ، وعند الصراط
 إذا سئل سائر الخلق عن ايمانهم فلم يجيبوا ، يا علي حربك حربي و سلمك سلمی
 وحربي حرب الله ، من سالمك فقد سالم الله عز وجل ، يا علي بشر اخوانك بان الله
 قدرضى عنهم اذ رضيك لهم قائداً و رضوا بك ولياً ، يا علي انت امير المؤمنين وقائد
 الغر المحجلين ، يا علي شيعتك المبهجون ولولا انك وشيعتك ما قام الله دين ، ولولا
 من في الارض ، لما انزلت السماء قطرها ، يا علي لك كنز في الجنة وانت ذوق ربها ،
 شيعتك تعرف بحزب الله ، يا علي انت وشيعتك القائمون بالقسط ، وخيرة الله من خلقه ،

و کسی که ترا دشمن داشته باشد مرا دشمن داشته ، یا علی برادران تو کسانی
 هستند که از زیادی ریاضت و روزه داری لبهایشان چروک خورده و ترک دنیا در چهره
 آنان خوانده می شود ، یا علی برادران تو در سه موضع شادمانند ، هنگام جان دادن
 در حالیکه من و تو ناظر آنانیم ، موقع سؤال و جواب گور و عرض اعمال و وقت
 گذشتن از پل صراط همان زمانیکه مردم را از ایمانشان پرسش می کنند و پاسخی
 نمی دهند ، یا علی جنگ یا تو جنگ با من و آشتی یا تو آشتی با من است و جنگ با من
 جنگ با خدا است کسیکه با تو در صلح است با خدا صلح کرده ، یا علی برادران تو
 بشارت ده که پروردگار جهانیان از آنان خوشنود است چون به پیشوائی و دودستی تو
 رضایت داده اند ، یا علی تو امیر مؤمنان و پیشوای دست و پیمانی سفیدانی (کنایه
 آنکه محل سجده و جاهای وضو گرفتن آنها نورانی و تمیز است) ، یا علی شیعه تو
 مسرور و برخوبیند و اگر تو و شیعیانت نبودید دین خدا بر پا نمی شد و از آسمان
 قطره ای بر زمین فرو نمی ریخت ، یا علی در بهشت برین برای تو گنجی است و تو
 ذوالقرنین این امتی (گفته اند مقصود از ذوالقرنین آنکه صاحب حسن و حسین بود
 یا آنکه سلطنت ظاهر و باطن یافت و یا اینکه چون تارک همایونش بدو نیم شد)
 پیروان تو حزب الله و داد گستر و داد پرورند خداوند از سایر مخلوقاتش شمارابر گزیده

یا علی انا اول من ینفض التراب من رأسه وانت معی ثم سائر الخلق ، یا علی
 انت وشیعته علی الحوض تسقون من احببتهم وتمنعون من کرهتہم ، وانتم الامنون
 يوم الفرع الاکبر فی ظل العرش ، یفرع الناس ولا تفرعون ، و یحزن الناس
 ولا تحزنون فیکم نزلت هذه الآیة (ان الذین سبقت لهم منا الحسنی اولئک عنہا
 مبعدون ، لا یمنعون حسیہا وہم فیما اشتهت انفسہم خالدون ، لا یحزنہم
 الفرع الاکبر و تملقاہم الملائکة هذا یومکم الذی کنتم توعدون) یا علی انت
 وشیعته تطلبون فی الموقف وانتم فی الجنان تنعمون ، یا علی ان الملائکة والخزان
 یشتاقون الیکم ، و ان حملة العرش والملائکة المقربون لیخصونکم بالدعاء
 ویسألون اللہ بمحببتکم ، ویفرحون لمن قدم علیہم منهم کما یفرحون الأهل بالغائب

یا علی من وتو اولین نقراتی ہستم کہ از خاک بر میخیزم و سپس سایر مردم از گورها
 خارج خواهند شد یا علی تو و پیروانت از حوض کوثر دوستان خود را سیراب میکنید
 و دشمنان خویش را منع می نمائید روز رستاخیز در سایہ عرش الہی در امانید
 و حال آنکہ تمام مردم در نالہ و خروشد و غمگینند و شما از اندوہ بر کنارید ،
 این آیہ درباره شما فرود آمدہ (ان الذین سبقت لهم منا الحسنی اولئک عنہا
 مبعدون ، لا یمنعون حسیہا وہم فیما اشتهت انفسہم خالدون ،
 لا یحزنہم الفرع الاکبر و تملقاہم الملائکة هذا یومکم الذی کنتم توعدون)
 یا علی تو و شیعیانت را در موقف سؤال جستجو میکنند و حال آنکہ شما
 در بہشت مینو سرشت بدادہ های پروردگار خویش سرخوش و بہرہ ورید ، یا علی
 فرشتگان و خازنان بہشت مشتاق شمایند و نگہدارندگان عرش و ملائکہ مقرب
 الہی بویژہ شما را بدعا یاد می کنند و از حضرت رب العزت محبت شما را مسئلت
 می نمایند و بسان خانوادہ ایکہ از آمدن غائبشان کہ از غیبت و سفر دراز برگشته

۱- کسانی کہ بتوفیق ما در نیکی ها پیشی گرفتند از آن «دوزخ» بدورند و صدای
 آن را نمیشنوند و از آنچه نفسہایشان بخواہد بہرہ ور جاودانینند ، فرع روز قیامت
 اندوہگیشان نسازد و فرشتگان برایشان در آیند بشادت دهند کہ این ہمان روزیست کہ
 شما وعدہ دادہ شدہ بود - سورہ انبیاء آیہ ۱۰۱-۱۰۳

القادم بعد طول الغيبة ، يا على شيعتك الذين يخافون الله في السر وينصحونه في العلانية ، يا على شيعتك الذين يتنافسون في الدرجات لانهم يلقون الله وما عليهم ذنب يا على ان اعمال شيعتك تعرض على كل يوم جمعة فافرح بصالح ما يبلغني من اعمالهم واستغفر لسيئاتهم ، يا على ذكرك في التوراة وذكر شيعتك قبل ان يخلقوا بكل خير وكذلك في الانجيل ليتعظمون ألياً وما يعرفون شيعته . وانما يعرفونهم لما يجدونهم في كتبهم . . . يا على ان اصحابك ذكرهم في السماء اعظم من ذكر اهل الارض لهم الخير فليفرحوا بذلك وليزدادوا اجتهادا ، يا على أرواح شيعتك تصعد الى السماء في رقادهم فتنظر الملائكة اليها كنظر الهلال شوقا اليهم . لما يرون منزلتهم عند الله عز وجل ، يا على قل لأصحابك العارفين بك يتنزهون عن الاعمال التي يقرها عدوهم ، فما من يوم ولا ليلة إلا ورحمة من الله تغشاهم فليجتنبوا الدنس ،

خوشحال میشوند فرشتگان نیز از ورود شیعیان مسرور میگردند (یا علی پیروان تودر پنهای از خدا می ترسند و در آشکارا بنده مطیع خدایند و مردم را بفرمانبری از حق نصیحت میکنند ، یا علی پیروان تو در درجات عالیه ایمان و تقوی سالك و راغب اند چون میدانند که خدا را در روز ستخیز بزرگ باید بدون گناه دیدار کنند) یا علی کارهای پیروان تو را در هر روز جمعه بمن نشان می دهند بر اعمال نیک آنان مسرور شده و از گناهان شان آمرزش پروردگار را خواهانم ، یا علی در توریة تو و پیروانت بنیکی یاد شده اید پیش از آنکه شیعیان آفریده شده باشند و در انجیل هم الیا را بزرگی می شمارند در حالیکه شیعیان را بقدریکه در کتابهای شان نوشته شده می شناسند ، یا علی یاران تو را در آسمان نیکوتر از زمین یاد می کنند و نام می برند ، خیر و خوبی با آنان هم دوش است و بخاطر آن هر دم کوشش خود را در بندگی پروردگار زیاتر می کنند ، یا علی ارواح پیروان تو در خواب بآسمان بالا می رود و فرشتگان مانند کسیکه رؤیت هلال می کند باشوق آنان را می نگرند برای مقام و منزلتی که نزد خدا دارند ، یا علی بیاران عارف خود بگو از اعمال خلوط بگناه که از دشمنان گرفته اند پرهیزند و روز و شبی نمی گذرد مگر اینکه رحمت نو از خداوند آنان را فراهم گیرد

یا علی اشد غضب الله علی من قلاهم وبری، منك ومنهم واستبدل بك وبهم ومال الی عدوك وتركك وشيعتك واختار الضلال ونصب الحرب لك ولشيعتك وابغضنا أهل البيت وابغض من والاك ونصرک واختارك و بذل مهجته و ماله فينا ، یا علی اقرأهم منی السلام من لم أر ولم يرني واعلمهم أنهم اخوانی الذين اشتاق اليهم فليلقوا علمی الی من يبلغ القرون من بعدی وليتمسكوا بحبل الله وليعتصموا به وليجتهدوا فی العمل فاننا لانخرجهم من هدی الی ضلالة وأخبرهم أن الله عنهم راض وانه يباهی بهم ملائكته وينظر اليهم فی كل جمعة برحمته ويأمر الملائكة ان يستغفروا لهم ، یا علی لاترغب عن نصره قوم يبلغهم و يسمعون انی احبك فحبوك بحبی اياك و دانوا الله عز وجل

تا میتوانید از گناهان دوری کنید ، یا علی خشم خدا بر کسانی که درباره فضائل پیروان کتاه آمدند و از تو و آنان جدا شدند شدید گشت و خداوند بر کسانی که بجای تو و شیعیان کسان دیگر را بدل گرفتند و بدشمن تو میل کردند و ترا و ایشان را ترک کردند و گمراهی را اختیار نمودند و جنگ با تو و شیعیان را کار خود قرار دادند و اهل بیت پیغمبر و کسانی را که دوست تو بوده و یاریت داده و خون و جان و مال خود را در راه ماریختند و ما را بر دیگران اختیار کردند دشمنی داشتند سخت خشمگین شد ، یا علی پیروان خود را که ندیده ام و آنان هم مرا دیدار نکرده اند از من سلام برسان و بشارت ده که برادران منند و بدیدار ایشان مشتاقم علم مرا بقرون پس از من میرسانند و بحبل الله متمسک می شوند و با این تمسک خود را از مهالك حفظ می کنند و در بندگی پروردگار کوشایند ، آنها را از هدایت بضالت نمی بریم و بایشان خبرده که پروردگارشان از آنان راضی است و بایشان بر فرشتگان خود افتخار می کند و در هر جمعه بر رحمت مخصوص خویش سرافرازشان می فرماید و فرشتگان را امر می کند برای ایشان آمرزش بخواهند ، یا علی از یاری کسانی که شنیده اند ترا دوست دارم و ترا بخاطر من دوست دارند و باین وسیله بخدا نزدیکی می جویند دست مکش همان کسانی که بهترین محبت های خالصانه را بتو پیش کش

بذلك واعطوك صفوا المودة من قلوبهم واختاروك على الآباء والاخوة والاولاد وسلکوا طريقك وقد حملوا على المکاره فينا فابوا الانصرنا وبذلوا المهج فينا مع الازى وسوء القلب ومعاشرته مع مضاضته ذلك فکن بهم رحیما واقنع بهم فان الله اختارهم بعلمه لنا من بين الخلق وخلقهم من طینتنا واستودعهم سرنا والزم قلوبهم معرفة حقنا وشرح صدورهم وجعلهم متمسکین بحبلنا لایؤثرون علینا من خالفنا مع ما یزول من الدنيا عنهم ومیل الشیطان (السلطان - خل) بالمکاره علیهم والیألف (کذا) ایدیهم الله وسلمک بهم طریق الهدی فاعتصموا به والناس فی غمرة الضلالة متحیرون فی الاهواء عموا عن الحجة وما جاء من عند الله فهم یمسون و یصبحون فی سخط الله ، وشیعنتک علی منهاج الحق والاستقامة لایستأنسون الی من خالفهم لیست الدنيا منهم ولیسوا

نموده و ترا بر پدران و برادران و فرزندان خود بر تری داده و راه ترا بر گزیده اند و ناهمواریها را در راه دوستی ما با همه ناراحتی و گفتارهای تلخ نیش دار و دردناکی که نثار آنان می کنند بر خود هموار کرده اند پس بایشان دلسوز باش و در دوستی با مردمان بآنها قناعت فرما ، خداوند تبارک و تعالی بادانائیش ایشانرا رای ما از سایر خلق برگزید و آنانرا از طینت ما آفرید و سر ربوبیت و عبودیت و ولایت و محبت را در دل ایشان جای داد و قلوب آنها را ملازم حق ما کرد و دلها ایشانرا گشود و شرح صدر بآنان عطا فرمود و از آویختگان بریسمان ولایت ما قرارشان داد مخالف ما را بر ما نمی گزینند و با اینکه دنیای آنها در معرض خطر قرار گیرد و سلطان بر رنج دادنشان میل کند خداوند دستهای آنان را در دست هم گذارد و بین ایشانرا الفت دهد راه هدایت را در پیش پای آنها گذارد تا خود را از گمراهی حفظ کنند در حالیکه سایر مردم در گمراهی و در خواهش نفسانی گنج مانده و راه چپ و راست خود را نمی شناسند و از دیدن حجت و نشانی پروردگار و آنچه از نزد او آمده محرومند و در زیر خشم پروردگار صبح را شام می کنند و شیعیان تو بر راه حق و صحیح اند بکسانی که در راه مخالف آنها هستند انس نمی گیرند از آنان نیست و آنان هم

منها اولئك مصابيح الدجى اولئك مصابيح الدجى .

[الحديث الثامن عشر] حدثنا محمد بن الحسن بن احمد بن الوليد رحمه الله قال حدثني محمد بن الحسن الصفار قال حدثني عباد بن سليمان عن محمد بن سليمان عن ابيه سليمان الديلمي قال كنت عند ابي عبد الله عليه السلام اذ دخل عليه ابو بصير وقد حضره النفس فلما ان اخذ مجلسه قال ابو عبد الله عليه السلام ما هذا النفس العالى قال جعلت فداك يا بن رسول الله كبر سنى ودق عظمى واقترب اجلى مع ما انى لا ادرى على ما ارد عليه فى آخرتى قال له ابو عبد الله عليه السلام يا ابا محمد وانك لنقول هذا (قال) قلت جعلت فداك فكيف لا أقول (قال) يا ابا محمد أما علمت ان الله تبارك وتعالى يكرم الشباب منكم ويستحي من الكهول (قال) الله يكرم الشباب منكم ان يعذبهم ، ومن الكهول ان يحاسبهم (قال) قلت جعلت فداك هذا لنا خاص ام لأهل التوحيد (قال) فقال لا والله إلا لكم خاصة دون العامة (وفى الخبر) 'ان الله تعالى يقول شيب المؤمنين نورى وانا استحي ان أحرق نورى بنارى ، وقد قيل الشيب حلية العقل وسمه الوقار (قال) قلت جعلت فداك فانا

از دنیا نیند ، آنها چراغهای رفع تاریکی هستند آنان روشنائی ظلمت ها هستند آنان نور در تیرگی هایند .

[حدیث ۱۸] سلیمان دیلمی گفت نزد امام صادق عليه السلام بودیم که ابو بصیر نفس زنان وارد شد چون نشست ابو عبد الله عليه السلام فرمود این چه حالى است ؟ عرض کرد یا بن رسول الله سن من فزونى گرفته و مغز استخوانم آب شده و اجلم نزدیک گشته در حالیکه نمى دانم در آخرت بر من چه خواهد گذشت حضرت فرمود یا ابا محمد تو هم چنین مى گوئى عرض کرد فدایت شوم چگونه نگویم فرمود یا ابا محمد آیا نمى دانی خداوند متعال جوانان شمارا اکرام کرده از اینکه عذاب کند و پیران شما را لطف کرده از اینکه بمعرض حساب کشد عرض کرد فدایت شوم آیا این موهبت ویژه ما است یا برای تمام اهل توحید است فرمودند نه این فقط برای شما است نه برای دیگران خداوند متعال مى فرماید پیری درمؤمن نور من است و من شرم دارم از اینکه نور مرا بنارم بسوزانم و گفته اند پیری زینت عقل و نشان وقار

قد رمينا بشيء انكسرت له ظهورنا وماتت له افئدتنا واستحلت بدالولة دماءنا، في حديث رواه لهم فقهاؤهم (قال) وقال ابو عبد الله عليه السلام الرافضة (قال) قلت نعم (قال) لا والله ما هم سموكم به بل ان الله سماكم به أما علمت (يا ابا محمد) ان سبعين رجلا من بني اسرائيل رفضوا فرعون اذا استبان لهم ضلالتهم ولحقوا بموسى إذا استبان لهم هداه فسموا في عسكر موسى الرافضة لأنهم رفضوا فرعون وكانوا أشد ذلك العسكر عبادة وأشدّهم حباً لموسى وهارون وذرّيتهم، فأوحى الله الى موسى أن أثبت لهم هذا الاسم في التوراة فاني سميتهم به ونحلتهم اياه فاثبت موسى الاسم لهم ثم ادخر الله هذا الاسم حتى نحلكموه (يا ابا محمد) رفضوا الخير ورفضتم الشر بالخير تفرق الناس كل فرقة فاستشعبوا كل شعبة فانشعبتم مع اهل بيت نبيكم محمد وآل محمد وسلم فذهبتهم حيث ذهب الله، واخترتم

است عرض کرد فدایت شوم مامور در حمله ای قرار گرفته ایم که پشتمان را شکسته و دلها یمان را میرانیده و قاضیان خون ما را حلال دانسته اند بخاطر حدیثی که فقهاء آنان برایشان روایت کرده اند حضرت صادق علیه السلام فرمودند (لقب) الرافضة عرض کرد بلی، فرمود بخدا سوگند آنها شمارا باین نام ننامیدند بلکه پروردگار عالمیان شمارا باین نام نامید آیا نمی دانی که هفتاد مرد از بنی اسرائیل هنگامیکه گمراهی فرعون برایشان آشکار شد اورا ترك کردند و بحضرت موسی علیه السلام پیوستند موقعیکه هدایت او بر آنان هویدا گشت در لشکر موسی علیه السلام برافضه مشهور شدند چون فرعون را ترك کردند و این گروه در بندگی خدا و محبت بموسى عليه السلام و هارون و فرزندان ایشان پا فشارترین مردم بودند، خداوند بموسى عليه السلام وحی فرستاد این اسم را در تورات برای آنها ثبت کن که من آنها را باین نام نامیدم و این لقب را بآنان بخشش فرمودم پس موسی علیه السلام این اسم را برای ایشان ثبت کرد. سپس خداوند بزرگ این اسم را ذخیره کرد تا بشما عطا فرماید یا ابا محمد آنها ترك خیر کردند و شما بخاطر خیر ترك شر نمودید. مردم متفرق و دسته دسته گشتند و شما باهل بیت پیغمبرتان و آل محمد پیوستید و براهی که بخدا میرسد رفتید و آنچه را که خدا اختیار

من اختار الله وارثهم من اراد الله ، فابشروا ثم ابشروا فانتم والله المرحومون المتقبل من محسنكم المجاوز عن مسيئكم من لم يأت الله بما انتم عليه لم يتقبل منه حسنة ولم يتجاوز عنه سيئة يا ابا محمد ان الله ملائكة تسقط الذنوب من ظهور شيعتنا كما تسقط الريح الودق عن الشجر في أو ان سقوطه ، و ذلك قول الله عز وجل : **(والملائكة يسبحون بحمد ربهم ويستغفرون للذين آمنوا ١١)** فاستغفارهم والله لكم دون هذا الخلق (يا ابا محمد) فهل سررتك قال قلت جعلت فداك زدني ، قال (يا ابا محمد) ما استثنى الله احداً من أوصياء الانبياء ولا اتباعهم ما خلا امير المؤمنين وشيعته فقال في كتابه وقوله الحق **(يوم لا يغنى مولى عن مولى شيئاً وهم لا ينصرون ، الا من أتى الله بقلب سليم ٢)**

واراده نموده اراده واختيار نمودید پس بشارت باد شمارا که مورد رحمت و عنایت پرورد گارید اعمال نیکوکار شما مورد پذیرش و گناهکار شما مورد آمرزش الهی قرار می گیرد اگر کسی از راهی که شما سوی خدا میروید (طریق اهل بیت علیهم السلام و قبول ولایتشان) نرود اعمال نیکویش قبول نشده و گناهانش آمرزیده نمی شود یا ابا محمد یزدان فرشتگانی دارد که گناهان شیعیان را میریزند همانطور که باد برگ درختان را خزان می کند و این مصداق فرمایش خداوند در قرآن مجید است آنجا که می فرماید **(والملائكة يسبحون بحمد ربهم و يستغفرون للذين آمنوا ١)** و استغفار آنان فقط شمارا فرا می گیرد نه این مردمان را یا ابا محمد آیا خوشحال شدی عرض کرد فدایت شوم زیادتر بفرما فرمود یا ابا محمد خداوند عالمیان احدی از جانشینان پیغمبران را استثنا نکرده مگر امیر المؤمنین علی و شیعیان او را و در کتاب خود فرموده **(يوم لا يغنى مولى عن مولى شيئاً وهم لا ينصرون ، الا من أتى الله بقلب سليم ٢)**

(١) و فرشتگان سپاس و تسبیح پروردگارشان را می کنند و برای کسانی که ایمان آورده اند آمرزش میخواهند - سوره مؤمن آیه ٧٠ .

(٢) روزی که هیچ دوستی دوستش را از چیزی بی نیاز نمی کند و کمک و یاری نمی شوند مگر آنکه بادی درست بر پروردگار جهانیان وارد شود - سوره شعر آیه ٨٩ .

یعنی بذلك علیاً وشیعته (یا اباجد) فهل سررتك قال قلت جعلت فداك زدنی قال لقد ذكر كم الله اذيقول (یا عبادى الذين اسرفوا على انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله ان الله يغفر الذنوب جميعا انه هو الغفور الرحيم^١) والله ما اراد بهذا غير كم (یا اباجد) فهل سررتك قال قلت جعلت فداك زدنی (قال) لقد ذكر كم الله فى كتابه فقال (ان عبادى ليس لك عليهم سلطان^٢) والله ما اراد بهذا إلا الأئمة وشیعتهم (یا اباجد) فهل سررتك قال قلت جعلت فداك زدنی (قال) ذكر كم الله فى كتابه فقال (اولئك الذين انعم الله عليهم من النبیین والصديقین والشهداء والصالحین وحسن اولئك رفيقا^٣) ورسول الله ﷺ فى هذه الآية من النبیین ونحن فى هذا الموضع الصديقون والشهداء

مقصود آیه شریفه علی^{علیه السلام} وپیروانش هستند یا اباجد آیامسرورشدی عرض کرد فدای تو شوم زیاد تر بفرما فرمود خداوند شما را در این آیه شریفه یاد کرده (یا عبادى الذين اسرفوا على انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله ان الله يغفر الذنوب جميعا انه هو الغفور الرحيم^١) بخدا سوگند جز شما کسی دیگر را اراده نفرموده است یا اباجد خوشحال شدی عرض کرد فدایت شوم زیادتر بفرما فرمود خداوند در کتابش شما را باینطور یاد نموده (ان عبادى ليس لك عليهم سلطان^٢) بخدا سوگند غیر از ائمه^{علیهم السلام} وپیروانشان کسی دیگر منظور نیست یا اباجد آیا خوشحال شدی عرض کرد فدایت شوم زیادتر بفرما فرمود پروردگار بزرگ در کتاب خود شما را یاد نموده و فرموده (اولئك الذين انعم الله عليهم من النبیین والصديقین والشهداء والصالحین وحسن اولئك رفيقا^٣) ورسول خدا ﷺ در این آیه از انبیا است و ما از صديقون و شهداء هستیم و شما صالحونید و شما بصلاح و نیکی یادمی شوید

-
- (١) ای بندگانی که بر نفس های خود ظلم کرده اید از رحمت خدا ناامی نشوید خداوند گناهان همه را می آمرزد او خدای آمرزنده بخشایش گراست - سوره زمر آیه ٥٣ .
 - (٢) بر بندگان من تسلطی نداری - سوره بنی اسرائیل آیه ٦٥ .
 - (٣) آنها با پیغمبران و راستگویان و شهدا و نیکوکاران که مورد مرحمت الهی قرار دارند هم نشینند و آنان دوستان خوبی برایشان هستند - سوره نساء آیه ٦٩ .

وانتم الصالحون فتمسوا بالصلاح كما سماكم الله (یا ابانجهد) فهل سررتك (قال) قلت جعلت فداك زدني (قال) لقد ذكركم الله اذ حكي عن عدوكم وهو في النار اذ يقول (مالنا لانرى رجالا كنا نعدهم من الاشرار اتخذناهم سخرياً أم زاغت عنهم الابصار) (۱) ما عني ولا اراد بهذا غيركم اذ صرتم في هذا العالم شرار الناس فانتم والله في الجنة تحبرون وانتم في النار تطلبون (یا ابانجهد) فهل سررتك قال قلت جعلت فداك زدني (قال) ما من آية نزلت تقود الى الجنة وتذكر اهلها بخير إلا هي فينا وفي شيعتنا، وما من آية نزلت تذكر اهلها بسوء وتسوق الى النار إلا هي في عدونا ومن خالفنا (قال) قلت جعلت فداك زدني فقال (یا ابانجهد) ليس على ملة ابراهيم صلى الله عليه الا نحن وشيعتنا وسائر الناس من ذلك براء (یا ابانجهد) فهل سررتك .

همانطور که خداوند تبارک و تعالی شما را نا امید است یا ابانجهد آیا مسرور شدی عرض کرد فدایت شوم زیادتر بفرما فرمودند خداوند شما را ذکر کرده است هنگامیکه از دشمن شما حکایت می کند که در آتش است (مالنا لانرى رجالا كنا نعدهم من الاشرار اتخذناهم سخرياً أم زاغت عنهم الابصار) در این آیه غیر از شما اراده نشده چون در این دنیا در نظر مردم بدترین مردمان بودید در حالیکه در بهشت متنعم بنعمت های الهی هستید شما را در دوزخ جستجو می کنند یا ابانجهد آیا مسرور شدی عرض کرد فدای تو شوم زیادتر بفرما فرمود یا ابانجهد آیه ای درباره بهشت و اهل آن فرود نیامده مگر آنکه درباره ما و پیروان ما است و آیه ای درباره دوزخ نازل نگشته که اهل آنرا بعاقبت بد و آتش دوزخ مژده دهد مگر اینکه درباره دشمن ما و کسی که مخالف ما است وارد شده عرض کرد فدایت شوم زیادتر بفرما سپس فرمود یا ابانجهد بر ملت و مذهب حنیف ابراهیم خلیل علیه السلام جز ما و شیعیان ما کسی نیست و سایر مردم از این راه بدورند یا ابانجهد آیا خوشحال شدی .

(۱) چه شده مردانی را که از اشرارشان می شمردیم و آنها را بمسخره می گرفتیم نمی بینیم (در دوزخ نیستند) یا چشمان ما بر آنها نمی افتد - سوره ص آیه ۶۳.

[الحديث التاسع عشر] ابي رحمه الله قال حدثني سعد بن عبدالله قال حدثني عباد بن سليمان عن ابان بن تغلب عن ابي عبدالله عليه السلام قال قلت جعلت فداك (فلاقتحم العقبة^١) قال فقال من اكرم الله بولايتنا فقد جاز العقبة ونحن تلك العقبة من اقتحمها نجا قال فسكت (ثم قال) هلا أفيدك حرفا فيها خيرا من الدنيا وما فيها قال قلت بلى جعلت فداك (قال) قوله تعالى (فك رقبة^٢) الناس كلهم عبيد النار غيرك واصحابك فان الله عز وجل فك رقابتكم من النار بولايتنا اهل البيت .

[الحديث العشرون] وبهذا الاسناد عن سليمان الديلمي عن ابي بصير عن ابي عبدالله عليه السلام قال قال امير المؤمنين عليه السلام انا الراعي الراعي الا نام أفترى الراعي لا يعرف غنمه (قال) فقام اليه جويرية قال يا امير المؤمنين فمن غنمك (قال) صفر الوجوه ذبل الشفاه من ذكر الله .

[حديث ١٩] ابان بن تغلب گوید بامام صادق عليه السلام عرض شد فدایت شوم معنی آیه (فلاقتحم العقبة^١) چیست فرمود کسی که خداوند ولایت مارا باو کرامت فرماید از عقبه می گذرد وما آن عقبه هستیم که کسیکه از آن گذشت نجات یافت پس مکشی کرد و سپس فرمود آیا سخنی بتو بگویم که خبری در آن باشد که از دنیا و هر چه در آنست بهتر باشد عرض کرد آری فدای تو شوم فرمود قول خداوند تعالی (فك رقبة^٢) مردم تماماً بنده و اسیر آتش اند غیر از تو و یارانت که خداوند متعال گردنهای شمارا از زنجیرهای آتشین دوزخ بخاطر دوستی ما اهل بیت عصمت نجات داده است .

[حديث ٢٠] ابي بصير گوید ابو عبدالله عليه السلام فرمود که حضرت امير المؤمنين می فرمود من چوپانم و چوپان مردم آیا چوپانی را که گله خود را نشناسد دیده اید سپس بر پا خواست جویره عرض کرد یا امير المؤمنين گله تو کیانند فرمود کسانی که از زیادی یاد خدا بودن چهرهائی زرد و لبانی خشکیده دارند .

(١) تحمل مشقت نموده و بعقبه تکلیف تن درداد - سوره باد آیه ١١

(٢) آزاد کردن بندگان - سوره بلد آیه ١٣

[الحديث الحادى والعشرون] وبهذا الاسناد عن سليمان بن عنتمة بن اسلمة عن معاوية الدهنى قال قلت لابي عبدالله عليه السلام جعلت فداك هذا الحديث الذى سمعته منك ما تفسيره قال وما هو قلت ان المؤمن ينظر بنور الله فقال يا معاوية ان الله خلق المؤمنين من نوره وصنعهم من رحمته واتخذ ميثاقهم لنا فى الولاية على معرفته يوم عرفهم نفسه فالمؤمن أخو المؤمن لآبيه وامه ، ابوه النور و امه الرحمة انما ينظر بذلك النور الذى خلق منه .

[الحديث الثانى والعشرون] وبهذا الاسناد عن سليمان عن داود بن كثير الرقى قال دخلت على ابي عبدالله عليه السلام فقلت له جعلت فداك قوله تعالى (وانى لغفار لمن تاب وآمن وعمل صالحا ثم اهتدى^١) فما هذا الهدى بعد التوبة والايمان والعمل الصالح (قال) فقال معرفة الأئمة والله إمام (كذا) يا سليمان.

[حديث ٢١] معاوية دهنى گوید بامام صادق عليه السلام عرض کردم فدایت شوم تفسیر این حدیثی که از شما شنیدم چیست فرمود آن حدیث کدامست عرض کردم مؤمن بنور خدائی نگاه می کند فرمود یا معاویه خداوند مؤمنین را از نور خودش آفریده و از رحمت خویش آنان را ساخت و از آنها بر ولایت ما پیمان گرفت بر پایه شناسائی خودش روزیکه خود را بآنها شنا-انید مؤمن برادر مؤمن ازیک پدر و مادر است ، پدرش نور و مادرش رحمت است او با این نوریکه از آن آفریده شده نگاه می کند .

[حديث ٢٢] داود بن كثير رقى گوید بامام صادق عليه السلام داخل شدم و عرض کردم فدایت شوم خداوند تبارك و تعالی فرموده است (وانى لغفار لمن تاب وآمن وعمل صالحا ثم اهتدى^١) معنی این هدایت آخرین بعد از توبه و ایمان و عمل صالح چیست ؟ فرمود معرفت ائمه طاهرين و این امام یا سلیمان .

(١) ومن آمرزنده ام کسی را که توبه کند و ایمان آورد و کردار شایسته کند

و سپس هدایت یابد - سوره طه آیه ٨٥

[الحديث الثالث والعشرون] أبي رحمه الله قال حدثني سعد بن عبدالله عن

عباد بن سليمان عن سدير الصيرفي عن أبي عبدالله عليه السلام قال دخلت عليه وعنده أبو بصير وميسرة وعدة من جلسائه فلما ان اخذت مجلسي اقبل على بوجهه وقال يا سدير ، اما ان ولينا ليعبد الله قائماً وقاعداً ونائماً وحياً وميتاً قال قلت جعلت فداك اما عبادته قائماً وقاعداً وحياً فقد عرفنا ، كيف يعبد الله نائماً وميتاً قال ان ولينا ليضع رأسه فيرقد فاذا كان وقت الصلاة و كل به ملكين خلقا في الارض لم يصعدا الى السماء ولم يريا ملكوتها فيصليان عنده حتى ينتبه فيكتب الله ثواب صلاتهما له والركعة من صلاتهما تعدل الف صلاة من صلاة الادميين وان ولينا ليقبضه الله اليه فيصعد ملكاه الى السماء فيقولان ياربنا عبدك فلان ابن فلان انقطع واستوفى اجله ولا انت اعلم منا بذلك فاذن لنا نعبدك في آفاق سمائك و اطراف ارضك قال فيوحى الله اليهما ان في سمائي لمن يعبدني ومالي في عبادته من حاجة بل هو أحوج اليها وان في أرضي

[حديث ٢٢] سدير صيرفي گوید برامام صادق عليه السلام وارد شدم و ابو بصير و ميسره و عدهای از يارانش بنزد او بودند چون نشستم بمن رو آورد و فرمود يا سدير دوست ما در حال ايستاده و نشسته و خواب و بيدار و مرگش خدا را پرستش می کند عرض کردم فدای تو شوم بندگی او را در حال ايستاده و نشسته و زندگی شناختيم ولي چگونه در خواب و مرگ عبادت پروردگار می کند فرمود چون دوست ماسر خود را زمين گذارده و مي خوابد در هنگام نمازش فرشتگانی که در زمين خلق شده اند و بآسمان نرفته اند و ملکوت آسمانها را ندیده اند مو کلند بنزد او نماز بخوانند تا اينکه بيدار شود و خداوند ثواب نماز اين دو فرشته را برای او می نويسد و يکر کعت نماز آن دو برابر هزار نماز است که آدميان بجای آورند و دوستی از دوستان ما را قبض روح می کنند دو فرشته بآسمان بالا می روند و عرض می کنند خدایا بنده تو فلان ابن فلان بدرودزندگی گفت و تو خود باين قضيه از ما داناتری بما اجازه فرما که ترا در آسمان و زمينت نيايش کنيم پس بآن دو فرشته وحی ميرسد که کيست در آسمانم مرا آنطور که بايد و شايد عبادت کند و حال آنکه به نيايش او نيازی ندارم

لَمَنْ يَعْبُدْنِي حَقَّ عِبَادَتِي وَمَا خَلَقْتُ خَلْقاً أَحْوجَ إِلَيَّ مِنْهُ فَيَقُولَانِ يَا رَبَّنَا مَنْ هَذَا
يَسْعُدُ بِحَبْلِكَ آيَاهُ (قال) فيوحي الله اليهما ذلك من اخذ ميثاقه بمحمد عبدي و وصيه
و ذريتهما بالولاية اهبطا الى قبر وليي فلان ابن فلان فصليا عنده الى ان ابعثه في
القيامة ، قال فيهبط الملكان فيصليان عند القبر الى ان يبعثه الله فيكتب ثواب صلاتهما
له والر كعة من صلاتهما تعدل الف صلاة من صلاة الادميين .

(قال سدير) جعلت فداك يا بن رسول الله فاذن وليكم نائما وميتا أعبد منه حيا
و قائما (قال) فقال هيهات يا سدير ان ولينا ليؤمن على الله عز و جل يوم القيامة
فيجيز أمانه .

بلکه وی نیازمند آنست و در زمینم کیست که مرا بشایستگی بندگی نماید
در حالیکه آفریده‌ای از او نیازمندتر بخود نیافریده‌ام فرشتگان عرض می‌کنند
پس کیست آنکه بمحبت تو نیکبخت میشود و حی می‌رسد آنکسیست که از او اقرار
به بندگی عز و جلاله و ولایت و دوستی جانشین عز و جلاله و فرزندان پا کش پیمان
گرفته شده بگور دوست من فلان ابن فلان فرود آئید و نزد او تا زمانیکه از خاک
برانگیخته شود نماز بخوانید . سپس امام علیه السلام فرمود دو فرشته پائین آمده و نزد
گور او نیایش پروردگار می‌کنند تا روز رستخیز فرا رسد و مزد نمازهای آن‌دورا
برای او می‌نویسند و هر رکعت نماز فرشتگان برابر یک هزار نماز آدمیانست .

سدير عرض کرد فدای تو شوم بنابراین دوست شما که خواب و مرده است
از دوستی که میدار و زنده و برپا است عابدتر است فرمود یا سدير هیهات دوست ما
در روز رستخیز برای دیگران امان از آتش دوزخ می‌طلبد و با و اجازه شفاعت و امان
داده میشود .

(منظور آنکه ارزش او در نزد پروردگار جهانیان بالاتر از اینها است که تو
فکر می‌کنی او کسی است که برای دیگران میانجیگری و شفاعت و طلب امان میکند
و خود نیازی بدستگیری دیگران ندارد و من بقدر فهم تو باتوسخن گفتم) .

[الحديث الرابع والعشرون] وبهذا الاسناد عن سدير قال قلت لابي عبد الله عليه السلام جعلت فداك يا بن رسول الله هل يكره المؤمن على قبض روحه (قال) لا اذا اتاه ملك الموت ليقبض روحه جزع عند ذلك فيقول له ملك الموت يا ولي الله لا تجزع فوالذي بعث محمدًا بالحق لا ناأبرك وأشفق عليك من الولد الرحيم لولده حين حضره، افتح عينيك وانظر (قال) ويمثل لرسول الله صلى الله عليه وآله وسلم وأمير المؤمنين وفاطمة والحسن والحسين والأئمة هم رفقاؤك (قال) فيفتح عينيه وينظر وتنادى روحه من قبل العرش يا ايها النفس المطمئنة ارجعي الى محمد وأهل بيته وادخلي جنتي (قال) فما من شيء أحب اليه من انسلال روحه واللحق بالمنادي .

[الحديث الخامس والعشرون] ابي رحمه الله قال حدثني سعد بن عبد الله عن معاوية بن عمار عن جعفر بن محمد عن ابيه عن جده عليه السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم إذا كان يوم القيامة يؤتى باقوام على منابر من نور تتلأأ وجوههم كالقمر ليلة البدر

[حديث ٢٤] سدير گوید با امام صادق عليه السلام عرض کردم فدایت شوم آیا مؤمن از قبض روحش ناراحتی دارد فرمود نه چون هنگامیکه فرشته مرگ برای گرفتن روانش می آید ناله می کند فرشته مرگ باو گوید ای دوست خدا در فغان مباش بآنخدائیکه محمد صلى الله عليه وآله وسلم را بدرستی برانگیخته من از پدر دلسوز به پسرش بتودلسوزتر و نیکو کارترم دیدگان خود را باز و نگاه کن چه می بینی در برابر چشمانش پیغمبر خدا و امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین و ائمه اطهار عليهم السلام ممثل می شوند باو گویند اینان رفقای تو هستند دیدگان خود را باز می کند و می نگرد روح او را از عرش آواز دهند ای نفس مطمئنه بسوی محمد و آل محمد برگرد و به بهشت برین داخل شو در چنین حالی هیچ چیزی نزد او محبوب تر از این نیست که رواش از کالبدش جدا شده و بنده بپایونند .

[حديث ٢٥] امام صادق عليه السلام بنقل از پدرانش از رسول خدا نقل فرموده که رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم می فرمود وقتی که روز رستاخیز فرا رسد گروهی بر منبرهای نور

يغبطهم الأولون والآخرين ثم سكت ثم أعاد الكلام ثلاثاً (فقال عمر بن الخطاب) بأبن أنت وامى هم الشهداء قال هم الشهداء وليس هم الشهداء الذين تظنون (قال) هم الأوصياء (قال) هم الأوصياء وليس هم الأوصياء الذين تظنون (قل) فمن اهل السماء او من اهل الارض (قال) هم من اهل الارض (قال) فاخبرني من هم (قال) فاوماً بيده الى على عليه السلام وقال هذا وشيعته ما يبغضه من قريش الاسفاحي ولا من الانهار (كذا) الا يهودى ولا من العرب الادعى ولا من سائر الناس الاشقى يا عمر كذب من زعم انه يحبني ويبغض علياً .

[الحديث السادس والعشرون] حدثني محمد بن الحسن بن احمد بن الوليد رحمه الله قال حدثني محمد بن الحسن الصفار عن محمد بن قيس و عامر بن السمط عن ابي جعفر عليه السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله يأتي يوم القيامة قوم عليهم ثياب من نور على

برمی آیند که چهره آنان چون ماه شب چهارده درخشانست واولین و آخرین مردم بایشان رشک می برند زمانی از سخن بازایستاد و سپس همین گفتگورا سه بار باز گو فرمود عمر بن الخطاب عرض کرد پدر و مادرم فدای تو باد اینان شهدا هستند فرمودند شهدا هستند ولی نه آن شهدائی که شما خیال می کنید عرض کرد جانشینان پیغمبران هستند فرمود اوصیایند ولی نه آن جانشینانی که در خاطر خود می گذرانید عرض کرد از اهل آسمان یا زمینند فرمود از اهل زمین اند عرض کرد پس اینان کیانند رسول خدا صلى الله عليه وآله بدست خود اشاره بعلى عليه السلام کرد و فرمود این و پیروان او هستند از قریش جز کسی که حرامزاده باشد و از نژاد و مذاهب دیگر جز یهودی و از عرب مگر مشکوک در نسب و از سائر مردم جز بدبخت کسی او را دشمن نمی دارد .

[حدیث ۲۶] امام باقر عليه السلام گوید رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود در روز جزا گروهی که جامه هائی از نور در بردارند و نور از چهره آنان می تابد وارد بیابان

وجوههم نور يعرفون بآثار السجود يتخطون صفا بعد صف حتى يصيروا بين يدي رب العالمين يغبطهم النبيون والملائكة والشهداء والصالحون ، قال له عمر بن الخطاب من هؤلاء يا رسول الله الذين يغبطهم النبيون والملائكة والشهداء والصالحون قال أولئك شيعتنا وعلى امامهم .

[الحديث السابع والعشرون] حدثني محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد رحمه الله قال حدثني محمد بن الحسن الصفار عن معاوية بن عمار عن ابي عبد الله عليه السلام عن ابيه عن جده عليه السلام قال قال رسول الله ﷺ لعلي يا علي لقد مثلت الي امتي في الطين حين رأيت صغيرهم وكبيرهم ارواحاً قبل ان تخلق اجسادهم واني مررت بك وشيعتك فاستغفرت لكم فقال علي يا نبي الله زدني فيهم قال نعم يا علي تخرج أنت وشيعتك من قبوركم ووجوهكم كالقمر ليلة البدر وقد فرجت عنكم الشدائد وذهبت عنكم الاحزان تستظلون تحت العرش تخاف الناس ولا تخافون وتحزن الناس ولا تحزنون وتوضع لكم مائدة والناس في المحاسبة .

محشر می شوند از علائم سجودشان شناخته می شوند صفوف را می شکافند تا در صف اول در برابر خدای عالمیان قرار گیرند پیغمبران و فرشتگان و شهداء و نیکوکاران بآنان رشک برند عمر بن خطاب گفت اینجا چه کسانیند فرمودند اینان پیروان مامی باشند که علی علیه السلام پیشرو ایشانست .

[حدیث ۲۷] امام صادق علیه السلام بنقل از پدرانش فرمود که رسول خدا می فرمود یا علی امت من در طینت (ذر) پیش من ممثل شدند تا اینکه کوچک و بزرگ آنها را دیدم ارواحی بودند پیش از آنکه جسد هایشان آفریده شود و من بتو و پیروانت گذشتم و برایتان استغفار کردم علی علیه السلام عرض کرد ای پیغمبر خدا بیشتر بفرما فرمود یا علی تو و شیعیانت از گورهای خود با چهره هایی مانند ماه تابان بیرون می آئید و سختی ها بر شما گشایش شده و بدون هراس در زیر سایه عرش الهی آرمیده اید مردم هراسنا کند و شما نمی ترسید و مردم اندوهگینند و شما را اندوهی نباشد و شما بر سر سفره پروردگار جهانیا نید در حالیکه مردم گرفتار پس دادن حسابند .

[الحديث الثامن والعشرون] ابي رحمه الله قال حدثنا سعد بن عبدالله عن محمد القبطي قال سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول للناس أغفلوا قول رسول الله ﷺ في علي في يوم غدیر خم كما أغفلوا قوله يوم مشربة أم ابراهيم ، انی الناس يعودونه فجاء علی عليه السلام لیدنو من رسول الله ﷺ فلم يجد مكانا فلما رأى رسول الله ﷺ أنهم لا یفرجون لعلی عليه السلام قال یا معشر الناس هذا اهل بیتی تستخفون بهم وانا حی بین ظهر انیکم أما والله لئن غبت فان الله لا یغیب عنکم ان الروح والراحة والرضوان والبشری والحب والمحبة لمن أتمم بعلي وتولاه وسلم له وللاوصیاء من بعده ، حق علی ان ادخلهم فی شفاعتی لانهم اتباعی فمن تبعنی فانه منی مثل جری فی ابراهیم لانی من ابراهیم و ابراهیم منی و دینی دینه و سنتی سنته و فضله فضلی و انا افضل منه و فضلی له فضل تصدیق قول ربی (ذرية بعضها من بعض والله سميع عليم) وكان

[حديث ٢٨] محمد قبطی گوید شنیدم امام صادق عليه السلام بمردم می فرمود فرمایش پیغمبر بزرگ را درباره علی عليه السلام در روز غدیر خم فراموش کردید مانند روز مشربه ام ابراهیم که مردم بعیادت او آمده بودند و علی عليه السلام آمد که بنزدیک رسول خدا جای گیرد و جایش ندادند چون پیغمبر خدا مشاهده فرمود مردم بعلي عليه السلام راه نمی دهند فرمود ای گروه مردمان اینانی را که سبک می شمارید اهل بیت منند من رفعت وعظمت ایشان را میخواهم بخدا سوگند اگر از شما پنهان شوم خداوند از شما پنهان نخواهد ماند روح و راحت و رضوان و بشارت و محبت برای کسیست که علی عليه السلام را پیروی نماید و ویرا دوست داشته و باو و جانشینانش سرسپرده باشد بر من است که آنها را در شفاعت خود داخل کنم برای اینکه ایشان پیروان منند و کسی که مرا پیروی کند از منست همانطور که درباره ابراهیم عليه السلام وارد شده چون من از ابراهیم و ابراهیم از من است و دین من دین اوست روش من روش وی و برتری او برتری منست و من از او برترم و برتری من براو بگواه فرمایش پروردگار است که می فرماید (ذرية بعضها من بعض والله سميع عليم) و هنگام این سخنرانی

(۱) فرزندان که بعضی از آنها بر بعضی دیگر برتری دارند و خداوند شنوای دانا است -
سوره آل عمران آیه ۳۴

رسول الله ص قدا ثبت رجله فی مشربة ام ابراهيم حين عاده الناس .

[الحديث التاسع والعشرون] ابي رحمة الله قال حدثنا سعد بن عبد الله عن بى داود الاعمى عن ابي عبد الله الجدلى قال قال على عليه السلام يا ابا عبد الله ألا احدثك بالحسنة التى من جاء بها آمن من فزع يوم القيامة ، والسيئة التى من جاء بها اكبه الله على وجهه فى النار قال قلت بلى قال الحسنه حبنا والسيئة بغضنا .

[الحديث الثلاثون] وبهذا الاسناد عن الحسن بن على عن عاصم بن حميد عن اسحاق النخوى قال سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول ان الله ادب نبيه صلى الله عليه وآله على محبته (انك لعلى خلق عظيم^١) ثم فوض اليه فقال (ما آتاكم الرسول فخذوه وما نهاكم عنه فانتهوا^٢) وقال (من بطع الرسول فقد اطاع الله^٣) وان رسول الله صلى الله عليه وآله فوض و عيادت کردن مردم پیغمبر خدا را پاهای مبارکش را در مشربیه ام ابراهیم دراز کرده بود (غرفه از خانه پیغمبر اکرم باین نام نامیده می شده و آن همان جائی بود که ابراهیم پسر رسول خدا در آنجا بدنیا آمده بود) .

[حدیث ۲۹] ابو عبد الله جدلی گوید علی عليه السلام بمن فرمود یا ابا عبد الله میخواهی ترا بکار نیکی رهبری کنم که اگر کسی بر آن کاردست یابد از فزع روز قیامت در امان ماند و بدی ای را هم بتو نشان دهم که اگر با آن خو گیرد خداوند او را بخواری و از روی چهره بآتش در اندازد عرض کردم بلی فرمود آن حسنه محبت ما و آن سیئه دشمنی ما است .

[حدیث ۳۰] اسحق نخوی گوید شنیدم امام صادق عليه السلام می فرمود خداوند به پیامبر خود آداب حب و دوستی و بندگی حضرتش را آموخت و سپس فرمود (انك لعلى خلق عظیم^١) و امر دین خود را باو واگذار نمود و فرمود (ما آتاكم الرسول فخذوه وما نهاكم عنه فانتهوا^٢) و فرمود (من بطع الرسول فقد اطاع الله^٣)

- (۱) تو بر حد کمال خوی خوب هستی - سوره قلم آیه ۴
(۲) آنچه پیغمبر برای شما آورد دریافت و عمل کنید و آنچه را که شما را از آن بازداشت بازایستید - سوره حشر آیه ۷
(۳) آنکس که فرمان پیغمبر را برد خدا را فرمان برده است - سوره نساء آیه ۸۰

الى على عليه السلام فأتّمه فسلمتم وجد الناس فوالله لنحبكم أن تقولوا اذا قلنا وتصمتوا اذا صمتنا ونحن فيما بينكم وبين الله ، والله ما جعل لاحد من خير في خلاف امره .

[الحديث الحادى والثلاثون] وبهذا الاسناد عن الحسن بن على بن علاء

عن محمد بن مسلم عن ابي جعفر عليه السلام قال ان ذنوب المؤمنين مغفورة لهم فليعمل المؤمن لما يستأنف اما انها ليست الا لاهل الايمان .

[الحديث الثانى والثلاثون] و بهذا الاسناد عن ابي جعفر عليه السلام قال إن الله

عز وجل يعطى الدنيا من يحب ويبغض ولا يعطى الآخرة الا من احب ، وان المؤمن ليسأل ربه موضع سوط من الدنيا فلا يعطيه و يسأله الآخرة فيعطيه ماشاء و يعطى الكافر من الدنيا قبل أن يسأله ماشاء و يسأله موضع سوط فى الآخرة فلا يعطيه اياه .

رسول خدا هم پس از خود بعلی عليه السلام واگذار نمود و شما شیعیان باو سر فرو آورید و دیگر مردم سر باز زدند بخدا سوگند شما را دوست دارم تا آنجا که آنچه را ما گفته ایم باز گو کنید و چون ما خاموش شدیم شما هم خاموش شوید بین شما و خدای شما گواهییم بخدا سوگند برای هیچ کسی در دشمنی و دوری کردن از این امر خوبی قرار داده نشده .

[حدیث ۳۱] محمد بن مسلم گوید امام باقر عليه السلام می فرمود گناهان مؤمنین

بخشیده می شود و مؤمن پس از آن مانند کسی است که تازه بکار بندگی و زندگی دست زده بدیهی است این بخشش الهی ویژه اهل ایمان است .

[حدیث ۳۲] امام باقر عليه السلام فرمود خداوند بزرگ دنیا را بدوست و دشمن

خود داد ولی سرای بازپسین را تنها بدوستان خود می دهد ، مؤمن از خدای خود می خواهد که ناراحتی دنیایش را بردارد و از او برداشته نمی شود و آخرت زاهر اندازه درخواست کند باو داده خواهد شد و بدون خواهش کافران بآنان دنیا داده میشود ولی چون از خدا می خواهد که عذاب آخرت را از او بردارد جوابی نمی شنود .

[الحديث الثالث والثلاثون] وبهذا الاسناد عن الحسن بن علي بن فضال عن محمد بن الفضل عن ابي حمزة قال سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول انتم للجنة واللجنة لكم اسماءؤكم الصالحون والمصلحون ، وانتم اهل الرضا عن الله برضاه عنكم . والملائكة اخوانكم في الخير اذا اجتهدوا .

[الحديث الرابع والثلاثون] وبهذا الاسناد قال ابو عبد الله عليه السلام دياركم لكم جنة وقبوركم لكم جنة ، للجنة خلقتكم والى الجنة تصيرون .

[الحديث الخامس والثلاثون] وبهذا الاسناد قال سمعته يقول اذا قام المؤمن في الصلاة بعث الله الحور العين حتى يحرقن به فاذا انصرف ولم يسأل الله ممنهن شيئا تفرقن وهن متعجات .

[الحديث السادس والثلاثون] حدثني محمد بن الحسن الصفار عن الحارث بن محمد الاحول عن ابي عبد الله عليه السلام عن ابي جعفر عليه السلام قال سمعته يقول ان رسول الله صلى الله عليه وآله لما سري به قال لعلی علیہ السلام یا علی انی رأیت فی الجنة نهراً ابیض من اللبن وأحلی

[حديث ۳۳] ابي حمزه گوید شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود شما و بهشت برای یکدیگر آفریده شده اید شما به نیکو کاران نامیده میشوید و اهل رضای پروردگارید خداوند از شما خشنود است و فرشتگان برادران شما هستند اگر در کارهای خوب کوشا باشید .

[حديث ۳۴] امام صادق علیه السلام فرمود شهرها و گورهای شما برایتان بهشت است برای بهشت آفریده شده اید و به آنجا هم خواهید رفت .

[حديث ۳۵] امام صادق علیه السلام فرمود هنگامیکه مؤمن بنماز برمیخیزد خداوند حورالعين را برمی انگیزد که پیرامون او در آیند و چون مؤمن نماز را تمام نموده و برمیگردد و خواهشی نمی کند آنها باشگفتی از دور او را کنده می شوند .

[حديث ۳۶] امام باقر علیه السلام فرمود رسول خدا پس از معراجش بعلی علیه السلام فرمود یا علی در بهشت جوی سفیدی از شیر دیدم که از شهد شیرینسر و از تیر

من العسل وأشد استقامة من السهم ، فيه اباريق عدد نجوم السماء على شاطئه قباب
 الياقوت الاحمر والدرالابيض ف ضرب جبرئيل بجناحه الى جانبه فاذا هومسك اذفر ،
 ثم قال والذي نفس محمد بيده ان في الجنة لشجراً يتصفق بالتسبيح بصوت لم يسمع
 الاولون والآخرون باحسن منه يثمر ثمراً كالرمان وتلقى الثمرة على الرجل
 فيشقها عن تسعين حلة والمؤمنون على كراسي من نور وهم الغر المحجلون أنت
 قائدهم يوم القيامة على الرجل نعلان شرا كهما من نور يضئ امامه حيث شاء من
 الجنة فبينما هو كذلك اذاشرفت عليه امرأة من فوقه تقول سبحان الله يا عبد الله مالك
 فينا دولة فيقول من أنت فنقول انا من اللواتي قال الله عز وجل (فلا تعلم نفس ما
 اخفى لها من قرّة أعين جزاء بما كانوا يعملون^١) ثم قال والذي نفس محمد بيده انه

برنده تر بود بعدد ستارگان آسمانها كاسهائی در آن بود بر كنار آن گنبد هائی
 از ياقوت قرمز و در سفيد گذارده بودند ، جبرئيل با بالش بكنار او زد و آن
 مشك اذفر بود ، سپس فرمود بآنكسيكه جان محمد ﷺ در دست او است در بهشت
 درختی است و برگهایش تسبیح می گویند که آفریدگان اولین و آخرین صدائی
 بخوبی و خوشی آن نشنیده اند میوه ای بمانند انار می دهد که چون آنرا فرو می اندازد
 و مؤمن میشکافدش به نود پرده تقسیم میشود (ظاهراً مقصود از حله همان پرده های
 مابین دانه های انار است) و مؤمنین بر تخت هائی از نور نشسته اند و از دست و پيشانی آنان
 نور و روشنی تابانست و تو پیشوای آنانی بر پای ایشان کفش هائیست که بندهای آن
 از نور است و جلو خود را از بهشت تا آنجا که بخواهد به بیند روشن می کند در این
 حال زنی از بالا باو گوید پا کست خدا ای بنده خدا خیر تو برای ما چیست مؤمن
 گوید تو کیستی پاسخ دهد از کنیزانی هستم که خداوند درباره آنان فرموده
 (فلا تعلم نفس ما اخفی لها من قرّة أعین جزاء بما كانوا يعملون^١) سپس فرمود

(١) هیچ آفریده ای نمی داند در غیب عالم از چیز هائی که دوست دارد چهار برایش آماده
 شده و این باداش کارهای خیری است که می نمود - سوره سجده آیه ١١٧

لیجیئہ کل یوم سبعون الف ملک یسمونه باسمه واسم ایہ .

[الحديث السابع والثلاثون] حدثني محمد بن موسى بن المتوكل عن مالك بن الجهمي عن ابي عبد الله عليه السلام قال يا مالك ما ترضون ان تقيموا الصلاة و تؤدوا الزكاة وتكفوا ايديكم وتدخلوا الجنة ، ثم قال يا مالك انه ليس من قوم أئتموا بامام في دار الدنيا الا جاء يوم القيامة يلعنهم ويلعنونه الا انتم و من كان بمثل حالكم ، (ثم قال) يا مالك من مات منكم على هذا الامر شهيد بمنزلة الضارب بسيفه في سبيل الله ، (قال) وقال مالك بينما انا عنده ذات يوم جالس و انا احدث نفسي بشيء من فضلم فقال لي انتم والله شيعتنا لا تظن انك مفرط في امرنا يا مالك انه لا يقدر على صفة الله احد فكما لا يقدر على صفة الله فكذلك لا يقدر على صفة الرسول ﷺ ، و كما لا يقدر على صفة الرسول فكذلك لا يقدر على صفتنا ، و كذلك لا يقدر على صفة المؤمن ،

بآن کسیکه روان محمد بدست او است سو گند هر روز هفتاد هزار فرشته بر او فرود می آیند که او را بنامش و نام پدرش می خوانند .

[حديث ٣٧] مالك جهني گوید امام صادق عليه السلام فرمود ای مالک نمی خواهید که نماز بخوانید و زکوة بدهید و دست خود را از حرام باز گیرید و در عوض به بهشت بروید سپس فرمود یا مالک هر گروهی که از پیشوائی (باطل) در دنیا پیروی کنند روز رستاخیز امام و مأموم هر دو یکدگر را لعن می کنند مگر شما ها یا هر کس که بمانند شما باشد (از ما پیروی نماید) سپس فرمود ای مالک کسی از شما که بردوستی ما بمیرد مانند کسیست که در راه خدا بشمشیر کشته شود و در شمار شهیدان نوشته شده است مالک گوید در حالیکه روزی نزد او بودیم و با خود حدیثی از فضایل آنها می گفتم بمن فرمود بخدا سو گند گمان مدار که پیروان ما در باره ما تند می روند یا مالک کسی را یارای آن نیست که خدا را بستايد (آنطور که حق او است) و همانطور که نیروی توصیف خدا را ندارد از وصف کردن رسول خدا هم ناتوان است و بهمین منوال حق توصیف ما را هم نمی تواند بجا آورد و هم چنین از تعریف مؤمن نیز درمانده

یا مالک ان المؤمن لیلقی اخاه فیصافحه فلا یزال الله ینظر الیهما والذنوب تنحط
عن وجوههما حتی یتفرقا ، وانه لا یقدر علی صفة من هو هكذا (وقال) ان ابی عبد الله
كان یقول لن تطعم النار من یصف هذا الامر .

[الحديث الثامن والثلاثون] حدثنی محمد بن علی ماجیلویه عن عمه محمد
ابن ابی القاسم عن جعفر بن عمر الکلبی قال قال ابو عبد الله علیه السلام ما اکثر السواد قال
قلت له یا بن رسول الله ما اکثر السواد فقال اما والله ما یحج الله عز وجل غیر کم ،
ولا یصلی الصلین غیر کم ، ولا یؤتی أجره مرتین غیر کم ، وانکم لدعاة الشمس والقمر
والنجوم ، ولکم یغفر ، ومنکم یتقبل .

[الحديث التاسع والثلاثون] حدثنا جعفر بن محمد بن مسرور رحمه الله قال
حدثنی الحسن بن محمد بن عامر عن الصباح بن سیابة عن ابی عبد الله علیه السلام قال ان
الرجل لیحبکم وما یدری ما تقولون فیدخله الله الجنة ، وان الرجل لیبغضکم وما یدری

است یا مالک المؤمن با برادر مؤمن خود بر خورد می کند و مصافحه می نماید و در همان
حال خدای بزرگ بآنها نگاه می کند و گناهانشان فرو میریزد تا هنگامیکه از
یکدیگر جدا شوند و کسی توانائی ندارد چنین افرادی را آنطور که باید و شاید
ستایش کند .

[حدیث ۲۸] جعفر بن عمر کلبی گوید امام صادق علیه السلام می فرمود چه قدر
سیاهی لشکر و افراد بیکاره زیاد شدند عرض کردم یا بن رسول الله سیاهی لشکر
چیست ؟ فرمود کسی خدا را جز شما صبح نکرد و نمازهای قبل و بعد صبح را بجا
نیاورد و اجر و مزد دو برابر نگرفت شما داعیان و مبلغین آفتاب و ماه و ستارگانید
(ظاهراً منظور از آفتاب شمس نبوت و از ماه قمر ولایت و از ستارگان ائمه معصومین
و یا علمایند) گناهان شما آمرزیده و اعمالتان قبول می شود .

[حدیث ۳۹] صباح بن سیابة گوید امام صادق علیه السلام فرمود گاه هست مردی
شما را در حالیکه نمی داند چه میگوئید دوست دارد و خدا زید او را به بهشت وارد
می کند و مردی شما را در حالیکه نمی فهمد چه میگوئید (و از معتقدات واقعی شما

ما تقولون فيدخله الله النار ، وان الرجل ليملاً صحيفته من غير عمل ، قلت فكيف قال يمر بالقوم ينالون منا و اذا رأوه قال بعضهم لبعض ان هذا الرجل من شيعتهم ، ويمر بهم الرجل من شيعتنا فيرمونه ويقولون فيه فيكتب الله له بذلك حسنات حتى يملاً صحيفته من غير عمل .

[الحديث الاربعون] ابي رحمه الله قال حدثني سعد بن عبدالله عن منصور الصيقل قال كنت عند ابي عبدالله عليه السلام في فسطاطه بمنى فمظن الى الناس فقال يا كلون الحرام ويلبسون الحرام وينكحون الحرام ولكن انتم تأكلون الحلال و تلبسون الحلال والله ما يحج غيركم ولا يقبل الامنكم .

[الحديث الحادي والاربعون] وبهذا الاسناد عن الحسن بن علي بن عاصم بن حميد عن عمر بن حنظلة قال قال ابو عبدالله عليه السلام يا عمر ان الله يعطي الدنيا من يحب و يبغض ولا يعطي هذا الامر الا صفوته من خلقه ، انتم والله على ديني و دين آبائي

با خبر نیست) دشمن میدارد و خداوند او را بآتش می برد و مردی هست که نامه عملش بدون اینکه کاری نماید پر میشود عرض کردم چگونه فرمود بگروهی از بدگویان ما برخورد می کند و چون او را به بینند بعضی از آنها به بعضی دیگر می گویند این مرد از پیروان آنها است شما ساکت شوید و چون شیعه ما می گذرد او را هدف تیر تهمت قرار داده و در باره او آنچه را که باید نگویند می گویند پس خداوند توانا حسناتی در صحیفه عملش می نویسد بدون اینکه عملی کرده باشد .

[حدیث ۴۰] منصور صیقل گوید نزد امام صادق عليه السلام در خیمه او بمنی بودیم بمردم نگاهی کرد و فرمود حرام می خورند و حرام می پوشند و بحرام زناشوئی می کنند ولیکن شما حلال می خورید و حلال می پوشید و بحلال ازداج می کنید بخدا سوگند جز شما کسی حج نکرد و غیر از عمل شما عمل دیگری را نپذیرفتند

[حدیث ۴۱] عمر بن حنظله گوید امام صادق عليه السلام فرمود یا عمر این دانا دانیارا بدوست و دشمنش می دهد ولی دوستی ما را فقط به برگزیدگان آفرینش می دهد

ابراهيم واسماعيل لأعنى على بن الحسين والاباقر ولو كان هؤلاء على دين هؤلاء .

[الحديث الثاني والاربعون] وبهذا الاسناد عن الحسن بن على بن عتبة عن موسى النميرى عن ابي عبدالله عليه السلام قال اتى رسول الله صلى الله عليه وآله رجل فقال يا رسول الله انى لاحبك فقال رسول الله صلى الله عليه وآله انت مع من احببت .

[الحديث الثالث والاربعون] حدثنا محمد بن على بن ماجيلويه رحمه الله قال حدثنا محمد بن يحيى عن حنظلة عن ميسر قال سمعت ابا الحسن الرضا عليه السلام يقول لا يرى منكم فى النار اثنان لا والله ولا واحد ، قال فقلت اين ذا من كتاب الله فامسك هنيئة قال فانى معه ذات يوم فى الطواف اذ قال يا ميسر اذن لى فى جوابك عن مسألتك كذا ، قال قلت فاين هو من القرآن فقال فى سورة الرحمن وهو قول الله عز وجل (فيومئذ لا يسأل عن ذنبه منكم انس ولا جان) فقلت له ليس فيها (منكم) قل

بخدا سو گند شه' بردين من ودين پدرانم ابراهيم واسماعيل هستيد وعلى بن الحسين و محمد باقر را بميان نياوردم گرچه اينها هم بردين آنهايند (مقصود آنکه فکر نکنند پدران خود را میخواهم تعريف نموده و برخ مردم بکشم) .

[حديث ٤٢] موسى نميرى گويد ابي عبدالله عليه السلام فرمود مردى نزد رسول خدا صلى الله عليه وآله آمد عرض کرد اى پيغمبر خدا ترا دوست دارم پيغمبر خدا صلى الله عليه وآله فرمود تو با كسى كه دوستش دارى خواهى بود .

[حديث ٤٢] ميسر گويد از حضرت رضا عليه السلام شنيدم كه مى فرمود بخدا سو گند از شما دونفر را در آتش نمى بينم ويكنفر را هم نخواهم ديد عرض كرده اين موضوع از كجاي كتاب خدا است بمن پاسخى نداد تا اينكه روزى با او در طواف بودم وفرمودند يا ميسر اکنون پاسخ خویش را بشنو عرض کردم در كجاي كتاب خدا است فرمود در سوره رحمن (فيومئذ لا يسأل عن ذنبه منكم انس ولا جان) عرض کردم در آيه لفظ منكم نيست فرمود اول كسى كه او را تغيير داد ابن اروى

(١) پس در آنروز از گناه آدميان و جنيان پرسش نخواهد شد - سوره الرحمن آيه ٣٩

ان اول من قد غيرها ابن اُروی وذلك انها حجة عليه وعلى اصحابه ولولم يكن فيها (منكم) لسقط عقاب الله عزوجل عن خلقه اذا لم يسأل عن ذنبه انس ولا جان فلمن يعاقب الله اذا يوم القيامة .

[الحديث الرابع والاربعون] حدثنا محمد بن الحسن بن الوليد رحمه الله قال حدثنا محمد بن الحسن الصفار عن العباس بن يزيد ، قال قلت لابي عبد الله عليه السلام ذات يوم جعلت فداك قول الله عزوجل (واذا رأيت ثم رأيت نعيما وملكا كبيرا^١) قال فقال لي : إذا أدخل الله اهل الجنة الجنة ارسل رسولا الى ولي من اوليائه فيجد الحجة على بابها فتقول له قف حتى يستأذن لك فما يصل اليه رسول الله الا باذن وهو قوله (واذا رأيت ثم رأيت نعيما وملكا كبيرا^١) .

[الحديث الخامس والاربعون] حدثنا محمد بن موسى بن المتوكل رحمه الله قال حدثنا محمد بن يحيى العطار عن احمد بن العيص ، رفعه عن جعفر بن محمد عليه السلام

بود واین گناه بر او و یاران او است و اگر در آیه منکم نبود عذاب خدا را آفرید گانش برداشته میشد اگر از گناه جمیع آدمیان و جنیان بازخواست نشود پس خداوند در روز رستاخیز کرا عقاب کند .

[حدیث ٤٤] عباس بن یزید گوید روزی با امام صادق عليه السلام عرض کردم فدایت شوم فرمایش یزدان پاک در کتابش (واذا رأيت ثم رأيت نعيما وملكا كبيرا^١) را تفسیر کن فرمود چون خداوند اهل بهشت را در بهشت وارد کند پیغمبری از پیغمبران را نزد دوستی از دوستان خود می فرستد در بانایی را بر درگاه او می یابند و بان رسول میگویند همین بیرون بایست تا برایت رخصت بگیریم و پیغمبر خدا جز با اجازه او وارد نخواهد شد و اینست فرمایش خدای بزرگ (و اذا رأيت ثم رأيت نعيما وملكا كبيرا^١)

[حدیث ٤٥] احمد بن العيص گوید از حضرت صادق عليه السلام بمن رسید که

(١) و چون بنگری آنجا کشوری پر نعمت و بزرگ می بینی - سوره انسان آیه ٢٠

قال قال : اذا كان يوم القيامة نشفع في المذنبين من شيعتنا فاما المحسنون
فقد نجاهم الله .

می فرمود : هنگامیکه روز رستاخیز فرا رسد گناهکاران شیعیان را شفاعت می کنیم
ولی نیکوکاران را خداوند نجات می دهد .

ترجمه کتاب (فضائل الشیعه) تمام شد

صفات الشيعة

تأليف

دانشمند بزرگ ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی

مشهور به

صدوق

المتوفی سنه ۳۸۱ هجری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين وصلواته على محمد وآله الطاهرين

قال ابو جعفر محمد بن علي بن الحسين بن موسى بن بابويه الفقيه مؤلف هذا الكتاب رحمة الله عليه .

[الحديث الاول] قال حدثني محمد بن موسى بن المتوكل رحمه الله ، قال حدثنا محمد بن يحيى العطار الكوفي عن ابيه عن موسى بن عمران النخعي عن عمه الحسين بن زيد النوفلي عن علي بن سالم عن ابيه عن ابي بصير قال قال الصادق عليه السلام شيعتنا أهل الورع والاجتهاد و أهل الوفاء والأمانة و أهل الزهد والعبادة أصحاب احدى وخمسين ركعة في اليوم واللييلة القائمون بالليل الصائمون بالنهار يزكون اموالهم ويحجون البيت ويجتنبون كل محرم .

بِنام خداوند بخشاینده مهربان

سپاس مر خدای جهانیا نراست و درود بی پایان بر محمد و فرزندان پاک و پاک نژادش باد گردآورنده این کتاب ابو جعفر محمد پسر علی پسر حسین پسر موسی پسر بابویه که رحمت خدا براو باد چنین گوید :

۱- ابي بصير گوید امام صادق عليه السلام فرمود پيروان ما پرهيزگار و در پرستش پروردگار كوشا و با وفا و امانت دار و كناره گير از دنيايند پنجاه ويكر كعت نماز در روز و شب بجای می آورند شبها را بيدار و روزها را روزه دارند زكوة دارائی خود را می دهند و حج خانه خدا می كنند و ازهر ناشايستی دوری مينمايند .

[الحديث الثاني] حدثنا ابي رضى الله عنه ، قال حدثنا على بن ابراهيم عن ابيه عن على بن معبد عن الحسين بن خالد عن ابي الحسن الرضا عليه السلام قال: شيعتنا المسلمون لامرنا الاخذون بقولنا المخالفون لاعدائنا فمن لم يكن كذلك فليس منا .

[الحديث الثالث] حدثنا جعفر بن محمد بن مسرور رحمه الله ، قال حدثنا الحسين بن محمد بن عامر عن عمه عبدالله بن عامر عن محمد بن ابي عمير عن ابان بن عثمان عن الصادق جعفر بن محمد عليه السلام انه قال لادين لمن لا تقية له ولا ايمان لمن لا ورع له .

[الحديث الرابع] حدثنا محمد بن على ماجيلويه رحمه الله عليه ، قال حدثني عمى محمد بن ابي القاسم عن محمد بن على الكوفى عن محمد بن سنان عن المفضل بن عمر قال قال الصادق عليه السلام : كذب من زعم انه من شيعتنا وهو متمسك بعروة غيرنا .

[الحديث الخامس] ابي رحمه الله ، قال حدثني عبدالله بن جعفر عن احمد بن محمد عن ابن ابى نجران ، قال سمعت ابا الحسن عليه السلام يقول : من عادى شيعتنا فقد عادانا ومن الاهم فقد والانا لانهم منا خلقوا من طينتنا من احبهم فهو منا ومن

۲- حسين پسر خالد گوید امام رضا عليه السلام می فرمود پیروان ما بفرمان ما گردن نهاده اند دستورات ما را گرفته و بکار می بندند و با دشمنانمان مخالفند و کسی که براین روش نباشد ازما نیست .

۳- ابان پسر عثمان گوید امام صادق عليه السلام می فرمود کسی که تقيه نمی کند بر آئین جعفری نیست و هر که پرهیز گاری ندارد بخدا باور ندارد .

۴- مفضل پسر عمر گوید امام صادق عليه السلام می فرمود ، دروغ می گوید آنکه گمان دارد از پیروان ما است و بجز ما تمسک می جوید .

۵- پور ابی نجران گوید شنیدم که ابو الحسن عليه السلام می فرمود آنکه با پیروان ما ستیزه کند با ماستیزه کرده و هر که با آنان مهرورزد با ما مهر ورزیده چون آنان از خمیره ما آفریده شده اند کسی که آنها را دوست داشته باشد از ما است

ابغضهم فليس منا ، شيعتنا ينظرون بنور الله ويتقبلون في رحمة الله ويفوزون بكرامة الله ،
 ما من أحد من شيعتنا يمرض إلا مرضنا لمرضه ، ولا اغتم إلا اغتمنا لغمه ، ولا يفرح
 إلا فرحنا لفرحه ، ولا يغيب عنا أحد من شيعتنا أين كان في شرق الأرض أو غربها ،
 ومن ترك من شيعتنا ديننا فهو علينا ، ومن ترك منهم مالا فهو لورثته ، شيعتنا الذين
 يقيمون الصلاة ويؤتون الزكاة ويحجون البيت الحرام ، و يصومون شهر رمضان ،
 ويوالون أهل البيت ، ويتبرؤن من أعدائهم ، (من أعدائنا - خ) أولئك أهل الإيمان
 والتقوى ، وأهل الورع والتقوى ، ومن رد عليهم فقد رد على الله ، و من طعن عليهم
 فقد طعن على الله ، لا أنهم عباد الله حقاً ، وأولياؤه صدقا ، والله ان أحدهم ليشفع في
 مثل ربعة ومضر فيشفعه الله تعالى فيهم لكرامته على الله عز وجل .

و کسی که دشمن ایشان باشد از ما نیست پیروان ما بروشنائی ما می نگرند و در
 رحمت ما می گروند و با بخشش ما رستگارند اگر یکی از پیروانمان رنجور شود
 ما هم بناخوشی او رنجور می شویم و چون اندوهناک گردد ما هم اندوهناک می گردیم
 و بسرور او ما هم مسرور می شویم در خاور و باختر جهان هیچیک از آنان از دیدگان
 ما پنهان نیستند ، اگر یکی از آنان وامی از خود بجای گذارد دادن آن وام
 بر ما است و چون دارائی از او بماند از تبار او است ، پیروان ما نماز گذارانند و حج
 خانه خدا کنند و زکوة دارائی خویش را بدر کنند ، روزه های ماه رمضان را
 می گیرند و خاندان پیغمبر خویش را مهر ورزند و از دشمنانشان بیزاری جویند اینان
 پرهیز گار و بآئین خود باور دارند هر که آنها را براند خدا را رانده (از خدا دور
 شده) و کسی که برایشان ایراد گیرد بر خدا ایراد گرفته چون این گروه بندگان
 و دوستانان درست پرورد گارند بخدا سو گند یکی از آنان یارای آن دارد که
 باندازه نفرات دو ایل ربیعه و مضر (که بزیادی نفرات در عرب مشهورند)
 در نزد خدا میانجیگری کند و خداوند هم این میانجیگری را می پذیرد برای ارزشی
 که در پیشگاه پرورد گار جهانیان دارند .

[الحديث السادس] حدثنا ابي رحمه الله ، قال حدثنا سعد بن عبدالله عن

يعقوب بن يزيد عن محمد بن ابي عمير عن محمد بن عمران عن ابي عبدالله عليه السلام قال من قال لا اله الا الله مخلصا دخل الجنة ، واخلاصه بها ان يحجبه (أن يحجزه - خل) لا اله الا الله عما حرم الله تعالى .

[الحديث السابع] حدثنا ابي رحمه الله ، قال حدثنا سعد بن عبدالله عن احمد

بن محمد والحسن بن علي الكوفي وابراهيم بن هاشم ، كلهم عن الحسين بن يوسف عن سليمان بن عمرو عن مهاجر بن الحسين عن زيد بن ارقم عن النبي صلى الله عليه وآله وسلم قال من قال لا اله الا الله مخلصا دخل الجنة واخلاصه بها أن يحجزه لا اله الا الله عما حرم الله .

[الحديث الثامن] حدثنا محمد بن موسى بن المتوكل رحمه الله ، قال حدثنا

محمد بن جعفر الحميري ، عن احمد بن محمد بن علي عن الحسن بن محبوب عن علي بن رئاب عن ابي عبيدة الحذاء قال سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول لما فتح رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم مكة قام على الصفا فقال يا بني هاشم يا بني عبدالمطلب اني رسول الله اليكم واني شفيق عليكم لاتقولوا ان محمداً منا فوالله ما اوليائى منكم ولا من غيركم

٦- محمد پسر عمران گوید امام صادق عليه السلام می فرمود کسی که بدرستی

و از بن دندان لا اله الا الله گوید به بهشت داخل می گردد و هنگامی لا اله الا الله را درست و از ته دل گفته که با گفتن او دیگر گرد حرام نگردد .

٧- زيد پسر ارقم گوید پیغمبر خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمود هر که برآستی لا اله الا الله

بگوید بهشت برای او است و میزان درستی گفتن لا اله الا الله اش بآنست که از ناشایست ها دوری کند .

٨- ابي عبيده حذاء گوید شنیدم ابو عبدالله عليه السلام می فرمود هنگامیکه

پیغمبر خدا مکه را گشود بر کوه صفا ایستاد و سپس چنین گفت ای پسران هاشم و عبدالمطلب من فرستاده پروردگار شما بسوی شمایم و دلسوز شمایم نگوئید محمد از ما است نه شما و نه دیگران دوست من نیست مگر اینکه از پرهیز گاران

إلا المتقون ، ألا فلا أعر فكم تأتونى يوم القيامة تحملون الدنيا على رقابكم ويأتى الناس يحملون الآخرة ، ألا وانى قد أذرت فيما بينى وبينكم وفيما بين الله عز وجل وبينكم ، وان لى عملى ولكم عملكم .

[الحديث التاسع] حدثنا احمد بن محمد بن يحيى العطار رحمه الله ، قال حدثنا سعد بن عبدالله ، عن ابراهيم بن هاشم عن ابن ابى نجران عن عاصم بن حميد عن محمد بن قيس عن ابى جعفر محمد بن على الباقر عن ابىه عن جده عليه السلام قال قال امير المؤمنين عليه السلام مجالسة الاشرار تورث سوء الظن بالآخرين ، ومجالسة الاخيار تلحق الاشرار بالآخرين ، ومجالسة الفجار للأبرار تلحق الفجار بالأبرار ، فمن اشتبه عليكم امره ولم تعرفوا دينه فانظروا الى خلطائه فان كانوا أهل دين الله فهو على دين الله ، وان كانوا على غير دين الله فلا حظ له فى دين الله ، إن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم كان يقول من كان يؤمن بالله واليوم الآخر فلا يواخين كافراً ، ولا يخالطن فاجراً ،

باشيد چگونه در روز جزا بشما آشنا باشم هنگامیکه دنیارا بر گردنهای خود سوار کرده و مردم دیگری می آیند و آخرت را با خود می آورند ، آگاه باشید که من پیامبری خود را بسزا آوردم و اندر زهای شایسته بشما دادم و راهنمائی خود را نمودم کارهای گذشته من از آن من و رفتار گذشته شما برای شما است (و اکنون کارهای این سرا در آن دنیا خواهد بود و هر کس در گرو رفتار خود می باشد) .

۹- محمد پسر قیس گوید امام باقر عليه السلام بنقل از پدرانش فرمود که امیر المؤمنین عليه السلام می فرمود میوه همنشینى کردن با بدان گمان بد بردن بخوبان است و همنشینى بانیکان بدان را نیک می سازد چنانکه همنشینى بابد کاران خوبان را بد می کند و هر زمانیکه نتوانستید دین کسی را بشناسید به همنشینانش نگاه کنید اگر از مردان خدا هستند او هم بر آئین خدا است و چنانچه دوستانش بر راه خدا نیستند او هم بهره ای از آئین یزدان پرستی ندارد پیغمبر خدا صلى الله عليه وآله وسلم می فرمود هر که بخدا و روز رستخیز باور دارد با هیچ کافرى دوستى نمى کند و با بد کاران نشست

ومن آخی کافراً أو خالط فاجراً کان کافراً فاجراً .

[الحديث العاشر] حدثنا محمد بن الحسن بن الوليد عن محمد بن الحسن الصفار عن محمد بن عيسى بن عبيد عن ابن فضال قال سمعت الرضا عليه السلام يقول : من واصل لنا قاطعاً أو قطع لنا واصلًا أو مدح لنا عايباً أو أكرم لنا مخالفاً فليس منا ولسنا منه .

[الحديث الحادي عشر] حدثنا محمد بن موسى المتوكل ، قال حدثنا علي بن الحسين السعد آبادي ، عن احمد بن محمد بن خالد عن ابن فضال عن الرضا عليه السلام انه قال : من والى أعداء الله فقد عادى أولياء الله ، ومن عادى أولياء الله فقد عادى الله تبارك وتعالى ، وحق على الله عز وجل أن يدخله في نار جهنم .

[الحديث الثاني عشر] حدثني محمد بن موسى المتوكل رحمه الله ، عن احمد بن عبدالله عن ابي عبدالله عليه السلام يقول : والله ما شيعه على صلوات الله عليه الا من عفا بطنه وفرجه وعمل لخالقه ورجا ثوابه وخاف عقابه .

و برخواست نمی نماید و اگر با آنان همنشین کرد خود نیز کافر و بدکاره است .

۱۰- پسر فضال گوید شنیدم حضرت رضا عليه السلام می فرمود هر که بدور شده از ما نزدیک شود و یا از وابستگان ما دوری کند یا کسی را که بما عیب می بندد ستایش نماید یا بدشمن ما بخشش کند از ما نیست و ما هم از او نیستیم .

۱۱- پسر فضال گوید امام رضا عليه السلام می فرمود : هر که دشمنان خدا را دوست بدارد دوستان خدا را دشمن داشته و کسی که دوستان خدا را دشمن بدارد خدا را دشمن داشته و بر پروردگار جهانیان است که ویرا بدوزخ ببرد .

۱۲- احمد پسر عبدالله گوید امام صادق عليه السلام می فرمود: پیروان علی عليه السلام شکم و فرج خود را از حرام نگه می دارند و عقیفند کار را تنها به ای خرسندی آفریننده خود می کنند و بمزد او چشم دارند و از کیفر و شکنجه او هراسنا کنند .

[الحديث الثالث عشر] ابی رحمه الله ، قال حدثنی محمد بن احمد عن علی بن الصلت عن محمد بن عجلان قال كنت مع ابی عبد الله عليه السلام فدخل رجل فسلم فسأله کیف من خلفت من اخوانك فاحسن الشاء وزکی واطری فقال له کیف عیادة أغنیائهم لفقرائهم قال قليلة قال کیف مواصلة أغنیائهم لفقرائهم فی ذات ایدیهم فقال انك تذکر اخلاقا ما هی فیمن عندنا ، قال فكیف یزعم هؤلاء انهم لنا شیعة .

[الحديث الرابع عشر] حدثنا محمد بن موسى المتوكل عن الحسن بن علی الخزاز قال سمعت الرضا عليه السلام یقول : ان ممن یتخذ مودتنا أهل البيت لمن هو أشد اینه علی شیعتنا من الدجال فقلت له یا بن رسول الله بماذا قال بموالة أعدائنا معادة أولیائنا انه اذا كان كذلك اختلط الحق بالباطل و اشتبه الامر فلم یعرف مؤمن من منافق .

۱۳- محمد پسر عجلان گوید نزد امام صادق عليه السلام بودیم که مردی داخل شد و سلام کرد از او پرسش فرمودند برادران دینی تو چگونه‌اند از آنان ستایش فراوانی نمود باو فرمود احوال‌پرسی توانگران آنها بامستمندانشان چگونه‌است عرض کرد کم است فرمود رسیدگی مالدارانشان بدرویشان بر چه پایه است گفت کردار و رفتارهایی را یاد آور میشوید که پیش ما نیست فرمود پس چگونه اینان گمان میکنند که از پیروان مایند .

۱۴- حسن پسر خراز گوید از امام رضا عليه السلام شنیدم که می‌فرمود : کسی هست که دوستی ما خاندان پیغمبر را دستاویز قرار داده و خرابکاری او بر پیروان ما از زیان دجال بیشتر است عرض کردم ای پسر پیغمبر چرا ؟ فرمود برای مهر ورزیدن او بادشمنان ما و ستیزه او بادوستان ما و چون چنین نمود حق بباطل آمیخته می‌شود و امر مشتبه می‌گردد و مؤمن از دورو شناخته نمیشود .

[الحديث الخامس عشر] حدثنا ابي رحمه الله عن العلاء بن الفضيل عن الصادق عليه السلام قال مَنْ أَحَبَّ كَافِرًا فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ وَمَنْ أَبْغَضَ كَافِرًا فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ ، ثُمَّ قَالَ عليه السلام صَدِيقُ عَدُوِّ اللَّهِ عَدُوُّ اللَّهِ .

[الحديث السادس عشر] حدثنا جعفر بن محمد بن مسرور رحمه الله ، قال حدثني غير واحد من أصحابنا عن جعفر بن محمد عليه السلام قال من جالس أهل الريب فهو مريب .

[الحديث السابع عشر] حدثنا محمد بن علي ماجيلويه ، قال حدثني عمي عن المعلى بن خنيس ، قال سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول : ليس الناصب من نصب لنا أهل البيت لأنك لا تجد احداً يقول انا أبغض محمداً وآل محمد ولكن الناصب من نصب لكم وهو يعلم انكم تتوالون وتتبرؤون من أعدائنا وقال عليه السلام : من أشبع عدواً لنا فقد قتل ولياً لنا .

[الحديث الثامن عشر] ابي رحمه الله قال : حدثنا سعد بن عبدالله وعبدالله بن جعفر الحميري جميعاً عن أحمد بن محمد بن الحسن عن ابي عبدالله عليه السلام قال :

۱۵- علاء پسر فضیل گوید امام صادق عليه السلام فرمود کسی که کافری را دوست داشته باشد خدا را دشمن داشته و کسی که کافری را دشمن بدارد خدا را دوست داشته سپس فرمود دوست دشمن خدا دشمن خدا است .

۱۶- امام باقر عليه السلام فرمود کسی که با اهل شک به نشیند خود شکا کست .

۱۷- معلى پسر خنيس گوید شنيدم امام صادق عليه السلام می فرمود : کسی که بما ناصبی باشد اورا ناصبی نگویند برای آنکه فردی را نمی یابی که بگوید من محمد و درویشان را دشمن دارم ولی ناصبی کسی است که نسبت بشما ناصبی است در حالیکه می داند شما ما را دوست دارید و از دشمنانمان بیزاری می جوئید سپس فرمود کسی که دشمنی از ما را سیر کند دوستی از دوستان ما را کشته است .

۱۸- احمد پسر محمد گوید امام صادق عليه السلام فرمود : پیروان علی عليه السلام

ان شیعة علی صلوات الله علیه كانوا خص البطون ذبل الشفاء وأهل رافة وعلم وحلم يعرفون بالرهبانية فاعينوا علی ما أنتم علیه بالورع والاجتهاد .

[الحديث التاسع عشر] حدثني محمد بن الحسن بن احمد بن الوليد رحمه الله

قال : حدثني محمد بن الحسن الصفار عن احمد بن محمد البرقي عن محمد بن الحسن بن شمون عن عبد الله بن عمرو بن ابی المقدم عن أبيه عن ابی جعفر عليه السلام انه قال : يا ابا المقدم انما شیعة علی صلوات الله علیه الشاحبون الناحلون الذابلون ، ذابلة شفاههم من القيام خمیصة بطونهم مصفرة ألوانهم متغيرة وجوههم اذا جنهم الليل اتخذوا الأرض فراشا واستقبلوها بجباههم ، باكية عيونهم ، كثيرة دموعهم ، صلاتهم كثيرة ، ودعائهم كثير ، تلاوتهم كتاب الله ، يفرحون الناس وهم يحزنون .

[الحديث العشرون] ابی رحمه الله ، قال : حدثني محمد بن احمد بن علی

ابن الصلت عن احمد بن محمد عن السندی بن محمد قال : قوم تبع امیر المؤمنین عليه السلام

کسانی هستند که از زیادی روزه داری و گرسنگی کشیدن ، باریک میان و خشکیده لب هستند ، مهربان و دانشمند و دارای گذشتند ، بترك زیادی دنیا شناخته می شوند ، پس در کارهای خود پرهیزکاری و کوشش در مجاهده بانفس را پیش گیرید .

۱۹- پسر ابی المقدم بگفته از پدرش گوید امام باقر عليه السلام فرمود ای پسر

ابی المقدم پیروان علی عليه السلام از زیادی بندگی و بیداری شبها و قیام در آن و روزه داری روزها لاغر ورنج دیده و لب چروکیده هستند لب خشکند از زیادی یاد خدا کردن و لاغر میانند از بسیاری روزه گرفتن رنگهایشان زرد و چهره آنان درهم کشیده و در گرون شده چون شب فرا رسد زمین را فرش خود سازند و پیشانی خویش را در پیشگاه خدا بخاک می ساینند دیدگان آنان گریان اشکهایشان ریزان و نماز و دعای ایشان فراوانست کتاب خدا را میخوانند و در حالیکه مردم درسورند آنها اندوه گین اند .

۲۰- سندی پسر محمد گوید گروهی بدنبال امیر المؤمنین عليه السلام می رفتند

فالتفت اليهم قال ما أنتم عليه قالوا شيعتك يا أمير المؤمنين قال مالي لأرى عليكم
 سيماء الشيعة ، قالوا وما سيماء الشيعة قال صفر الوجوه من السهر ، خصم البطون
 من الصيام ، ذبل الشفاء من الدعاء ، عليهم غبرة الخاشعين .

[الحديث الحادى والعشرون] حدثنى محمد بن موسى بن المتوكل رحمه الله
 قال: حدثنى على بن الحسين السعد آبادى عن المفضل ، قال قال ابو عبد الله عليه السلام
 انما شيعة جعفر من عف بطنه وفرجه واشتد جهاده وعمل لخالقه ورجاؤه وخاف
 عقابه فاذا رأيت اولئك فأولئك شيعة جعفر .

[الحديث الثانى والعشرون] ابى رحمه الله قال : حدثنى على بن الحسين
 السعد آبادى ، عن جابر الجعفى قال قال ابو جعفر عليه السلام : يا جابر يكتفى من اتخذ
 التشيع ان يقول بحبنا اهل البيت ، فوالله ما شيعتنا إلا من اتقى الله واطاعه ، وما كانوا

آنها را دید و فرمود شما کیستید گفتند یا امیرالمؤمنین پیروان شما ایم فرمود
 چرا نشانی پیروان خود را بر شما نمی بینم عرض کردند نشانی پیروان شما چیست ؟
 فرمود : از شب زنده داری زرد چهره و از زیادی روزه داری لاغر میان اند و از بسیاری
 ذکر خدا گفتن لبهایشان خشک و چروکیده و بر آنان گرد بیم و ترس خدا
 نشسته است .

۶۱- مفضل گوید امام صادق علیه السلام می فرمود : پیروان جعفر علیه السلام کسانی
 هستند که شکم و فرج خود را از حرام نگه میدارند و کوشش آنها در راه بندگی
 خدایشان زیاد است و امید بمزد پروردگار و ترس از شکنجه او را دارند اگر چنین
 مردمی را دیدید اینان پیروان جعفر بن محمد اند .

۶۲- جابر جعفی گوید امام باقر علیه السلام می فرمود : یا جابر آیا کسی تنها
 باینکه بگوید خاندان پیغمبر را دوست دارم دلخوش بوده و خرد را از پیروان ما
 می پندارد بخدا سو کند پیروان ما کسانید که از خدا بترسند و فرمانبری او را پیشه

يعرفون إلا بالتواضع والتخضع وأداء الأمانة و كثرة ذكر الله والصوم والصلاة والبر بالوالدين والتعهد للجيران من الفقراء و أهل المسكنة والغارمين والأيتام وصدق الحديث وتلاوة القرآن وكف اللسان عن الناس إلا من خير و كانوا امناء عشائريهم فى الاشياء ، قال جابر : يا بن رسول الله ما نعرف أحداً بهذه الصفة فقال لى يا جابر لاتذهبن بك المذاهب حسب الرجل أن يقول احب عليا صلوات الله عليه واتولاه فلو قال انى احب رسول الله ﷺ و رسول الله خير من على ثم لا يتبع سيرته ولا يعمل بسنته ما نفعه حبه إياه شيئاً فاتقوا الله و اعملوا لما عند الله ، ليس بين الله وبين أحد قرابة ، احب العباد الى الله واكرمهم عليه اتقاهم له و اعملهم بطاعته ، اجابر ما يتقرب العبد الى الله تبارك وتعالى إلا بالطاعة ، ما معنا برائة من النار، ولا

خود قرار دهند و آنها به فروتنی و ترس از خداوند و امانت داری و زیادى ياد خدا کردن و روزه و نماز بجای آوردن و نیکی به پدر و مادر کردن و رسیدگی به همسایگان درویش و وام داران و یتیمان نمودن و راستگوئی و کتاب خدا خواندن و زبان از عیوب مردم باز داشتن شناخته می شوند و اینان امینان ملت خود هستند جابر عرض کرد ای پسر پیغمبر ما کسی را باین رفتار و کردار نمی شناسیم فرمود **یا جابر** از راه بدر مرو و کج فهمی مکن آیا برای مرد همین بس است که بگوید **علی علیه السلام** را دوست دارم و نزدیکی به او رami جویم اگر او بگوید پیغمبر خدا را که از علی **علیه السلام** و الامقام تراست دوست دارم و روش زندگانی او را سرمشق خود قرار ندهد و کارهای او را پیروی ننماید این دوستی هیچ بهره برای او نخواهد داشت از خدا بپرهیزد و آنچه را که خدا فرمان داده بکار بندید بین خداوند و آفریدگانش خویشی نیست دوستدارترین و پر ارج ترین مردم بنزد پروردگار پرهیز کارترین آنها است همان کسی که از کارهای پیشوایان دین پیروی می نماید ، یا جابر بنده بخداوند جز بفرومانبری از او نزدیک نخواهد شد ، تنها بگفتن اینکه با ما ئید از آتش رهایی نخواهید یافت و بر خداوند حجتی ندارید هر که فرمانبر خدا باشد او دوست ما

على الله لأحد منكم حجة ، من كان لله مطيعاً فهو لنا وليّ ، ومن كان لله عاصياً فهو لنا عدو ، ولا تنال ولايتنا إلا بالعمل والورع .

[الحديث الثالث والعشرون] حدثني محمد بن الحسن بن أحمد بن الوليد رحمه الله ، قال : حدثني محمد بن الحسن الصفار عن ظريف بن ناصح رفعه الى محمد بن علي عليه السلام قال انما شيعة علي عليه السلام المتبازلون في ولايتنا ، المتحابون في مودتنا ، المتزاورون لاحياء أمرنا ، ان غضبوا لم يظلموا ، وان رضوا لم يسرفوا ، بركة لمن جاوروا ، وسلم لمن خالطوا .

[الحديث الرابع والعشرون] ابي رحمه الله قال : حدثني سعد بن عبد الله قال حدثني محمد بن عيسى ، عن عمرو ابن ابي المقدم عن ابيه ، قال قال لي ابو جعفر عليه السلام انه قال شيعة علي عليه السلام الشاحبون الناحلون الذابلون ، ذيلة شفاههم ، خميسة بطونهم ، متغيرة الوانهم .

[الحديث الخامس والعشرون] وبهذا الاسناد قال ابو جعفر عليه السلام لجابر

وبا ما است و کسی که فرمان خدارا نبرد دشمن ما است و دوستی ما جز با کار درست و پرهیزکاری بدست نمی آید .

۴۳- امام باقر عليه السلام فرمود پیروان علی عليه السلام کسانی هستند که در دوستی ما سر از پا نمی شناسند و برای ما با هم مهر می ورزند برای زنده کردن امر ما یکدیگر را دیدار میکنند اگر خشمگین شوند زیاده روی نمیکنند و چون خرسند گردند تند نمیروند برای همسایگان خود برکتند و با هم نشینان و هم امیزش کنندگان خود مهربان و رفتار دوستانه دارند .

۴۴- عمرو پسر ابي المقدم بگفته از پدرش گفت که امام باقر عليه السلام می فرمود پیروان علی عليه السلام لاغر ورنج دیده و لب خشکیده اند شکم آنها لاغر و پاهایشان چروکیده و رنگهایشان گشته است .

۴۵- عمرو پسر ابي المقدم بگفته از پدرش گوید که امام باقر عليه السلام فرمود

یا جابر انما شیعة علی علیه السلام من لا یعدو صوته سمعه ، ولا شحناؤه بدنه ، لا یمدح لنا قالیا ، ولا یواصل لنا مبغضا ، ولا یجالس لنا عائبا شیعة علی علیه السلام من لا یهر هریر الکلب ، ولا یطمع طمع الغراب ، ولا یسأل الناس وان مات جوعا ، اولئك الخفیفة عیشتهم ، المنقلة دیارهم ان شهدوا لم یعرفوا ، وان غابوا لم یفتقدوا ، وان مرضوا لم یُعادوا ، وان ماتوا لم یشهدوا ، فی قبورهم یتزاورون ، قلت و این أطلب هؤلاء ، قال فی أطراف الأرض بین الأسواق ، وهو قول الله تعالی عزوجل (اذلة علی المؤمنین أعزة علی الکافرین) .

[الحديث السادس والعشرون] حدثنی محمد بن الحسن بن الولید رضی الله عنه ، عن المفضل بن قیس عن ابی عبد الله علیه السلام ، قال : کم شیعتنا بالكوفة ، قال قلت خمسون الفأ قال : فما زال یقول حتی قال : أترجو أن یكونوا عشرين ثم قال علیه السلام

یا جابر پیرو علی علیه السلام کسی است که صدایش از گوشش نمی گذرد (فریاد نمی زند) و دشمنی او تا بتواند از دستش بدیگری نخواهد رسید (تا بتواند دشمنی بادیگری را در خود خفه میکند) کسانی را که در باره ما کوتاه آمده اند ستایش نمی کنند و با کسانی که با ما دشمنی رفت و آمدی ندارند و با هر که بما عیب بندد نمی نشینند پیرو علی علیه السلام مانند سگ زوزه نمی کشد و مانند کلاغ آرمند نیست از مردم درخواست و پرسش نمی کند اگر چه از گرسنگی بمیرد ، زندگانی آنان درویشانه و خانه بدوشند اگر در جائی باشند مردم آنها را نمی شناسند و اگر پنهان باشند کسی آنها را نمی جوید و چون بیمار شوند احوال آنها را نمی پرسند و اگر بمیرند کمتر کسی با خبر می شود در گورها یکدیگر را دیدار کنند (روانشان) عرض کردم اینهارا از کجای پیدا کنیم فرمود در اطراف زمین و بین بازارها آواره اند و این فرمایش خداوند بزرگ است آنجا که می گوید (اذلة علی المؤمنین أعزة علی الکافرین)

۶۶- مفضل پسر قیس گوید امام صادق علیه السلام فرمود پیروان ما در کوفه چند نفرند عرض شد پنجاه هزار و مرتب می پرسید تا اینکه فرمود آیا امید داری

(۱) برابر مؤمنان فروتن و بر کافران گردن فرازند - سوره مائده آیه ۵۴

والله لوددت أن يكون بالكوفة خمسة وعشرون رجلاً يعرفون أمرنا الذي نحن عليه ولا يقولون علينا إلا بالحق .

[الحديث السابع والعشرون] حدثنا محمد بن علي ماجيلويه رحمه الله ، عن أبي عبد الله عليه السلام قال قال له ابو جعفر الدوانيقي بالحيرة ايام ابي العباس : يا ابا عبد الله ما بال الرجل من شيعتكم يستخرج ما في جوفه في مجلس واحد حتى يعرف مذهبه ، فقال عليه السلام : ذلك بحلاوة الايمان في صدورهم من حلاوته يبدوونه تبدياً .

[الحديث الثامن والعشرون] أبي رحمه الله ، قال حدثني احمد بن ادريس ، قال حدثني محمد بن احمد عن ابن ابي عمير ، يرفعه الى أحدهم عليه السلام انه قال بعضكم اكثر صلاة من بعض ، وبعضكم اكثر حجاً من بعض وبعضكم اكثر صدقة من بعض ، وبعضكم اكثر صياماً من بعض وأفضلكم أفضل معرفة .

[الحديث التاسع والعشرون] حدثني محمد بن موسى المتوكل رحمه الله قال حدثني محمد بن يحيى العطار ، قال حدثني المفضل بن زياد العبدى عن ابي عبد الله عليه السلام

که بیست نفر باشند سپس فرمود بخدا سو گند دوست دارم در کوفه بیست و پنج مرد باشند که امامت ما را بشناسند و بر ما جز گفتار درست نگویند .

۲۷- محمد پسر علی ماجیلویه گوید امام صادق عليه السلام فرمود روزی ابو جعفر منصور دوانیقی (خلیفه دوم عباسی) در حیره زمان ابي العباس سفاح برادرش بمن گفت يا ابا عبد الله چگونه است که پيرو شما در هر مجلسی که باشد پنهان خود را آشکار میکند و مذهبش شناخته می شود فرمود اين برای شیرینی ایمانیست که در سینه های آنانست و آن شیرینی پنهان آنها هویدا میشود .

۲۸- پسر ابي عمير گوید امام باقر (یا صادق عليه السلام) فرمود از شما کسی است که نمازش از دیگری بیشتر است و گروهی از شما حج کردند بیش از دیگران است و مردی صدقه دان و روزه داریش بیش از سایر مردم است ولی هر که از شما داناتر است و الا مقام تر است .

۲۹- مفضل پسر زياد عبدی گوید امام صادق عليه السلام می فرمود ما از خانواده

قال انا اهل بيت صادقون همكم معالم دينكم و هم عدوكم بكم ، و اشرب قلوبهم لكم بغضا ، يحرفون ما يسمعون منكم كله ، و يجعلون لكم اندادا ، ثم يرمونكم به بهتاناً ، فحسبهم بذلك عند الله معصية .

[الحديث الثلاثون] حدثني احمد بن محمد بن يحيى العطار ، عن محمد بن يحيى بن سدير قال قال ابو عبدالله عليه السلام اذا كان يوم القيامة دعى الخلاق بامهاتهم ما خلانا و شيعتنا فانا لاسفاح بيننا .

[الحديث الحادى والثلاثون] حدثني الحسن بن احمد عن ابيه ، عن محمد بن احمد ، عن عبدالله بن خالد الكنانى ، قال استقبلنى ابو الحسن موسى بن جعفر عليه السلام و قد علقت سمكة بيدى ، قال اذفها لى لا كره للرجل (السرىخ) ان يحمل الشئ الدنى بنفسه ، ثم قال عليه السلام انكم قوم اعداؤكم كثير يا معشر الشيعة ، انكم قوم عاداكم الخلق فمزينوا لهم ما قدرتهم عليه .

صدق و صفائيم كوشش شما براى ياد گرفتن معالم دينتان است و هم دشمنان بنابودى شما است و دلهاى آنها از كينه شما آغشته است آنچه را كه از شما مى شنوند پس و پيش و كم و زياد مى كنند و براى شما شريكانى قرار مى دهند و متهمتان مى نمايند و همين گناه براى آنها كافىست .

۳۰- محمد پسر يحيى پسر سدير گويد امام صادق عليه السلام مى فرمود چون روز رستاخيز فرا رسد آدميان را بنام مادرانشان مى خوانند مگر ما و پيروان ما را چون در نژاد و ريشه ما خللى نيست (مقصود آنكه غير ما و محبين ما مشكوك النسبند) .

۳۱- عبدالله پسر خالد كنانى گويد به پيشگاه امام موسى كاظم عليه السلام رسيدم و ماهى اى بدست من بود فرمود او را بينداز من اكر اه دارم كه مرد چيز پستى را بدست گيرد و باخود ببرد سپس فرمود اى گروه پيروان على عليه السلام دشمنان شما زيادند ، شما گروهى هستيد كه مردم شما را دشمن دارند تا مى توانيد برايشان زينت كنيد و با تجمّل و جلال قدم زنيد .

[الحديث الثاني والثلاثون] حدثني محمد بن علي ماجيلويه ، قال حدثني عمي

محمد بن ابي قاسم ، عن هارون بن مسلم عن مسعدة بن صدقة ، قال سئل ابو عبدالله عليه السلام عن شيعتهم ، فقال شيعتنا من قدم ما استحسن و امسك ما استقبح و أظهر الجميل و سارع بالأمر الجليل رغبة الى رحمة الجليل فذاك منا والينا و معنا حيث ما كنا .

[الحديث الثالث والثلاثون] حدثني محمد بن موسى المتوكل رحمه الله ، قال

حدثني عبدالله بن جعفر الحميري ، عن الأصبع بن نباتة قال خرج علي عليه السلام ذات يوم ونحن مجتمعون فقال من انتم وما اجتماعكم ، فقلنا قوم من شيعتك يا أمير المؤمنين فقال مالي لأرى سيماء الشيعة عليكم ، فقلنا و ما سيماء الشيعة ، فقال عليه السلام صفر الوجوه من صلاة الليل ، عمش العيون من مخافة الله ، ذبل الشفاه من الصيام ، عليهم غبرة الخاشعين .

[الحديث الرابع والثلاثون] ابي رحمه الله ، قال حدثني سعد بن عبدالله ، عن

ابي بصير عن ابي عبدالله عليه السلام قال قلت جعلت فداك صف لي شيعتك ، قال عليه السلام شيعتنا

٣٢- مسعدة پسر صدقه گوید از امام صادق عليه السلام از پیروانش پرسیدند فرمود

پیروان ما کسانی‌اند که در کارهای نیک پیش قدم‌اند و از کردن کارهای بد سر باز می‌زنند نیکوئی را آشکار می‌کنند و بکار خوب پیشی می‌گیرند برای علاقه‌ای که برحمت خداوند جلیل دارند اینان از مایند و با مایند هر جا که ما باشیم .

٣٣- اصبع پسر نباته گوید روزی امیرالمؤمنین عليه السلام بیرون آمد و ما گرد

هم بودیم فرمودند شما کیستید و گرد هم آمدنتان برای چیست عرض کردیم گروهی از پیروان تو هستیم فرمودند پس چرا نشانی پیروان خود را در شما نمی‌بینم عرض کردیم نشان پیروان تو چیست فرمود آنها از زیادی بیداری و نماز شب رنګشان زرد و چشم‌هایشان کم سو و اشک‌رین از ترس خدایند لب‌هایشان از زیادی روزه‌داری و ذکر خدا گفتن خشک شده و بر آنها گرد ترس و فروتنی نشسته است .

٣٤- ابي بصير گوید بر امام صادق عرض شد پیروان خود را برای ما بستانی

من لا يعدو صوته سمعه ، ولا شحناؤه بدنه ، ولا يطرح كله على غيره ، ولا يسأل غير
 اخوانه ، ولومات جوعا ، شيعتنا من لا يهرهرير الكلب ، ولا يطمع طمع الغراب ،
 شيعتنا الخفيفة عيشهم المنقلة ديارهم ، شيعتنا الذين في أموالهم حق معلوم ،
 ويتوانسون ، وعند الموت لا يجزعون ، وفي قبورهم يتزاوررن ، قال قلت جعلت فداك
 فاين اطلبهم قال في أطراف الأرض وبين الأسواق ، كما قال الله عز وجل في كتابه
 (اذلة على المؤمنين اعزة على الكافرين ۱)

[الحديث الخامس والثلاثون] حدثني محمد بن الحسن ، قال حدثنا علي بن
 حسان الواسطي ، عن عمه عبد الرحمان بن كثير الهاشمي عن جعفر بن محمد عن
 ابيه عليه السلام قال قام رجل من اصحاب أمير المؤمنين عليه السلام يقال له همام - وكان عابداً -
 فقال له يا أمير المؤمنين صف لي المتقين حتى كانى انظر اليهم ، فتناقل امير المؤمنين

فرمود پيروان ما کسانی هستند که صدایشان کوتاه و از گوششان نمی گذرد و
 کینه آنها از دستهایشان رد نمی گردد (و بدیگری برخورد نمیکند) کار خود را
 بر دیگران بار نمیکنند و کل مردم نمی شوند بجز از برادران دینی از کسی دیگر
 پرسش و درخواست نمیکنند اگر چه از گرسنگی بمیرند ، پيروان ما مثل سنگ
 پارس نمیکنند و مانند کلاغ آزمند نیستند پيروان ما در زندگانی سبکبال و خانه
 بدوشند آنها در دارائیشان برای دیگران حقی معلوم کرده اند و با یکدیگر انس
 می گیرند و هنگام مرگ ناله و بی تابی نمیکنند در گورهایشان یکدیگر را دیدار
 میکنند عرض شد فدایت شوم کجا اینهارا بجوئیم فرمودند در اطراف زمین و بین
 بازار چنانکه خداوند فرمود (اذلة على المؤمنين اعزة على الكافرين ۱) .

۳۵- امام صادق بگفته از پدرانش فرمود مردی از یاران امیر المؤمنین عليه السلام
 بنام همام که بسیار در بندگی پروردگار کوشا بود عرض کرد یا امیر المؤمنین
 پرهیز گاران را چنان برایم بستای که گویا خود آنها را می بینم امیر المؤمنین عليه السلام

(۱) بر مؤمنان فروتن و بر کافران گردن فرازند - سوره مائده آیه ۵۴

صلوات الله عليه في جوابه ثم قال **عليه السلام** ويحك يا همام اتق الله واحسن فان الله مع الذين اتقوا والذين هم محسنون ، فقال همام يا امير المؤمنين اسألك بالذي اكرمك وبما خصك به وحباك وفضلك بما انا لك وأعطاك لما وصفتهم لي ، فقام امير المؤمنين صلوات الله عليه قائما على قدميه فحمد الله واشنى عليه وصلى على النبي وآله وسلم ثم قال أما بعد فان الله عز وجل خلق الخلق حيث خلقهم غنيا عن طاعتهم أما من معصيتهم لأنه لا تضره معصية من عصاه منهم ولا تنفعه طاعة من أطاعه ، وقسم بينهم معاشهم ، ووضعهم من الدنيا مواضعهم ، وانما ابعث الله آدم وحواء من الجنة عقوبة لما صنعا حيث نهاهما فخالفاه وأمرهما فعصياه ، فالتفتون فيها أهل الفضائل ، منطلقهم الصواب ، وملبسهم الاقتصاد ، ومشيمهم التواضع : خضعوا لله بالطاعة فبهتوا غاضين ابصارهم عما حرم الله عليهم ، واقفين اسماعهم على العلم النافع لهم ، نزلت

در پاسخ تأملی کرد و سپس فرمود یا همام تو خود پرهیز گار و نیکوکار باش که خدای با پارسایان و نیکوکارانست همام عرض کرد یا امیرالمؤمنین سوگند به آنکسیکه ترا بزرگ داشته و بر گزیده و مورد مهر خود قرار داده و ترا بر دیگران برتری داده آنان را برای ما بستای .

امیرالمؤمنین بر پا خاست و سپاس و ستایش پرورد گار را بجا آورد و بر پیمبر بزرگ درود فرستاد و سپس گفت خداوند بی همتا آفریدگان را آفرید در حالیکه از بندگی آنان بی نیاز بود و نافرمانی آنها باو گزند نمی رسانید چون نافرمانی گنهکار آسیبی باو نمی رساند و فرمانبری فرمانبران بهره ای برای او ندارد ، وسائل زندگانی را بین ایشان پخش نمود و هر کس را در جهان مقامی درخور او بداد آدم و حوا را از بهشت بسرای دنیا فرود آورد مزدبه گناهشان هنگامیکه آنان را از خوردن گندم پرهیز داده بود و نپذیرفتند و نافرمانی کردند ، پارسایان را بر دیگران برتری داد ، سخن برآستی گویند ، زندگی بصرفه جوئی گذرانند و رفتار آنان با آفریدگان بفروتنی است برای خداوند بندگانی فروتنند از دنیا بریده و خود را برای سرای بازپسین آماده کرده اند چشمهای خود را از آنچه خدا حرام کرده

انفسهم منهم فى البلاء كالذى نزلت بهم فى الرخاء ، رضا منهم عن الله بالقضاء ، ولولا الآجال التى كتب الله عليهم لم تستقر أرواحهم فى أجسادهم طرفة عين شوقا الى الثواب ، وخوفا من العقاب ، عظم الخالق فى أنفسهم ، وصغر مادونه فى أعينهم ، فهم والجنة كمن قد رآها فهم فيها منعمون ، وهم والنار كمن قد رآها فهم فيها معذبون ، قلوبهم مجزونة ، وشرورهم مأمونة ، وأجسادهم نحيفة ، وحوادثهم خفيفة ، وأنفسهم عفيفة ، ومؤنتهم من الدنيا عظيمة ، صبروا أياما قليلة قصارا أعقبتهم راحة طويلة بتجارة مربحة يسرها لهم رب كريم ، ارادتهم الدنيا ولم يريدوها ، وطلبتهم فاعجزوها ، أما الليل فصافون أقدامهم ، تالين لأجزاء القرآن يرتلون ترقبلا ، يحزنون به أنفسهم ، ويستبشرون به وتهيج أحزانهم بكاء على ذنوبهم ووجع

می‌پوشانند گوشه‌های خود را بشنیدن دانشهای سودمند فرا داشته‌اند در دشواری و بلد چنان دلشادند که دیگران در خوشی و نعمت بخواسته خدا خرسندند و اگر مرگ مقدر خداوندی پای‌بند آنان نبود از بیم شکنجه و شوق مزد پروردگار یک چشم بهم زدن جان در کالبدشان نمی‌ماند خداوند در دل آنان بسیار بزرگست و برای همین جز خدا در پیش آنان کوچک است باورشان به بهشت چنانست که گویا او را دیده و در آن بهره‌مند و آرمیده‌اند و باور آنها به دوزخ چنانست که گویا او را دیده و در آن آزار کشیده‌اند دل‌های آنان از جدائی یار حقیقی اندوهگین و مردمان از شر ایشان برکنارند از زیادی کوشش بدنهایی لاغر دارند و مورد نیازشان از این سرای ناپایدار کم است ، روانشان بعفت آراسته ورنج آنها در این دنیا زیاد است روزی چند با دشواری شکمیا باشند تا در پی آن آسایشی دراز بدست آورند بازرگانی بس سودمندی دارند که خدایشان راهنمائی کرده و برای آنان میسر فرموده چون دنیا بآنان رو آورد از او سر به‌پیچانند و دنیا آنان را دنبال کند و آنها برای پذیرفتن او را بسته‌آورند اما در شب بر پای ایستاده و متفکرانه کلام خدا را می‌خوانند و دل‌های خود را با آن اندر هگین ساخته و دواى درد خویش را از آن جویند و بکمک

كلوم جوانحهم ، و اذا مروا بآية فيها تخويف أصغوا اليها بمسامع قلوبهم وأبصارهم ، فاقشعرت منها جلودهم ، ووجلت منها قلوبهم ، وظنوا أن صهيل جهنم وزفيرها وشيقها في اصول آذانهم ، وإذا مروا بآية فيها تشويق ركنوا اليها طمعا ، وتطلعت أنفسهم اليها شوقا ، فظنوا أنها نصب أعينهم ، جاثين على أوساطهم يمجدون جبارا عظيما ، مفترشين جباههم وأكفهم وأطراف أقدامهم وركبهم ، تجري دموعهم على خدودهم ، يجأرون الى الله في فكاك رقابهم ، واما النهار فحلما علماء بررة أتقياء قدبراهم الخوف (بري القداح - خل) فهم أمثال القداح ، ينظر اليهم الناظر فيحسبهم مرضى وما بالقوم من مرض ، أويقول قد دخلوا فقد خالط القوم أمر عظيم ، إذا فكروا في عظمة الله وشدة سلطانه مع ما يخالطهم من ذكر الموت وأحوال القيامة فزرع ذلك قلوبهم و

آن حال بر گناهان خود گریسته و اعضاء آنها خسته و رنجور می گردد چون آیات تهدید و شکنجه گذرند بدل گوش کنند آنچنانکه شکنجه پروردگار را بچشم می بینند و پوستهای آن هایلرزد و دلهايشان می طبد و گمان میکنند فریاد و خروش دوزخ در بن گوش آنها است و هنگامیکه آیات رحمت الهی رسند دل بر وعده های آن سپرده و در آن طمع کرده و مشتاقانه بسوی آنها نگاه میکنند که گوئی معنی آن آیات در پیش چشمانشان هویدا است ترسان و خمیده قامت خداوند بزرگی را ستایش کنند و در پیشگاه یزدان پاك بر سرزانو و یا خمیده قد و یا بحال سجده دستها و جبین خود را بر خاک میسایند ، سرشگ بر گونه هایشان جاری است و برای دور بودن از آتش دوزخ و شکنجه اش بخدا پناه برده و کمک می خواهند و اما در روز دانشمندان شکيبا و بزرگواران پرهیز گارند ترس خدا اندامشان را چنان گداخته که به بیماران می مانند در صورتیکه بتن بیمار نیستند و جانسان رنجور عشق خدا است دیگران آنها را دیوانه می پندارند و حال آنکه کار بزرگی مبهوتشان ساخته و بزرگی خدا دل و جانسان را مستغرق دریای حیرت نموده هنگامیکه در بزرگی خداوند و سترگی سلطنتش فکر میکنند و دشواریهای روز

جاشت حلومهم وذهلت قلوبهم (عقولهم - خ) واذا استفاقوا بادروا الى الله بالأعمال
الزكية لا يرضون الله من أعمالهم بالقليل ولا يستكثرون له الجزيل فهم لأنفسهم
متهمون ومن أعمالهم مشفقون ، أن زكى أحدهم خاف مما يقولون وقال انا أعلم
بنفسي من غيري ، وربى أعلم بنفسى منى ، اللهم لاتؤاخذنى بما يقولون ، واجعلنى
خيراً مما يظنون ، واغفر لى ما لا يعلمون ، فانك علام الغيوب ، وستار العيوب ، ومن
علامة أحدهم انك ترى له قوة فى دين ، وحزماً فى لين ، وإيماناً فى يقين ، وحرصاً
على العلم ، و كياسة فى رفق ، وشفقة فى نفقة ، وقصد فى غناء ، وخشوع فى عبادة ، وتحملاً
فى فاقة ، وصبر فى شدة ، ورحمة للمجهود ، واعطاء فى حق ، ورفق فى كسب ، وطلباً للحلال ،
ونشاطاً فى الهدى ، و تخرجاً عن الطمع ، وبراً فى استقامة ، و إغماضاً عند شهوة

رستاخیز هم پیش چشمان آنان رژه میرود دل‌های آنان بخروش آمده و کاسه
شکیمائیشان لبریز میگردد و خرد از سرشان پرواز میکند و چون توفیق بندگی
می‌یابند بگردن. کارهای نیک می‌شتابند و به بندگی کردن کم، خرسندی ندهند
و کار خود را هم چیزی نهند از خود بد گمان و بر رفتارهای خود هر اسانند
اگر مردمان آنها را بکارهای نیک بستانند بخود نگرفته و گویند من بخود از غیر
خود داناتر و خدای من از من بدرون من آگاه‌تر است ، خدایا بگفته دیگران
بر من مگیر و مرا بهتر از آنچه گمان می‌برند بگردان گناهان مرا که بآن
پی نبرده‌اند ببخشای بدرستی که تودانای نهان و غیوب و پوشنده عیوبی و از نشانه‌های
آنها اینست که در کار دین نیرومند و پشتکار دارند و با نرمی بسیار، دوران‌دیش در
کار زندگانیند ، در کار ایمان بمرتبه یقین و به‌پیدا کردن دانش مشتاق و با وجود
زیرکی، نرم و با مردم آسان گیرند در بخشش دلسوز و در توانگری میانه‌رو در
بندگی پروردگار ترسان و در تنگدستی بردبار و در دشواریها شکیمیا و بررنجبران
دلسوز و در راه خدا بخشنده‌اند در کسب، ملایم و در جویائی حلال کوشا و در سفر
بسوی خدا سرخوش‌اند از آرز بسیار بدورند هنگام توانائی و بر سر پا بودن نیکو کارند

لایفره ثناء من جهله ، ولایدع احصاء ما قد عمله ، مستبطاً لنفسه فی العمل ، یعمل
الأعمال السالحة وهو علی وجل ، یمسی وهمه الشکر ، ویصبح وشغله الذکر ،
یبیت حذراً ، ویصبح فرحاً ، حذراً لما حذر من الغفلة ، وفرحاً لما اصاب من الفضل
والرحمة ان استصعب علیه نفسه فیما تکره لم یعطها سؤلها فیما الیه ضره ، و فرحه
فیما یخلد ویطول ، وقره عینه فیما لایزول ، ورغبته فیما یبقى وزهادته فیما یفنی ،
یمزج الحلم بالعلم ، ویمزج العلم بالعقل ، تراه بعیداً کسله ، دائماً نشاطه ، قریباً
أمله ، قلیلاً لزلله ، متوقعاً أجله ، خاشعاً قلبه ، ذا کرأربه ، خائفاً ذنبه ، قانعة نفسه ، متغیبا
جهله ، سهلاً أمره ، حریزاً دینه ، میتة شهوته ، کاظماً غیظه ، صافیا خلقه ، آمناً منه جاره

وزمان چیرگی شهوت از حرام چشم می پوشند اگر کسی اورا از روی نادانی
بستاید فریفته نخواهد شد و کارهای نیک خود را برخ کسان نمی کشد در کارهای
نفسانی و دنیوی آسانگیر است کارهای خوب را پیشه خود ساخته و بازهم هراسانست
روز را بشب میرساند و تمام کوشش او بجا آوردن سپاس خدا است صبح میکند
در حالیکه شب را بیدار بیدار می برد خوابی ترسان میکند و بآرزوی کردن
کارهای شایسته مسرورانه روز را آغاز میکند شب بیهوش از غفلت خویش و روز
خرسند بدریافت فضل و بخشش خداوندی و چشم براه آنست اگر نفس در بندگی
و پرستش با او همراهی نکند او هم خواهش های او را بر نیآورد خرسندی او در زندگانی
جاویدان و طولانیست و دل بدان بسته و رغبت او در سرای پایدار و کناره گیری او از
سرای ناپایدار است دانش و بردباری و خرد را بهم آمیخته و او را می بینی در حالیکه
تنبلی از او بدور و نشاطش همیشگی آرزوهایش کوتاه و لغزش هایش کم است آماده
کوچ بسفر سرای جاوید بادلی هراسان خدای خود را همیشه میخواند و از گناهان
خویش ترسان است در این سرا بچیزی خرد سر فرود آورده و نادانی او کم است
در کارهای سرای ناپایدار آسان گیر و در امور آن سرا سختگیر است شهوت او مرده
و خشم خود را فرو خورده کردار و رفتار او نیک و همسایه از او در امان و راحت است

ضعيفا كبره ، ميتا ضره ، كثيرا ذكره ، محكما امره ، لا يحدث
 بما يؤتمن عليه الاصدقاء ، ولا يكتنم شهادته للأعداء ، ولا يعمل شيئا من الحق رياءً ،
 ولا يتركه حياءً ، الخير منه ماعول ، والشر منه مامون ، ان كان في الغافلين كتب
 من الذاكرين ، وان كان في الذاكرين لم يكتب من الغافلين ، يعفو عن ظلمه ،
 ويعطي من حرمه ، ويصل من قطعه ، لا يعزب حلمه ، ولا يعجل فما يريبه ، ويصفح
 عما قد تبين له بعيد (بعد خل) جهله ، لينا قوله ، غائبامكره (منكره خل) ، قريبا
 معروفه ، صادقا قوله ، حسنا فعله ، مقبلا خيره ، مدبرا شره ، فهو في الهزاهز
 وقور ، وفي المكاره صبور ، وفي الرخاء شكور ، لا يحيف على من يبغض ولا ياتم على
 من لا يحب لا يدعى ما ليس له ولا يجحد حقا هو عليه ، يعترف بالحق قبل أن يشهد

گردنکش نبوده و آزاری بدیگری نمیرساند خدارا زیاد یاد میکند و در کار آئین
 خود استوار است و آنچه را که دوستانش بوی راز گویند با کسی در میان نگذارد
 و گواهی خود را از دشمنان خویش هم دریغ ننموده و برای خدا ریاکارانه کار نمیکند
 و شرم و آزر از او بدور نمی شود مردن بنیکی و بخشش او چشم داشت دارند و از
 بدی کردن او آسوده اند اگر با مردم غافل نشیند نامش در گروه هشیاران نوشته
 می شود و اگر همنشین آگاهان باشد در شمار اهل غفلت نیست کسی که بر او ستم
 کند می بخشدش و چون او را مجرم نماید بخشش می نماید و کسی که از او ببرد
 باو می پیوندند ، بردباری او از او جدا نمیشود و در کاری که دو دل باشد شتاب
 نمیکند از چیزهای بدی که مردم برای او اندیشیده اند و بر آنها دانا شده می گذرد
 نادانی از او بدور و گفتار او نرم است مردم را فریب نمی دهد نیکی او همیشه
 به مردمان میرسد و در جلوی آنانست راستگو در گفتار و نیکو کار در کردار است
 کار خوب از او ریزان و کار بد از وی گریزانست ، در تنهایی و کشاکش روزگار
 با وقار و در دشواریها و ناگواریها بردبار است در زمان توانگریش سپاسگزار است
 بر دشمن خود ستم نکند و در دوستی کوتاهی ننماید چیزی را که از او نیست ادعا
 نمیکند و حق را که بر او وارد است رد و انکار نمی نماید بحقی که دیگران بر او دارند

علیه ، ولا یضیع ما استحفظ (لاینسی ماذکره خ) ولا ینابز بالالقباب ، ولا یبغی علی أحد ، ولا یم بالحدس ، ولا یضر بالجار ، ولا یثمت بالمصائب ، سریع الی الصلوات ، مؤد للأمانات ، بطی عن المنکرات ، یأمر بالمعروف ، وینهی عن المنکر ، لا یدخل فی الامور بجهل ، ولا یدخل من الحق بعجز ، ان صمت لم یغمه صمته . وان نطق لم یقل خطأ ، وان ضحك لم یعد صوته سمعه ، قانعا بالذی قدرله ، ولا یجمع به الغیظ ، ولا یغلبه الهوی ، ولا یقهره الشح ، ولا یطمع فیما لیس له ، یخالط الناس لیعلم ، ویصمت لیسلم ، ویسأل لیفهم ، لاینصت لیعجب به ، ولا یتکلم لیفخر علی من سواه ، ان یغی علیه صبر ، حتی یکون الله هو الذی ینتقم له ، نفسه منه فی عناء ، والناس منه فی

اقرار میکند بدون آنکه نیازی بگواه باشد چیزی را که باو سپرده اند و باید نگه دارد تباه نمیسازد کسی را بنام زشت نخواند و بر هیچ کس ستم روا نمی دارد بدیگران رشک نمی برد و آزارش بهمسایگانش نمیرسد کسی را بگرفتاریهای شمات و سرزنش نمیکند برای بجا آوردن نمازهای خود شتاب دارد و ادا کننده سپرده ها است که باو سپرده اند بناشایست ها نمی گردد و مردم را بکارهای نیک و دوری از کارهای زشت دستور می دهد با نادانی دست بکاری نمیزند و از راه راست گامی فراتر نمی نهد اگر خاموش باشد در خاموشی اندوهگین نیست و اگر گویا شود جز راست نگوید بلند نخندد با آنچه برایش میرسد قانع است در خشم افسار خویش را بنفس سرکش نسپارد و هوی نفس بر او چیره نشود بخل او را بنده خود نسازد و در آنچه مال او نیست چشم ندوزد با مردم همنشینی میکند برای آنکه بدانش خود بیفزاید یا بدیگری بیاموزاند و چون خاموش شود برای آنست که راه آشتی پوید پرش او برای فهمیدن است نه مشاجره خاموشی او برای ایجاد شگفتی در دیگران نسبت بخویش نیست که (او را بزرگ و صاحب ظرفیت بپندارند) سخنرانی او برای خود فروشی بردیگری نیست اگر بر او ستم کنند بردبار باشد تا خداوند انتقام او را بازستاند نفس او از او در رنج و مردم از نفس او در راحتند نفس خویش را

راحة ، اتعب نفسه لآخرته ، وأراح الناس من شره ، بعدم تنباعد عنه بغض ونزاهة ، ودنو من دنا منه لين ورحمة ، فليس تنباعده بكبر ولا عظمة ، ولادنوه بخديعة ولا خلابة ، بل يقتدى بمن كان قبله من أهل الخير ، وهو امام لمن خلقه من أهل البر (قال) فصق همام صعقة كانت نفسه فيها فقال امير المؤمنين عليه السلام اما والله لقد كنت اخافها عليه ، وأمر به فجهز وصلى عليه وقال هكذا تصنع المواعظ البالغة باهلها ، فقال قائل فما بالك انت يا امير المؤمنين قال عليه السلام ويلك ان لكل اجلا لن بعدوه ، وسببا لا يجاوزه ، فمهلا لاتعد فانما نقت على لسانك الشيطان .

[الحديث السادس والثلاثون] ابي رحمه الله ، قال حدثنا سعد بن عبدالله عن صفوان بن مهران قال قال ابو عبدالله عليه السلام انما المؤمن الذي اذا غضب لم يخرج غضبه من حق ، والذي اذا رضى لم يدخله رضاء في الباطل ، والذي اذا قدر لم يأخذ اكثر من ماله .

برای آماده کردن توشه آن سرا برنج افکند و مردم را از بد او راحت کند از کسی که دوری گزیند برای پرهیز گاری و پا کد امنی است و بهر که نزدیک شود برای دلسوزی و مهربانی است نه دوری او برای گردنفرازی و نه نزدیکیش برای فریب است بلکه بخوبان پیش از خود اقتدا میکند و او خود پیشوای پارسایان و نیکو کارانست . در این هنگام همام نعره بزد و جان بداد امیر المؤمنین عليه السلام فرمود بخدا سو گند من از همین بی تابى و بی توانی بر او می ترسیدم و دستور داد او را برای دفن آماده کنند و بر او نماز خواند و سپس فرمود پندهای رسا با اهلش چنین میکند گوینده ای عرض کرد یا امیر المؤمنین چرا ترا گزندى نرسید فرمود وای بر تو برای هر کسی مرگی است که از او رد نمیشود و سببی است که از آن نمی گذرد خاموش باش و پرنگو که شیطان بر زبان تو سخن می گوید .

۳۶- صفوان پسر مهران گوید امام صادق عليه السلام فرمود مؤمن کسی است که چون خشمگین شود خشمش او را از جاده راست بدور نکند و چون راضی شود خرسندیش او را در باطل فرو نمی برد و چون توانائی یابد بیش از مال و حق خود را دست نمیزند .

[الحديث السابع والثلاثون] ابي رحمه الله ، قال حدثنا سعد بن عبد الله عن علي بن عبد العزيز ، قال قال ابو عبد الله عليه السلام يا علي بن عبد العزيز لا يغرنك بكأؤهم فان التقوى في القلب .

[الحديث الثامن والثلاثون] حدثنا محمد بن موسى المتوكل رحمه الله عن عبد الله بن سنان قال سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول : أوصيكم عباد الله بتقوى الله ولا تحملوا الناس على اكتافكم فتذلوا ، ان الله عز وجل يقول في كتابه (قولوا للناس حسناً) ثم قال عودوا مرضاهم ، واشهدوا جنازتهم ، واشهدوا لهم وعليهم ، وصلوا معهم في مساجدهم ، واقضوا حقوقهم ، (ثم قال) أى شيء أشد على قوم يزعمون أنهم يأتون بقوم ويأخذون بقولهم فيأمرؤنهم و ينهونهم ولا يقبلون منهم و يذيعون حديثهم عند عدوهم فيأتى عدوهم اليها فيقولون لنا ان قوما يقولون ويروون كذا و كذا فنقول نحن نتبرأ ممن يقول هذا فتقع عليهم البرائة .

۳۷- علی پسر عبدالعزیز گوید امام صادق علیه السلام فرمود یا علی گریه اینان ترا گول نزنند پارسائی و پرهیز گاری در دل است .

۳۸- عبدالله پسر سنان گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم می فرمود: ای بندگان خدا شمارا به پارسائی سفارش میکنم مردم را بر شانه های خود سوار نکنید که خوار خواهید شد خداوند بزرگ در کتاب خود فرموده (قولوا للناس حسناً) سپس فرمود بیماران خود را پرشش کنید و جنازه های آنان را مشایعت نمائید و برای ایشان گواه باشید در پرستشگاههایشان با آنان نیایش بدرگاه خدا کنید و حقوق آنها را بدهید سپس فرمود چقدر سنگین و سخت است بر گروهی که گمان میکنند بدنبال پیشوایانی قدم برمیدارند و فرمایش آنها را پذیرا هستند در حالیکه چرن آنها را دستور بنیکی و دوری از بدی می دهند از آنان نمی پذیرند و اسرار آنها را نزد دشمنانشان فاش می کنند و چون دشمنان آنها نزد ما می آیند و می گویند گروهی هستند که چنین و چنان می گویند و ما خواهیم گفت از آنان بیزاری ما از آنها واجب میشود.

(۱) بامردم گفتاری نیک بگوئید - سوره بقره آیه ۸۳

[الحديث التاسع والثلاثون] حدثني محمد بن الحسن بن احمد بن الوليد رحمه الله ، عن ابي الخطاب عن عبدالله بن زياد ، قال سلمنا على ابي عبدالله عليه السلام ، فقلت يا بن رسول الله انا قوم مجتازون لسننا نطبق هذا المجلس منك كلما اردناه فامسنا (قال عليه السلام) عليكم بتقوى الله وصدق الحديث وأداء الأمانة وحسن الصحبة لمن صحبكم وافشاء السلام واطعام الطعام صلوا في مساجدهم وعودوا مرضاهم واتبعوا جنائزهم فان ابي حدثني ان شيعتنا أهل البيت كانوا خيار من كانوا منهم ، ان كان فقيهه كان منهم ، وان كان مؤذن كان منهم ، وان كان امام كان منهم ، وان كان صاحب امانة كان منهم ، وان كان صاحب وديعة كان منهم ، وكذلك كونوا احبونا الى الناس ولا تبغضونا اليهم .

[الحديث الاربعون] ابي رحمه الله ، قال حدثنا علي بن ابراهيم بن هاشم عن ابيه عن اسماعيل بن مهران عن حمran بن اعين عن ابي عبدالله عليه السلام ، قال كان علي بن الحسين عليه السلام قاعدا في بيته اذ قرع قوم عليهم الباب فقال يا جارية انظري

۴۹. عبدالله پسر زیاد گوید بر امام صادق عليه السلام در منی درود فرستادیم و سپس عرض کردیم ای پسر پیغمبر ما گروهی گذرانده ایم و گفتگوهای این جاراد رجائی بازگو خواهیم کرد ما را وصیتی بفرما فرمود شمارا بر پارسائی و پرهیزگاری و راستگوئی و ادای امانت و نیکی آمیزش با کسانی که با شما رفت و آمد دارند و درود بلند فرستادن و سیر کردن مردمان سفارش میکنم ، در مساجدشان نماز کنید و بیمارانشان را احوالپرسی نمائید مردگان ایشان را مشایعت کنید و پدر می فرمود پیروان ما خاندان پیغمبر خوبان خویشان خود هستند اگر دانشمندی یا اذان گوئی یا پیشوائی و یا امانت داری و راز داری یافت شود از آنانست مردم را با ما مهربان کنید و ما را با ایشان دشمن ننمائید .

۴۰- حمran پسر اعین گوید امام صادق عليه السلام فرمود امام سجاد عليه السلام در خانه خود نشسته بود گروهی درب خانه را کوبیدند فرمود ای کنیز نگاه کن

من بالباب فقالوا قوم من شيعتك فوثب عجلان حتى كاد ان يقع فلما فتح الباب ونظر اليهم رجع وقال كذبوا فاين السميت في الوجوه اين اثر العبادۃ ، اين سيماء السجود انما شيعتنا يعرفون بعبادتهم و شعتهم قد قرحت العبادۃ منهم الا ناف و دثرت الجباه والمساجد ، خمص البطون ، ذبل الشفاه ، قدهمجت العبادۃ وجوههم ، وأخلق سهر المليالي وقطع الهواجر جثثهم ، المسبحون اذا سكنت الناس والمصلون اذا نام الناس والمحزونون اذا فرح الناس ، يعرفون بالزهد ، كلامهم الرحمة، وتشاغلمهم بالجنة .

[الحديث الحادى والاربعون] على بن احمد بن عبدالله عن ابيه عن جده عن ابي عبدالله البرقى عن ابيه عن عمرو بن شمر عن عبدالله قال قال الصادق عليه السلام : من أقر بستة أشياء فهو مؤمن ، البرائة من الطواغيت والاقرار بالولاية ، والايمان

كو بنده درب کيست عرض کردند گروهی از پیروان شمايند با شتاب چنان از جای برخاست که نزدیک بود بر زمین افتد و چون درب را بازو بایشان نگاه کرد برگشت و فرمود دروغ می گویند نشانی تشیع آنان چیست و نشانه بندگی و اثر سجودشان کجا است ، پیروان ما به زیادی بندگی و ژولیدگیشان شناخته میشوند (منظور آنکه بظاهر خود زیاد پای بند نبوده و توجه بیشترشان بعوالم معنوی و اخروی است) زیادی بندگی پروردگار بینی های آنان را زخم نموده و جبین و جاهای سجودشان پینه بسته از روزه های بسیار و ایستادن در پیشگاه پروردگار و دوام از کار لاغرمیان و لب خشکانند ، بندگی یزدان چهره های آنان را درهم کشیده و بیداری شب جوانی آنها را دگرگون نموده و روزه بودن در روزهای گرم بدنهای آنها را گداخته هنگامیکه مردم خاموشند آنان تسبیح گویند و چون مردم در خوابند آنان در نماز بسر می برند و زمانیکه آفریدگان مسرورند آنان اندوهگینند ، به بسیاری بر کناری از دنیا شناخته می شوند سخنان آنها رحمت و سر گرمی آنها به بهشت است .

۴۱- عبدالله گوید امام صادق فرمود : کسی که بشش چیز باور کند مؤمن است : بیزاری و دوری از گردنکشان و ستمگران و اقرار بولایت (سلطنت معمری

بالرجعة ، والاستحلال للمتنعة ، وتحريم الجری وتترك المسح علی الخفین .

[الحديث الثاني والاربعون] ابی رحمہ اللہ ، قال حدثنا عبد اللہ بن جعفر الحمیری عن مسعدة بن صدقة عن الصادق عليه السلام انه قيل له ما بال المؤمن احدثى ، قال عليه السلام لأن عز القرآن في قلبه ، ومحض الايمان في قلبه ، وهو عبد الله عز وجل ، مطيع لله ، ولرسوله عليه السلام مصدق (قيل) فما بال المؤمن قديكون أشح شيء (قال) لأنه يكسب الرزق من حله ومطلب الحلال عزيز فلا يحب ان يفارقه لشدة ما يعلم من عسر مطلبه وان سخت نفسه لم يضعه الا في موضعه (قيل) ما علامات المؤمن (قال) عليه السلام أربعة نومه كنوم الغرقى ، واكله كما كل المرضى ، وبكاؤه كبكاء الثكلى ، وقعوده كعقود المواثب (قيل له) فما بال المؤمن قديكون انكح شيء (قال) عليه السلام لحفظه فرجه عن فروج ما لا يحل له ولكي لا تميل به شهوته هكذا ولا هكذا ، و اذا ظفر بالحلال

خاندان پیغمبر ویا محبت آنان) ویاور به رجعت و خلال شمردن متعه و حرام شمردن ما را ماهی و بر روی موزه مسح نکشیدن .

۴۶- مسعدة پسر صدقه گوید با امام صادق عليه السلام عرض شد چرا مؤمن بچیزی سخت و تند می شود فرمود برای آنکه رفعت و عزت کتاب خدا در دل او است و ایمان خالص در قلب او نهفته و او خدا و ندرا می پرستد و فرمانبر او و مصدق پیغمبر او است عرض شد چرا مؤمن بچیزی بخل میورزد فرمود برای آنکه روزی را از راه حلال بدست می آورد و پیدا کردن حلال مشکل است او دوست ندارد از بدست آورده حلال خود دوری کند برای آنکه می داند پیدا کردن حلال کار بس دشواری است و اگر خشمگین شود نابجا نخواهد بود عرض شد نشانه های مؤمن چیست فرمود چهار چیز است خواب او مانند خواب غریق و غذا خوردنش مانند آدم بیمار و گریه او مانند گریه شخص مادر مرده و بر پا خاستن او مانند برخاستن مردم هراسناست که از جای خود می جهند عرض شد چرا مؤمن زناشوئی میکند فرمود برای نگهداشتن خود از نزدیکی با کسانی که بر او حلال نیستند و برای

اكتفى به واستغنى به عن غيره وقال صلوات الله عليه : ان في المؤمن ثلاث خصال لم تجتمع الا فيه ، علمه بالله عز وجل ، و علمه بمن يحب ، و علمه بمن يبغض (وقال عليه السلام) ان قوة المؤمن في قلبه ، ألا ترون انكم تجدونه ضعيف البدن نحيف الجسم ، وهو يقوم الليل ويصوم النهار (وقال عليه السلام) المؤمن في دينه أشد من الجبال الراسية وذلك لأن الجبل قد ينحت منه والمؤمن لا يقدر أحد ان ينحت من دينه شيئاً وذلك لضنه بدينه وشحه عليه .

[الحديث الثالث والاربعون] وبهذا الاسناد قال قال رسول الله ﷺ ألا أنبئكم لم سمي المؤمن مؤمناً لائتمان الناس اياه على انفسهم وأموالهم ، ألا أنبئكم من المسلم ، المسلم من سلم الناس من يده ولسانه ألا أنبئكم بالمهاجر ، من هجر السيئات وما حرم الله عز وجل .

اینکه شهوات دیگر را آرزو ننماید و هنگامیکه بحلال دست یافت به آن می سازد و خود را با آن از دیگران بی نیاز می کند سپس فرمود در مؤمن سه خصلت است که در جز او گرد نخواهد آمد بخدا و به آنچه خدا دوست دارد و بآنچه خدا دشمن دارد دانا است و باز هم فرمودند زور مؤمن در دل او است آیا نمی بینید که او بدنی لاغر و پیکری ناتوان دارد چون شبها را بیدار و روزها را روزه دار است و اضافه فرمود : مؤمن در نگهداری دین خود از کوههای استوار پابرجا تر است برای آنکه از کوه کم کم با برخورد باد و باران سائیده و تراشیده می شود ولی کسی یارای آن ندارد از دین مؤمن چیزی بکاهد و این برای بخلی است که بدین خود دارد تا او را از دست ندهد .

۴۳- امام صادق علیه السلام فرمود آیا شما را خبر ندهم که چرا مؤمن را مؤمن نامیدند برای ایمانی که مردم در دارائی و جان خود بآنان دارند آیا شما را خبر ندهم که مسلمان کیست مسلمان کسی است که مردمان از گزند دست و زبان او آسوده باشند آیا مهاجر را بشما معرفی نکنم مهاجر کسی است که از بدیها دوری کند و از آنچه خداوند روا ندانسته پرهیز نماید .

[الحديث الرابع والاربعون] و بهذا الاسناد قال قال رسول الله ﷺ من ساءته سيئة وسرته حسنة فهو مؤمن .

[الحديث الخامس والاربعون] ابى رحمه الله ، قال حدثنا سعد بن عبدالله عن حباب الواسطى عن ابى عبدالله عليه السلام قال ما أقبح بالمؤمن أن تكون له رغبة تذله .
[الحديث السادس والاربعون] وبهذا الاسناد ، قال قال ابو عبدالله عليه السلام البرس شبه اللعنة لا يكون فينا ولا في ذريتنا ولا في شيعتنا .

[الحديث السابع والاربعون] وبهذا الاسناد عن احمد بن ابى عبدالله عن حصين بن عمر . قال قال ابو عبدالله عليه السلام : ان المؤمن أشد من زبر الحديد ان الحديد اذا أدخل النار تغير وان المؤمن لو قتل ثم نشر ثم قتل لم يتغير قلبه .

[الحديث الثامن والاربعون] حدثنا الحسن بن احمد رحمه الله عن المفضل ، قال قال ابو عبدالله عليه السلام ان الله تبارك وتعالى خلق المؤمنين من أصل واحد لا يدخل فيهم داخل ولا يخرج منهم خارج ، مثلهم والله مثل الرأس في الجسد ومثل الأصابع

٤٤- امام صادق عليه السلام فرمود كه پیغمبر خدا می فرمود کسی كه كار بد كردن اورا ناراحت كند و كار نيك اورا خوشنود بسازد مؤمن است .

٤٥- حباب واسطی گوید امام صادق عليه السلام فرمود برای مؤمن چه اندازه زشت است خواهشی داشته باشد كه در راه بجا آوردن آن خواهش خوار گردد .

٤٦- امام صادق عليه السلام فرمود : پیسی مانند داغ راندگی اذدر گاه خدا است و درما و فرزندان و پیروانمان پیدا نمیشود .

٤٧- حصین پسر عمر گوید امام صادق عليه السلام فرمود : مؤمن از آهن سخت تر است آهن اگر گداخته شود رنگش برمی گردد ولی مؤمن اگر كشته شود و دوباره زنده گردد و سپس اورا بكشند دل او از ایمان بر نمی گردد .

٤٨- مفضل گوید امام صادق عليه السلام فرمود ایزد توانا مؤمنین را از يك ریشه آفرید نه کسی می تواند در جرگه آنان در آید و نه کسی از آنان می تواند از گرویشان خارج شود مثل آنان مثل سردر بدن و یا انگشتان در كف دستان است اگر

فی الکف ، فمن رأیتم یخالف ذلك فاشهدوا علیه بتاتا انه منافق .

[الحديث التاسع والاربعون] حدثنا محمد بن علی ماجیلویه رحمہ اللہ ، عن محمد بن سلیمان الدیلمی ، قال سمعت ابا عبد اللہ علیه السلام یقول الشتاء ربیع المؤمن یطول فیہ لیلہ فیستعین به علی قیامہ .

[الحديث الخمسون] وبهذا الاسناد ، عن محمد بن احمد عن معاویة بن عمار ، قال قال ابو عبد اللہ علیه السلام : ان الله لم یؤمن المؤمن من بلايا الدنيا ولكن آمنه من العمی فی الآخرة ومن الشقاء یعنی عمی البصر .

[الحديث الحادی والخمسون] وبهذا الاسناد عن محمد بن احمد ، عن سعید بن غزوان قال قال ابو عبد اللہ علیه السلام المؤمن لایکون محارفا (مجازفا خ) .

[الحديث الثانی والخمسون] وبهذا الاسناد عن احمد بن محمد عن الصالح بن هیثم (میثم ظ) عن ابي عبد اللہ علیه السلام ، قال ثلاث من کز فیہ استکمل خصال الايمان ،

کسی را دشمن اینها یافتید بدور و ایشان گواهی دهید .

۴۹- محمد پسر سلیمان گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم می فرمود زمستان بهار مؤمن است چون شبهای دراز دارد و باو نیرو می دهد که شب زنده دار باشد .

۵۰- پسر عمار گوید امام صادق علیه السلام می فرمود : خداوند بزرگ مؤمن را از بلاهای سرای ناپایدار ننگه نمی دارد لیکن او را از کوری در آن سرا ننگه خواهد داشت .

۵۱- سعید پسر غزوان گوید امام صادق علیه السلام فرمود مؤمن سخنی به نادرستی نمی گوید .

۵۲- صالح پسر هیثم گوید امام صادق علیه السلام فرمود سه چیز است که چون در کسی یافت شد رفتار ایمانی او تمام است : کسی که برستم بردبار بوده و خشم

من صبر على الظلم فكظم غيظه واحتسب وعفا كان ممن يدخله الله الجنة وشفع في مثل ربعة ومضر..

[الحديث الثالث والخمسون] وبهذا الاسناد عن محمد بن احمد : عن زيد، عن ابي عبدالله عليه السلام قال لن تكونوا مؤمنين حتى تكونوا مؤتمنين و حتى تعدوا نعمة الرخاء مصيبة وذلك إن الصبر على البلاء أفضل من العافية عند الرخاء .

[الحديث الرابع والخمسون] وبهذا الاسناد عن محمد بن احمد عن رجل عن ابي عبدالله عليه السلام ، قال صف لي المؤمن (قال عليه السلام) قوة في دين ، وحزم في لين ، و ايمان في يقين ، وحرص في فقه ، ونشاط في هدى ، وبر في استقامة ، وعلم في حلم وشكر في رفق ، وسخاء في حق ، وقصد في غنى ، وتجمل في فاقة ، وعفو في قدرة ، وطاعة في نصيحة ، وورع في رغبة ، وحرص في جهاد ، وصلاة في شغل ، وصبر في شدة

خود را فرو خورد و مزد آن را از خدای خود بخواد و گذشت نماید ، اواز کسان نیست که یزدان او را به بهشت جاویدان برد و میانجیگری او را در مانند دو ایل بزرگ ربیعہ و مضر به پذیرد .

۵۳- زید گوید امام صادق عليه السلام فرمود : مؤمن نیستید تا هنگامیکه مورد اطمینان مردم نباشید و مصیبت را بمانند نعمت نبینید شکیبائی بر بلاء از عافیت زمان نعمت بهتر است .

۵۴- محمد پسر احمد از مردی باز گو کرد که از امام صادق عليه السلام صفات مؤمن را پرسش نمود فرمود مؤمن بدین صفات است : در دینداری توانا و بانر می دور اندیش در ایمان بمرحله یقین ، در جو یائی دانش کوشا و در پیدا کردن راه راست شاداب و با نشاط است در استواری نیکوکار و با بردباری دانش را گرد آورده و در نرمی شکر گذار است و در راه خدا بخشنده و در توانگری میانهر و در درویشی باشکوه و در قدرت از دشمنان می گذرد ، در پند دادن مردمان بندگی خدا جوید و با بستگی بدنیا پرهیز گاری را از دست ندهد در کوشش در راه خدا حریص و در گرفتاری کارهای دنیا بیاد خدا است ~~در سختیها~~ بردبار و در کشاکش روزگار و دشواریهای

وفى الهزاهز وقور ، وفى المكاره صبور ، وفى الرخاء شكور ، ولا يغتاب ولا يتكبر ، ولا يقسع الرحم ، وليس بواهن ولا فظ ولا غليظ ، ولا يسبقه بطره ، ولا تقضحه بطنه ، ولا يغلبه فرجه ، ولا يحسد الناس ، ولا يقتل ولا يبذر ولا يسرف ، ينصر المظلوم ويرحم المساكين ، نفسه منه فى غناء ، والناس منه فى راحة ، لا يرغب فى الدنيا ولا يفزع من مهائل الناس ، للناس هم قد قبلوا عليه ، وله هم قد شغله ، لا يرى فى حلمه نقص ، ولا فى رأيه وهن ، ولا فى دينه ضياع ، يرشد من استشاره ، ويساعد من ساعده ، ويكيع عن الباطل والخنا والجهل ، فهذه صفة المؤمن .

[الحديث الخامس والخمسون] وبهذا الاسناد عن محمد بن احمد عن ابي العلاء عن ابي عبد الله عليه السلام قال : ان المؤمن من يخافه كل شىء وذلك انه عزيز فى دين الله ولا يخاف من شىء ، وهو علامة كل مؤمن .

شکیبا است در فراخی و نعمت شکر گذار است پشت سر کسی گپ نمی زند و گردنفرازی نمی کند از خویشاوندان نمی برد و ابله و تند خو نیست سستی او را نمی گیرد شکمش ویرا رسوا نمی کند و شهوت زنان او را اسیر نمی سازد بر مردمان رشک نمی برد در زندگانی و بخشش میانه رو است ستمدیدگان را پشت و پناه و بر بیچارگان دلسوز است نفس او از او در رنج و مردم از او در راحتند در دنیا چندان دل نمی بندد و از تهدیدهای مردم بناله در نیامده و نمی هراسد هنگامیکه مردم همت می گمارند که بدو رو آورند هم او اینست که او را از کار خود باز خواهند داشت در بردباری او کمی ندارد و رأیش سستی نمی پذیرد در دین خود سهل انگار نیست کسی که با او رأی زند رهنمائیش کند و کسی که باو کمک نماید عوض خواهد داد از باطل و نادانی و هرزه گوئی بهر اسد و این رفتار مرد مؤمن است .

۵۵- ابي العلاء گوید امام صادق عليه السلام فرمود : مؤمن کسی است که همه از او حساب می برند و این برای آنست که در دین خدا توانا است و از چیزی بیم ندارد این نشانی مؤمنست .

[الحديث السادس والخمسون] وبهذا الاسناد عن محمد بن احمد عن صفوان الجمال ، عن ابي عبدالله عليه السلام قال سمعته يقول ان المؤمن يخشع له كل شيء (ثم قال عليه السلام) اذا كان مخلصا قلبه لله اخاف الله منه كل شيء حتى هو ام الارض و سباعها و طير السماء .

[الحديث السابع والخمسون] ابي رحمه الله ، قال حدثنا سعد بن عبدالله ، قال حدثنا احمد بن الحسن بن علي بن فضال عن عمار بن موسى عن ابي عبدالله عليه السلام انه سئل عن اهل السماء هل يرون اهل الارض (قال عليه السلام) لا يرون الا المؤمنين لان المؤمن من نور كنور الكواكب (قيل) فهم يرون اهل الارض (قال عليه السلام) لا يرون نوره حيث ما توجه (ثم قال عليه السلام) لكل مؤمن خمس ساعات يوم القيامة يشفع فيها .

۵۶- صفوان جمال گوید شنیدم امام صادق عليه السلام می فرمود که هر چیزی برابر مؤمن فروتن و بیضا کست سپس فرمود اگر دل مؤمن خالصاً مخلصاً در گروی دوستی و بندگی خدا باشد همه چیز از اوهراسانست حتی شیر و جانوران درنده و مرغان پرنده .

۵۷- عمار پسر موسی گوید از امام صادق عليه السلام پرسیدند از اهل آسمانها آیا ساکنین زمین را می بینند فرمود جز مؤمنان را نمی بینند برای آنکه مؤمن از نور است و مانند اختران می درخشد عرض شد پس ایشان مردم زمین را می بینند فرمود آنطور که باید و شاید نور او را نمی بینند (مقصود آنکه فرشتگان باندازه بینائی و توانائی خود درک نور مؤمنین را می نمایند و شاید در حدیث افتادگی داشته باشد) سپس فرمود مؤمنین در روز مآخیز پنج ساعت میانجیگری بین آفریدگار و آفریدگان می کنند . (واگر بجملة الا اضافه کنیم معنی آنست که نمی بینند مگر نورش را)

[الحديث الثامن والخمسون] ابي رحمه الله ، قال حدثنا سعد بن عبدالله عن الحارثي عن زياد القندي عن ابي عبدالله عليه السلام قال كفى المؤمن من الله نصرة أن يرى عدوه يعمل بمعاصي الله .

[الحديث التاسع والخمسون] ابي رحمه الله ، قال حدثنا سعد بن عبدالله عن الحارثي عن ابي عبدالله عليه السلام قال : لا يؤمن رجل فيه الشح والحسد والجبن ، ولا يكون المؤمن جباناً ولا شحيحاً ولا حريصاً .

[الحديث الستون] حدثنا محمد بن الحسن بن احمد بن الوليد (ره) ، قال حدثنا محمد بن يحيى العطار عن بعض اصحابه عن ابي عبدالله عليه السلام ، قال المؤمن أصدق نلى نفسه من سبعين مؤمناً عليه .

[الحديث الحادى والستون] ابي رحمه الله ، عن محمد بن يحيى العطار عن سهل بن زياد عن الحارث بن الدلهات مولى الرضا عليه السلام قال سمعت ابا الحسن عليه السلام يقول لا يكون المؤمن مؤمناً حتى تكون فيه ثلاث خصال سنة من ربه ، و سنة من

۵۸- زياد قندي گوید امام صادق عليه السلام فرمود برای یاری خدا برای مؤمن بس است همینکه به‌بند دشمن او بگنجه‌کاری گرفتار و او را خداوند از گناه نگهداری فرموده است .

۵۹- حارثی گوید امام صادق عليه السلام فرمود : مردیکه در او بخل و رشک و هراس باشد ایمان نیاورده مؤمن ترسو و بخیل و آزمند نیست .

۶۰- محمد پسر یحیی عطار گوید برخی از یاران از امام صادق عليه السلام بازگو کرده‌اند که می‌فرمود باندازه‌ایکه هفتاد مؤمن مؤمنی را تصدیق و اطمینان کنند و او را خوب به‌پندارند او به خود بیشتر اطمینان دارد .

۶۱- حارث پسر دلهاث آزاد کرده امام رضا عليه السلام گوید شنیدم حضرت ابا الحسن عليه السلام می‌فرمود مؤمن نیست کسی مگر اینکه سه رفتار در او باشد روشی

نبیه ، و سنة من ولیه ، فالسنة من ربه کتمان سره قال عزوجل (عالم الغیب فلا یظهر علی غیبه احد الا من اراد من رسول^۱) وأما السنة من نبیه فمداراة الناس فان الله عزوجل أمر نبیه بمداراة الناس فقال (خذ العفو وأمر بالعرف واعرض عن الجاهلین^۲) وأما السنة من ولیه فالصبر علی البأساء والضراء فان الله عزوجل یقول (والصابرین فی البأساء والضراء ۳) .

[الحديث الثاني والستون] ابی رحمه الله ، قال حدثنا سعد بن عبدالله عن علی الناسخ عن عبدالله بن موسی بن جعفر عليه السلام ، قال سألته عن الملکین یعلمان الذنب اذا أراد العبد أن یفعله أو بالحسنة قال فقال عليه السلام افریح الکنیف والطیب عندک واحدة قال قلت لاقال عليه السلام العبد اذا هم بالحسنة خرج نفسه طیب الریح فقال صاحب الیمین لصاحب الشمال قف فانه قد هم بالحسنة فاذا هو فعلها کان لسانه قلمه ، وریقه

از خدا و سنتی از پیغمبر خدا و آئینی از ولی خدا ، اما روشی از خدا پوشاندن اسرار است خداوند در قرآن می فرماید (عالم الغیب فلا یظهر علی غیبه احد الا من اراد من رسول^۱) و روشی از پیغمبر خدا مدارای با مردم بود و خداوند پیغمبر خود را با سازش و راه آمدن با مردم سفارش کرد و فرمود (خذ العفو وأمر بالعرف واعرض عن الجاهلین^۲) و اما آئین ولی خدا صبر در سختی ها و بلاها است و خدا می فرماید (والصابرین فی البأساء والضراء ۳) .

۹۶- از امام کاظم عليه السلام پرسش شد از دو فرشته که بر انسان گماشته شده آیا هنگامیکه بنده اراده گناه یا صواب کند میدانند فرمود آیا بوی بد و بوی خوب در پیش تو یکسانست عرض شد نه فرمود هنگامیکه بنده اراده کار خیر می کند از او بوی خوش بلند می شود و فرشته راست بدیگری می گوید دست نگهدار که

(۱) دانای نهان ها پس آگاه نگرداند بر نهان خود کسی را جز آنکه را به پسندد
سوره جن آیه ۲۶
(۲) گذشت را پیشه گیر و بغوی امر کن و از نادانان روی بر گردان سوره اعراف آیه ۱۹۹ .

(۳) بردباران در پریشانی و رنجوری سوره بقره آیه ۱۷۷

مداده ، فیثبتها له ، واذا هم بالسيئة خرج نفسه منتن الريح فيقول صاحب الشمال لصاحب اليمين قف فانه قد هم بالسيئة فاذا هو فعلها كان لسانه قلمه و ريقه مداده فيثبتها عليه .

[الحديث الثالث والستون] حدثني محمد بن صالح عن ابي العباس الدينوري عن محمد ابن الحنفية قال لما قدم امير المؤمنين عليه السلام البصرة بعد قتال اهل الجمل دعاه الاحنف بن قيس واتخذ له طعاما فبعث اليه صلوات الله عليه والى اصحابه فاقبل ثم قال : يا احنف ادع لى اصحابى فدخل عليه قوم متخشعون كانهم شأن بوالى ، فقال الاحنف بن قيس يا امير المؤمنين ما هذا الذى نزل بهم أمن قلة الطعام او من هول الحرب ، فقال صلوات الله عليه لا يا احنف ان الله سبحانه أحب اقواماً تنسكوا له فى دار الدنيا تنسك من هجم على ما علم من قربهم من يوم القيامة من قبل

اين بنده بكار نيك همت گماشته و هنگاميكه آن كار را انجام داد زبان او كلك (برای نوشتن) و آب دهانش مر كب خواهد شد و برايش ثبت خواهد نمود و وقتيكه بكار زشت همت بگمارد پوى بد از او بر خواهد خاست و فرشته چپ بدى گرى خواهد گفت بايست كه اين بنده بكار بد اراده كرده و چون بجا بياورد زبان او كلك و آب دهانش مر كب خواهد شد و گناه را ياد داشت خواهد كرد .

۶۳- محمد پسر حنفیه گوید پس از جنگ جمل چون امير المومنين عليه السلام به بصره رفت احنف پسر قيس طعامى تهيه نمود و بسوى امير المومنين عليه السلام و يارانش پيام فرستاد و دعوت نمود حضرت پذيرفت و باحنف فرمود ياران مرا پيش بخوان گروهى خاشع وارد شدند كه مانند مشكهاى كه نه پوستشان خشك شده و پثر مرده شده بودند احنف عرض كرد يا امير المومنين چرا اينها بدين گونه اند از كمبود مواد غذائى يا از ترس جنگ چنين حالى بآنان دست داده است امير المومنين عليه السلام فرمودند يا احنف خداوند گروهى را كه از ترس غافلگير شدن و فرارسيدن روز رستاخيز

آن یساهدوها فحملوا انفسهم على مجهودها و كانوا اذا ذكروا صباح يوم العرض على الله سبحانه توهموا خروج عنق يخرج من النار يحشر الخلائق الى ربهم تبارك وتعالى وكتاب يبدو فيه على رؤس الاشهاد فضايح ذنوبهم فكادت انفسهم تسيل سيلانا او تطير قلوبهم باجنحة الخوف طيرانا وتقارقم عقولهم اذا غلت بهم من اجل التجرد الى الله سبحانه غليانا فكانوا يحنون حنين الواله فى دجى الظلم ، و كانوا يفجعون من خوف ما اوقفوا عليه انفسهم فمضوا ذبل الاجسام ، حزينه قلوبهم ، كالحة وجوههم ، ذابلة شفاههم ، خامصة بطونهم ، تراهم سكارى سمار وحشة الليل ، متخشعون كانهم شان بوالى قد اخلصوا لله اعمالهم سرا وعلانية فلم تأمن من فزعه

دنيا كناره گیرى کرده و سرگرم بندگی پروردگارشان شده اند دوست دارد آنها بعین الیقین در این دنیا قیامت را دیدار کرده اند پیش از آنکه فرارسد و جان خود را بکوشش واداشتند و چون بامداد روز رستاخیز را بیاد می آورند پیش خود مجسم می کنند آفریدگانی را که از آتش خارج می شوند و همگی بنزد خدای خود گرد آمده و کارنامه آنان در آشکارا باز میشود و گناهان آنها رسوائی بیار می آورد نفس هایشان از زیادی رنج کشیدن مانند سیلاب روان می شوند و یا اینکه دل های آنان با بال های هراس پروراز در آمده و خرد از سر آنها می پرد هنگامیکه از ترس تنها بودن با خدا بجوش آمده و مانند ناله کردن گمگشته نالان در تاریکی های سخت نالانند و از ترس آنچه را که در پیش دارند و بر آن آگاهی یافته اند اغدارند دارای بدنهایی پشمرده و دل هایی اندوهگین و چهره هایی دگرگون و لب هایی خشکیده و شکم های خالی و میانی لاغر دارند ، آنان را می بینی مدهوش و مست از سر گذشت شب (چیزهایی که از احوال روز قیامت بعین الیقین در شب دیده اند چنان آنها را مدهوش نموده که اثر آن در روز هم بر آنها باقیست) مانند مشک های کهنه پوست آنها از ترس پروردگار چروکیده و کارهای خود را برای خدا خالص کرده اند در پنهان و آشکار دل های آنها از خروش تهی نمیشود بلکه مانند کسانی هستند که

قلوبهم بل كانوا كمن حرسوا قباب خراجهم فلورأيتهم في ليلتهم وقد نامت العيون
وهدأت الاصوات وسكنت الحركات من الطير في الر كود وقد منهم هول يوم القيامة
والوعيد كما قال سبحانه (أفأمن اهل القرى أن يأتيهم بأسنا بياتاً وهم نائمون)^١
فاستيقظوا اليها فزعين و قاموا الى صلاتهم معولين ، باكين تارة و اخرى مسبحين
يبيكون في محاريبهم ويرنون يصطفون ليلة مظلمة بهماء يبيكون ، فلورأيتهم يا حنف
في ليلتهم قياما على اطرافهم منحنية ظهورهم يتلون اجزاء القرآن لصلاتهم ، قد
اشتدت احوالهم ونحيبهم وزفيرهم ، اذا زفروا خلت النار قد اخذت منهم الى حلاقيمهم
واذا أعلوا حسبت السلاسل قد صفدت في اعناقهم ، فلو رأيتهم في نهارهم اذا لرأيت
قوما يمشون على الارض هونا ويقولون للناس حسناً (فاذا خاطبهم الجاهلون قالوا

زخم دارند و اگر آنها را در شبهایشان به بینی آن زمانیکه دیدگان مردمان بخواب
اندر است و صداهایشان خاموش و بی جوش و خروش و از جنب و جوش افتاده اند و مانند
مرغان در آشیانه آرمیده اند آنان از قفس روز رستاخیز و شکنجه خدا خویش را از خواب
دور کرده و بهمانگونه که پروردگار فرمود (أفأمن اهل القرى أن يأتيهم بأسنا بياتاً
وهم نائمون)^١ بیدار می مانند و نالانند و برای ادای نماز و عرض نیاز بدرگاه پروردگار
چاره ساز برپا می ایستند گاه گریان و زمانی تسبیح گویان اند در جایگاه نماز خود
با صدائی اندوهگین گریه می کنند شبهای تار را انتخاب می کنند که در آن ناله
سر دهند و ای حنف اگر ایشان را در شبهایشان به بینی که برپای ایستاده اند و
پشت های آنان خمیده کتاب خدا را در نمازهای خود می خوانند و صدایشان با ناله
و خروش همراه است چون خروش بر آورند مانند کسانی هستند که آتش دوزخ
یا گلویشان را در خود فرو برده و هنگامیکه شیون سر می دهند گمان می کنند
زنجیرها در گردنهای آنها بصدا درآمده و اگر آنان را در روزشان به بینی گروهی
را خواهی دید که با فروتنی بر روی زمین راه می روند و با مردمان به نیکوئی سخن

(١) آیا ایمن شدند مردمان شهرها که خشم ماشبانه در حالیکه بخواب اندر نه آنان

را فرا گیرد - سوره اعراف آیه ٩٧

سلاما) (واذا مروا باللغو مروا كراما^۱) قد قیدوا اقدامهم من التهمات ، و ابكموا ألسنتهم أن يتكلموا فی أعراض الناس ، و سجموا اسماعهم أن يلجها خوض خائض و كحلوا ابصارهم بغض النظر الى المعاصی و انتحوا دار السلام التي من دخلها كان آمناً من الريب والاحزان ، فلعلك يا أحنف شغلك نظرك في وجه واحدة تبدى الاسقام بغاضرة وجهها ، و دار قد اشغلت بنقش رواقها و ستور قد علقتها والريح والآجام مو كلة بثمرها ، وليست دارك هذه دار البقاء فاحمك الدار التي خلقها الله سبحانه من لؤلؤة بيضاء فشقق فيها انهارها و غرس فيها اشجارها و ظلل عليها بالنضج من ثمارها و كبسها بالعواتق من حورها ثم أسكنها اوليائه و اهل طاعته ، فلورأيتهم يا أحنف

می گویند (فاذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما) (واذا مروا باللغو مروا كراما^۱) خود را از رفتن بجاهائی که بر آنها تهمت خواهند زد باز میدارند و زبانشان از گفتگوی در عیوب مردم لال و گوش آنها از شنیدن هرزه گوئیهای دیگر کر شده چشمهای خود را با سرمه پا کدameni سرمه کشیده و از حرام خدا باز داشته اند و سرای باز پسین را که هر کس بآن داخل شود از شک و اندوه بدور است قصد و نیت نموده اند و شاید ای احنف اگر چشم خود را بخوبی بر چهره یکی از آنها بدوزی در عین تازگی و نورانیت دردی آشکارا در ته آن خواهی دید و خانه ای که ترا سرگرم ساخته با صورتگری سقفهایش و پرده هائی که بر درگاه آن آویخته طوفان و عوامله خرب بر آن موکل اند و نابودش می نمایند و این خانه باقی و جاوید تو نیست و برای تو چشم دارم خانه ای را که خدای تو از لؤلؤ سفید ساخته و نهرهای فراوان در آن جاری کرده و درختان زیند در آن نشانده و میوه های رسیده آن سایه بر زمین انداخته و حوریان با کره را در آن خانه بخدمت گمارده و سپس دوستان و بندگان خود را در آن جای داده و ای احنف اگر آنها را به بینی در حالیکه بنعمت و فضل بیشتری

(۱) هرگاه نادانان با آنان سخن گویند آنها سلام دهند و از در سلامت در آیند - فرقان ۶۳

و چون بکارهای لغو برخود کنند بایز رگواری از آن بگذرند - سوره فرقان آیه ۷۲

وقد قدموا على زیادات ربهم سبحانه فاذا ضربت جنائبهم صوتت رواحهم باصوات لم یسمع السامعون باحسن منها ، واطلعتهم غمامة فامطرت عليهم المسك والرادن ، وصهلت خيولها بین اغراس تلك الجنان ، وتخللت بهم نوقم بین كذب الرعفران ، ويتطأ من تحت اقدامهم اللؤلؤ والمرجان ، واستقبلتهم قهارمتها بمنابر الريحان ، وهاجت لهم ریح من قبل العرش فشرت عليهم الیاسمین والاقحوان ، وذهبوا الى بابها فیفتح لهم الباب رضوان ، ثم یسجدون لله فی فناء الجنان ، فقال لهم الجبار ارفعوا رؤسكم فانی قد رفعت عنكم مؤنة العبادة واسكنتكم جنة الرضوان ، فان فاتك یا احنف ما ذكرت لك فی صدر كلامی لتتركن فی سرایل القطران ، ولتطوفن بینها و بین حمیم آن ، ولتسقين شرابا حار الغلیان ، فی انضاجه ، فكم یومئذ فی النار من صلب محطوم ووجه مهشوم ، و مشوه مضروب علی الخرطوم ،

از جانب خدای خود بهره مند شده اند و اسبان جنیت آنها بصدائی ترنم کنند که گوشها نوائی بآن خوبی نشنیده و ابرهائی آنها را سایه افکند و بر آنها زعفران و مشک فرو ریزد ، اسبان بین باغهای این بهشت شیره کشند و ناقه های آنها بین توده های زعفران برای خود راه باز کنند و بر روی لؤلؤ و مرجان بدون ناراحتی و با وقار و آرامش پایکوبی نموده و آنان را کوفته و پایمال گردانند و خازنان بهشت با میوه و ریحان آنان را پیشواز کنند و نسیمی ملایم از جانب عرش پروردگار بر آنها می وزد و یاسمین و بابونه بر آنها می افشاند سپس بسوی درب آن می روند و دربان خلد برین بروی آنها درب را میگشاید و در درگاه بهشت نخست در برابر خداوند بزرگ بخاک می افتند ، در چنین حالی یزدان بآنان می گوید سرهای خویش را برافرازید که من رنج بندگی را از شما برداشتم و در بهشت مینوسرشت خویش شمارا جای دادم و ای احنف اگر پس پشت بگذاری و از دسه ، بدهی آنچه را که در اول گفتار خود گفتم با پیراهنی از قطران و در میان روغن سیاه بد بو و لزج و آب گرم جوشان سرگردان خواهی بود و شراب جوش آمده خواهی نوشید و چقدر آنروز در آتش گوشتهای بریان شده و چهره های شکسته شده و زشت صورتان

قدا کلت الجامعة کفه ، والتحم الطوق بعنقه ، فلورأيتهم يا احنف يحدرون في
 اوديتها ويصعدون جبالها ، وقد ألبسوا المقطعات من القطران ، واقرنوا مع فجارها
 وشياطينها ، فاذا استغاثوا باسوا أخذ من حريق شدت عليهم عقاربها وحباتها ولورأيت
 مناديا ينادى وهو يقول يا اهل الجنة ونعيمها ويا اهل حليها وحللها خلود فلاموت .
 فعندها ينقطع رجاؤهم وتغلق الابواب و تنقطع بهم الأسباب فكم يومئذ من شيخ
 ينادى واشيبتاه ، وكم شباب ينادى واشباباه ، وكم من امرأة تنادى وافضيحتاه ،
 هتكت عنهم الستور ، فكم يومئذ من مغموس ، بين اطباقها محبوس ، يالك غمسة
 ألبستك بعد نباس الكتان ، والماء المبرد على الجدران ، واكل الطعام الواناً بعد
 ألوان ، لباساً لم يدع لك شعراً ناعماً كنت مطعمه الا ببعضه ، ولا عينا كنت تبصر بها

بينی مالیده خواهی دید طوقهای آتشین دست آنها را خورده و گردن بندی از آتش
 به گردنهایشان چسبیده ای احنف اگر به بینی چگونه در درّهای دوزخ سرازیر
 و یا از باندی های آن بالا میروند و لباسهایی از قطران پوشیده اند و با بدکاران
 و اهریمنان همنشین گردیده اند و اگر کمک خواهند آتش آنها را فرا خواهد گرفت
 و مارها و کژدمها فراوان تر خواهد شد و چنانکه به بینی سروشی را که صدای دهد
 ای اهل بهشت و نعمتهایش و زیورهایش جاوید باشید که هر گوی در پی نیست و یاران
 دوزخ امیدشان بریده می شود و در بهای آرزو را بر روی خود بسته می بینند و اسباب
 رستگاری را مفقود می یابند و در آن روز چه اندازه از پیران که داد میزنند و ای بر
 پیری ما و چقدر از جوانان که فریاد می کنند و ای بر بر نائی ما و چه بسیار زنانی
 که ندا می کنند و ای بر رسوائی ما و چه بسا غرقه گناهی که بین طبقات دوزخ
 زندانی است و ای بر تو که این گناه بعد از لباسهای کتان دنیا و دیوارهای خنک
 شده با آب سرد و طعامهای رنگارنگ چه لباسی بتو می پوشانند لباسی که یک سر مو
 ترا راحت نمی گذارد طعام اهل دوزخ در دنیا بهترین غذا ها بود و تخم ما کیان
 می خوردند دیگر چشمی نمانده که بآن بمعشوق خویش بنگرد مگر آنکه کور گشته

الی حبیب الا تقأها ، هذا ما اعد الله للمجرمین وذلک ما اعد الله للمتقین .

[الحديث الرابع والستون] حدثنا الحسن بن الولید رحمه الله ، قال حدثنا محمد بن الحسن الصفار ، قال حدثنا احمد بن محمد بن خالد عن محمد بن مسلم وغيره عن ابي جعفر محمد بن الباقر عليه السلام ، قال سئل رسول الله ﷺ عن خيار العباد ، قال الذين اذا احسنوا استبشروا ، واذا أسأوا استغفروا ، واذا اعطوا شكروا ، واذا ابتلوا صبروا ، واذا غضبوا غفروا .

[الحديث الخامس والستون] حدثنا محمد بن القاسم الاسترآبادی رحمه الله قال حدثنا يوسف بن محمد بن زیاد وعلی بن محمد بن سیار عن ابویهما عن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسن بن علی ابن ابی طالب عن ابيه عن آباءه عليهم السلام ، قال قال رسول الله ﷺ لبعض اصحابه ذات يوم يا عبدالله حبب في الله ، وأبغض في الله ، ووال في الله وعاد في الله ، فإني لا تنال ولايته الا بذلك ، ولا يجد رجل طعم الايمان - وان كثرت صلاته و صيامه - حتى يكون

واز جای خود بدر آمده اینها چیزهائست که خداوند برای گنهکاران آماده کرده و آنها چیزهائست که پروردگار توانا برای پارسایان فراهم فرموده است

۶۴- محمد پسر مسلم گوید امام باقر عليه السلام فرمود از رسول خدا ﷺ پرسش شد بهترین بندگان خدا کیست ؟ فرمود کسانی اند که چون نیکی کنند مسرور بگردند و هنگامیکه بدی کنند طلب آمرزش کنند و بهنگام بخشش سپاس پروردگار را بجای آورند و اگر ببلاها گرفتار شوند صبر کنند و زمان خشمگینی بگذرند .

۶۵- علی پسر محمد پسر یسار گوید امام عسکری فرمود پیغمبر خدا روزی به برخی از یارانش می فرمود ای بنده خدا برای خدا دوست داشته باش و بحاطر خدا دشمن داشته باش و دوستی و دشمنیت باید برای خداوند باشد و بس تو دوستی او را جز باین راه بدست نمی آوری و مرد مزه ایمان را نمی چشد گوا اینکه همیشه در نماز

كذلك وقد صارت مواخاة الناس في يومكم هذا اكثرها في الدنيا ، عليها يتوادون ، وعليها يتباغضون ، وذلك لا يغني عنهم من الله شيئاً ، فقال له عليه السلام كيف لي ان اعلم اني قد واليت وعاديت في الله عز وجل ومن ولي الله عز وجل حتى اواليه و من عدوه حتى اعاديه فاشار له رسول الله ﷺ الى علي عليه السلام فقال اترى هذا فقال بلى ، فقال ﷺ ولي هذا ولي الله فواله وعدوه هذا عدو الله فعاده ، ووال ولي هذا ولو انه قاتل ابيك وولدتك ، وعاد عدو هذا ولو انه ابوك وولدتك .

[الحديث السادس والستون] حدثنا الحسن بن احمد بن ادریس رحمه الله عن ابي بصير عن ابي عبد الله عليه السلام عن آبائه عليهم السلام قال قال امير المؤمنين عليه السلام ان لاهل الدين علامات يعرفون بها ، صدق الحديث ، واداء الامانة ، والوفاء بالعهد ، وصلة الرحم ، ورحمة الضعفاء ، وقلة المؤاناة للنساء ، وبذل المعروف ، وحسن الخلق ، وسعة الخلق ، واتباع العلم ، وما يقرب الى الله عز وجل ، طوبى لهم وحسن مآب ،

وروزه دار باشد مگر اینکه چنین که گفتم باشد امروزه دوستی شما مردم باهم بیشتر برای دنیا است برای دنیا باهم دوست یا دشمن می شوید و این شمارا از خدای شما بی نیاز نمی کند باو عرض شد چگونه من بدانم برای خدا دوستی و دشمنی می کنم وجه کسی دوست خدا است تا با او دوستی کنم وجه کس دشمن خدا است تا با او دشمنی نمایم پیغمبر خدا ﷺ بعلي عليه السلام اشاره کرد و فرمود آیا این مرد را می بینی عرض کرد بلی فرمود دوست این مرد دوست خدا است او را دوست داشته باش و دشمن او دشمن خداوند است او را دشمن داشته باش و دوست این شخص را اگر چه کشته پدر و پسر است باشد دوست داشته باش و دشمن این مرد را اگر چه پدر و پسر است باشد دشمن داشته باش .

۶۶- ابي بصير گوید امام صادق ع بگفته ای از پدرانش فرمود که امير المؤمنين عليه السلام می فرمود برای اهل دين نشانه هایی است که بآن شناخته می شود ، راستگو و ادا کننده امانات است به پيمان خود وفا می کند صله رحم می کند و دلسوز بر زیر دستانت با زنان زياد نمی آمیزد بخشنده و خوش اخلاق و صاحب مشربی

وطوبی شجرة فی الجنة اصلبا فی دار النبی ﷺ ، و لیس مؤمن الا و فی داره غصن منها لا یخطر علی قلبه شهوة شیء الا اتاه ذلك الغصن به ولو ان را کباً مجدداً سار فی ظلها مائة عام لم یخرج منها ، ولو صار فی اسفلها غراب ما بلغ اعلاها حتی یسقط هراً ، ألا فی هذا فارغبوا ، إن المؤمن نفسه منه فی شغل والناس منه فی راحة ، اذا جنه اللیل افترش وجهه وسجد لله عزوجل بمکارم بدنه ، یناجی الذی خلقه فی فکاک رقبتہ ، ألا هکذا فکونوا .

[الحديث السابع والستون] حدثنا احمد بن محمد بن یحیی العطار رحمه الله قال حدثنا ابي عن عبد الله بن مسکن عن ابي عبد الله عليه السلام قال ان الله تبارک و تعالی خص رسول الله ﷺ بمکارم الاخلاق فامتحنوا انفسکم فان كانت فیکم فاحمدوا الله عزوجل وارغبوا الیه فی الزیادة منها ، فذكرها عشرة الیقین ، والقناعة ، والصبر ،

وسیع است پیرو دانش و آن چیز هائیکه اورا بخدا نزدیک می کند خوشا بحال آنها و سرانجام خوبشان ، و طوبی درختی است در بهشت ریشه و تنه آن در خانه پیغمبر است و هیچ مؤمنی نیست مگر اینکه در خانه او شاخه از آن درخت می باشد بر قلبش شهوتی خطور نمی کند مگر اینکه شاخه طوبی برایش آماده می کند و اگر سواری با شتاب در سایه او صد سال بتازد از زیر آن خارج نمی تواند شد و اگر از پائین او کلاغی بپرد بر بالای آن نمیرسد مگر اینکه شکسته بال فرو خواهد افتاد هان در این امر رغبت کنید مؤمن نفسش از او در شکنجه و مردم از او در راحتند هنگامیکه شب فرامیرسد جبین خویش را بر خاک می ساید و با بهترین اعضای خود خداوند را نماز می کند و با کسی که اورا آفریده راز و نیاز می نماید و از او می خواهد که گردن او را از آتش دوزخ رهایی دهد ، هان ای مردم چنین که گفتیم باشید .

۶۷- عبدالله پسر مسکن گوید امام صادق عليه السلام می فرمود خداوند بزرگی پیغمبر خود را به بهترین خواها مخصوص کرد نفس های خود را آزمایش کنید اگر در شما از آن خواها چیزی یافت می شود خدا را سپاس گوئید و بآن رفتار زیاد رو آورید و آن روش های نیک را شمرد ده عدد بودند یقین ، قناعت ، صبر ،

والشكر ، والحلم ، وحسن الخلق ، والسخاء ، والغيرة ، والشجاعة ، والمروة .

[الحديث الثامن والستون] حدثنا علي بن احمد بن عمران رضى الله عنه ،

عن عبدالعظيم بن عبدالله الحسنى قال دخلت على سيدى على بن محمد بن على بن موسى بن جعفر الصادق عليه السلام فلما أبصرنى قال لى مرحبا بك يا ابا القاسم انت ولينا حقا ، قال فقلت يا بن رسول الله انى اريد ان اعرض عليك دينى فان كان مرضيا أثبت عليه حتىلقى الله عزوجل ، فقال هات يا ابا القاسم ، فقلت انى اقول ان الله تبارك وتعالى واحد ليس كمثله شىء خارج من الحدين حد التعطيل وحد الابطال وحد التشبيه ، وانه ليس بجسم ولاصورة ولاعرض ولاجوهر ، بل هو مجسم الاجسام ، ومصور الصور ، وخالق الاعراض والجواهر ، ورب كل شىء ، ومالكة وجاعله ومحدثه ، وانه حكيم لايفعل القبيح ولايخل بالواجب ، وان محمدا عبده ورسوله خاتم النبيين فلانبنى بعده الى يوم القيامة وان شريعته خاتمة الشرايع لاشريعة

شكر ، حلم ، حسن خلق ، سخاوت ، غيرت ، شجاعت ، ومروت .

۶۸- على پسر احمد پسر عمران گوید عبدالعظیم الحسنی فرمود بر حضرت امام علی النقی علیه السلام وارد شدم چون مرا دید بمن فرمود ای ابا القاسم خوش آمدی تو حقا دوست مائی عرض کرد ای پسر پیغمبر من اراده کرده ام دین خود را بر شما عرضه بدارم اگر درست بود او را صبحه بگذاری تا اینکه خدا را دیدار کنم فرمود یا ابا القاسم بفرما عرض کرد من می گویم خداوند یکی است که مانند ندارد از تعطیل وتشبیه بدور است (نه وجود موهوم بدون صفات و نه ذات و صفاتش شبیه چیزهای دیگر است) ، جسم و صورت و عرض و جوهر نیست بلکه او آفریننده اجسام است و صورت آفرین صورتها است و آفریدگار اعراض و جواهر و پرورنده هر چیز است و صاحب او و پدید آورنده او و حادث کننده او است و او حکیمی است که کار زشت نمی کند و کار واجبی را فرو گذار نمی نماید و اینکه محمد صلی الله علیه و آله بنده او و پیغمبر و خاتم پیغمبران او است و تا روز جزا پیغمبر دیگری پس از او نخواهد آمد و دین

بعدها الى يوم القيامة ، واقول إن الامام والخليفة و والى الامر بعده امير المؤمنين على ابن ابى طالب ثم الحسن ثم الحسين ثم على بن الحسين ثم محمد بن على ثم جعفر بن محمد ثم موسى بن جعفر ثم على بن موسى ثم محمد بن على ثم انت يا مولاي (فقال عليه السلام) ومن بعدى الحسن ابني و كيف الناس بالخلف من بعده ، قال فقلت و كيف ذلك يا مولاي ، قال عليه السلام لا نه لا يرى شخصه ولا يحل ذكره باسمه حتى يخرج فيملاً الارض قسطاً وعدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً قال فقلت أقررت ، و أقول إن وليهم ولي الله و عدوهم عدو الله ، و طاعتهم طاعة الله ، و معصيتهم معصية الله و اقول إن المعراج حق و المسألة في القبر حق و إن الجنة حق ، و النار حق ، و الصراط حق ، و الميزان حق ، و إن الساعة آتية لا ريب فيها و إن الله يبعث من في القبور ، و أقول إن الفرائض الواجبة بعد الولاية الصلاة و الزكاة و الصوم و الحج و الجهاد و الأمر

او آخرين دينها است و باز می گویم پیشوای خلق و جانشین و صاحب امر او پس از او امير المؤمنين عليه السلام على بن ابى طالب است و پس از او حسن و سپس حسين و بعداً على بن الحسين و بعد از او محمد بن على و دنبال وی جعفر بن محمد و عقبش موسى بن جعفر و جانشین او على بن موسى الرضا و خليفه او محمد بن على و وارث او شماييد ای آقای من امام عليه السلام فرمود پس از من هم پسر من حسن خليفه است و مردم با جانشین پس از او چه می کنند پس عرض کرد ای آقای من مگر وضع او چگونه است فرمود شخص او دیده نمیشود و حلال نیست بنام یاد کردن او تا اینکه خروج کند و ظاهر شود و زمین را از داد پر کند همانطور که از ستم و بيداد گری پر شده باشد عرض کرد اقرار کردم و باز می گویم دوستان ایشان دوستان خدا و دشمنان ایشان دشمنان خدايند فرمانبری آنان فرمانبری از خدا و نافرمانی آنها سرکشی بدر گاه پروردگار است و گواهی می دهم عقیده بمعراج ، سؤال قبر ، بهشت و دوزخ ، پل صراط ، و ترازو حق است و ساعت روز رستاخیز بدون شك خواهد آمد و خداوند هر که را که در گور باشد بر می انگیزد و باز عرض می کنم واجبات بعد از ولایت نماز است و زکوة و روزه و حج خانه خدا و جهاد فی سبيل الله و امر بمعروف و نهی

بالمعروف والنهي عن المنكر وحقوق الوالدين فقلت هذا ديني ومذهبي وعقيدتي
ويقيني قد أخبرتك به ، فقال علي بن محمد عليه السلام يا ابا القاسم هذا والله دين الله الذي
امتضاه لعباده فاثبت عليه ثبثك الله بالقول الثابت في الحياة الدنيا وفي الآخرة .

[الحديث التاسع والستون] حدثنا احمد بن الحسن القطان رحمه الله قال
حدثنا محمد بن عمارة عن ابيه قال قال الصادق جعفر بن محمد عليه السلام ليس من شيعتنا
من انكر اربعة اشياء المعراج ، والمساءلة في القبر ، وخلق الجنة والنار ، والشفاعة .
[الحديث السبعون] حدثنا محمد بن اسحاق الطالقاني رحمه الله ، قال حدثنا
علي بن الحسن بن علي بن فضال عن ابيه عن ابي الحسن علي بن موسى الرضا
عليهم السلام انه قال من كذب بالمعراج فقد كذب رسول الله صلى الله عليه وآله .

[الحديث الحادي والسبعون] حدثنا عبد الواحد بن محمد بن عبدوس العطار
النيسابوري رضي الله عنه ، قال حدثنا علي بن محمد بن قتيبة عن الفضل بن شاذان قال
قال علي بن موسى الرضا عليه السلام : من أقر بتوحيد الله ونفى التشبيه عنه و نزهه عما

از منكر وحقوق والدين است عرض كرد اين مذهب ودين وعقيده و آئين من است
كه شما را از آن آگاه ساختم حضرت امام علي النقي عليه السلام فرمود يا ابا القاسم
بخدا سو گند اين دين خدا است كه براي بندگان خود پسنديده بر آن بايماني
استوار در دوسرا ثابت قدم باش .

۶۹- محمد پسر عماره بگفته ای از پدرش گوید امام صادق عليه السلام فرمود پيرو ما
چهار چيز را منكر نميشود معراج ، پرسش در گور ، اينكه بهشت و دوزخ آفريده
شده اند و شفاعت .

۷۰- علي پسر حسن پسر علي پور فضل بگفته ای از پدرش گفت امام رضا عليه السلام
فرمود کسی كه معراج پيغمبر را دروغ به پندارد به پيغمبر خدا دروغ بسته .

۷۱- محمد پسر عبدوس عطار نيشابوري گوید كه علي پسر محمد پسر قتيبه
از فضل پسر شاذان نقل كرد كه امام علي بن موسى الرضا عليه السلام می فرمود کسی كه
اقرار كند خدا يكيست و مانندی ندارد و از صفاتي كه شايسته او نيست اورا پاك

لا ىللىق به ، وأقر بأن له الحول والقوة والارادة والمشيئة والخلق والامر والقضاء
والقدر ، وأن افعال العباد مخلوقة خلق تقدير لاخلق تكوين ، و شهد أن محمداً
رسول الله وأن علياً والائمة بعده حجج الله و والى اولياءهم و اجتنب الكبائر ، و اقر
بالرجعة ، والمتعتين وآمن بالمعراج والمساءلة فى القبر والحوض والشفاعة ،
وخلق الجنة والنار والصراط والميزان والبعث والنشور والجزاء والحساب فهو
مؤمن حقاً ، وهو من شيعتنا اهل البيت .

بداند (صفات سلبیه) و اقرار کند خداوند بزرگ داری نیرو و حول و اراده و مشیت
است و جهان خلق و امر دارد و صاحب قضا و قدر است و اینکه کارهای بندگان خدا
مخلوق خدا است بخلق تقدیری نه تکوینی (یعنی بشر در عالم خلقت دارای اختیار
است و اعمال بد و خوب او از او و بخود او بر خواهد گشت من یعمل مثقال ذرة
خیراً یره و من یعمل مثقال ذرة شراً یره) و گواهی دهد که محمد پیغمبر خدا است
و امیر المؤمنین علی علیه السلام و ائمه بعد از او حجت های خدا هستند و دوستان آنها را
دوست داشته باشد و از گناهان بزرگ دوری کند و بمسئله رجعت اقرار نماید و دو
متعّه حج و زنان را به پذیرد و بمعراج و پیرش در گور و حوض کوثر و شفاعت اقرار
داشته باشد و قبول کند که بهشت و دوزخ اکنون موجودند و پل صراط و ترازو
و برانگیختن از گورها و دوباره زنده گشتن و حساب و جزا حق است این شخص
مؤمن حقیقی است و از پیروان خاندان پیغمبر است .

وصلی الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین و الله الحمد

ترجمه کتاب (صفات الشیعه) تمام شد

قسمتی از انتشارات ما

- سفینه البحار تألیف محدث قمی ۶۰۰ ریال
- » ۶۰۰ معالم الزلفی تألیف محدث بحرانی
- » ۶۰۰۰ تاریخ ابن اثیر در ۱۳ جلد
- » ۳۰۰ شرح صمدیه تألیف سید علیخان
- » ۱۲۰ لؤلؤمرجان تألیف علامه نوری
- » ۲۰۰ جامع عباسی کبیر تألیف شیخ بهائی
- » ۳۰۰ اسلام و تحولات زندگی تألیف محمد قطب، ترجمه محمد علی عابدی
- » ۳۵ اسلام و دیگران سید قطب جیبی
- نقش ثروت در پیشرفت اسلام تألیف آیه... شیرازی ترجمه -
- » ۴۰ صادقی اردستانی

در دست چاپ

اسلام و ناسه امانیهای روانی تألیف محمد قطب، ترجمه محمد علی عابدی



تهران خیابان بوذرجمهری بازار شیرازی

۷۰ ریال

LIBRARY
OF
PRINCETON UNIVERSITY

(NEC)
BP193
.27
.I263
1970z